



اصول و فوائد دوستی با سیدالشهدا علیه السلام

علی آب انباری و محمد مولوی

ویژہ کودک و نوجوان







# رفیقم حسین علیه السلام

اصول و فواید دوستی با سیدالشهدا علیهما السلام

نویسندگان:  
علی آب انباری- محمد مولوی



## رفیقم حسین علیہ السلام

اصول و فواید دوستی با سیدالشهدا علیہ السلام

به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی

کاری از: گروه تولید محتوای «غیورمردان ایران زمین»

ناظر محتوایی: سید محسن اسداللهی نویسنده: علی آب انباری و محمد مولوی

ویراستار: سجاد رستمی پور مدیر هنری: محمد صادق صالحی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲ شماریان: ۱۰۰ نسخه قیمت: ۹۰۰۰۰



شرکت نشر و تبلیغ شباکه

سامانه شمع

shabaketabligh.ir

۰۲۵-۳۲۹۰۹۵۵۰

مرکز پخش کتب اداره راهبری محتوای تبلیغی

آدرس: قم، بلوار امین، کوچه ۸، فرعی سوم، پلاک ۲

ایتای اداره راهبری: [https://eitaa.com/rahbary\\_mohtava](https://eitaa.com/rahbary_mohtava)

شماره تماس: ۰۲۱۹۱۳۰۳۲۲ داخلی ۴

شماره همراه: ۰۹۳۰۷۸۱۳۰۵۷



برای شرکت در نظر سنجی کتاب اسکن کنید

- ۷ درآمد  
 ۲۹ مقدمه
- جلسه اول**
- ۳۳ رفیقم حسین (تبیین اهمیت رفاقت با امام حسین علیه السلام)**
- ۳۵ شور رستاخیز  
 ۳۵ خدا را شکر  
 ۳۶ مِنْ الْغَرِيبِ اِلَى الْخَبِيبِ  
 ۳۷ غرضه رفاقت  
 ۳۸ چاقوی دولبه  
 ۴۰ رفیق قوی  
 ۴۱ رفیقم حسین  
 ۴۱ رفاقت تا قیامت  
 ۴۳ حبیب و مسلم  
 ۴۴ روضه خوانی حسین  
 ۴۵ مراقبت از خانواده رفیق

- جلسه دوم**
- ۴۷ هوای رفاقت (ضرورت عضویت آزاد مسئولانه در میدان)**
- ۴۹ ناتوان‌ترین مردم  
 ۵۰ هوایش را داشته باش  
 ۵۰ لَبِیک، لَبِیک  
 ۵۱ یک گردان تا پیروزی  
 ۵۲ من کجا و  
 ۵۲ روضه قاسم ممنوع  
 ۵۴ عضویت آزاد مسئولانه  
 ۵۵ امیری حسین

- جلسه سوم**
- ۵۹ با هم قوی‌تریم (ضرورت توجه به کار جمعی)**
- ۶۱ عضویت آزاد مسئولانه  
 ۶۱ عضویت به تنهایی ممنوع  
 ۶۲ ایراد کجاست  
 ۶۳ کار جمعی  
 ۶۳ سنگ بزرگ، نشانه  
 ۶۳ کار جمعی کر بلا  
 ۶۵ یک با یک می‌شود یازده!



- ۶۵ کار جمعی دفاع مقدس
- ۶۶ ضربه قاسم

#### جلسه چهارم

### ۶۹ ما به هم مربوطیم (تنظیم روابط بین فردی)

- ۷۱ کار جمعی
- ۷۱ مدیریت همگانی مسئولانه
- ۷۲ اعضای یک خانواده
- ۷۲ غرب فردگرا
- ۷۳ ارتباطات در کر بلا
- ۷۳ رفیق و رفیق بازی
- ۷۴ اهتمام به خانواده
- ۷۵ برادر و داداشی
- ۷۵ پدر و پسری
- ۷۶ با دشمن نیز
- ۷۷ چون دل‌مان می‌سوزد
- ۷۷ شهید صلح جهانی
- ۷۷ پدر و دختری

#### جلسه پنجم

### ۷۹ تا پای جان (هزینه کردن برای رفیق در تمامی حالات)

- ۸۱ دست رفاقت
- ۸۱ برایش هزینه کن
- ۸۲ همه جوره
- ۸۲ خرج کرد مالی
- ۸۳ خرج کرد عملی
- ۸۴ خرج کرد آبرویی
- ۸۵ خرج کرد جانی (ایثار)
- ۸۶ تمام سال
- ۸۶ مثل حسین
- ۸۷ از جنس صبر
- ۸۸ گلوی خونین
- ۹۰ **پیک رفیقم حسین ۱**
- ۹۴ **پیک رفیقم حسین ۲**
- ۹۸ **پیک رفیقم حسین ۳**
- ۱۰۲ **پیک رفیقم حسین ۴**
- ۱۰۶ **پیک رفیقم حسین ۵**
- ۱۱۱ **کتاب منتشر شده در این مجموعه**



## درآمد

بِسْمِ رَبِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ  
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ  
اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ  
الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

باز ماه محرم رسید و توفیق نوکری برای سربازان لشکر تبیین و تبلیغ آغاز شد. حمد بی پایان خدای منان را که نعمت زندگی و خلعت بندگی و نوکری اربابمان را به ما ارزانی داشت. بوی پیراهن خونین کسی می آید. آسمان و زمین به هم می ریزد، فرشته ها کم طاقت می شوند و شیون کنان برای زیارت قبرش لحظه شماری می کنند. حال و هوای عشق حسینی که در کوچه و خیابان می پیچد، دل را روانه اشک و روضه می کند. امسال برای ارباب آستین نوکری بالا زدیم تا جرعه ای معرفت، از کوثر کثیر هدایت حسینی و زینبی بگیریم و در کام همه دوستداران و دلدادگان این خمیه و خانه بریزیم. خمیه، خمیه حسین است و خانه، خانه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. ممنون مادر این خانواده ایم که مادری را در حق ما تمام کرد. باز هم راهمان دادند،

مراقبمان بودند و نوازشمان کردند. آمده‌ایم امسال نگاهمان را عوض کنیم، دلمان را صاف کنیم و حواسمان را جمع. با خود می‌گوییم چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. ابی‌عبدالله علیه السلام همه را دعوت می‌کند؛ فرق نمی‌گذارد؛ همه را می‌خَرَد؛ دَرَهَم می‌خَرَد. نگاه به قدوبالای اعمالمان نمی‌کند. با چشمِ بینای به پیدا و پنهانِ عالم، نگاهمان نمی‌کند که اگر چنین کند همه جامانده و وامانده خواهیم شد. همه را می‌خَرَد و با خود می‌برد. سفینه است دیگر؛ شمر هم که باشی لحظهٔ آخر می‌گوید: اگر از روی سینه‌ام کنار بروی نجات می‌دهم. خودت را بیچاره نکن؛ برو.

امسال مراقبیم با چشم بد به میهمانان نگاه نکنیم؛ ما که باشیم که میهمانت را برنجانیم. زحمتش با خود شماست. با بچه‌هایتان: علی‌اکبر و علی‌اصغرتان، با نازدانه‌ها و کودکان معصوم و مظلومتان، کوچه‌به‌کوچه و خانه‌به‌خانه می‌گردید، پیدایشان می‌کنید و به میهمانی عشق دعوتشان می‌کنید؛ ما همیشه این زمزمه را باور داشتیم؛ آری! خیلی حسین زحمت ما را کشیده است.

امسال با صدای بلند فریاد می‌زنیم حسین جان! در سلم و سلامت است هر آنکه تو پناهش دادی. با صدای بلند فریاد می‌زنیم «سَلِّمْ لِنِ سَائِكُمْ». حسین جان! میهمان شما نور چشم ماست. با نور خودت در تاریکی هیئت، در میان اشک و روضه‌ها، جلوی پایمان را روشن می‌کنی؛ زندگی‌مان را نور می‌بخشی؛ فرق نمی‌گذاری. نور تو همه را روشن می‌کند؛ ما کار سختی نداریم؛ فقط کافیست خودمان را به تو برسانیم، فقط باید خود را در مسیر این نور خاموش نشدنی قرار دهیم. آری! ارباب، خود رسم ذره‌پروری داند.

### نوآوری‌مان به کجا رسید؟

ادارهٔ راهبری محتوای تبلیغی در شمع، بعد از دو ماه گفت‌وگو و تشکیل جلسات مختلف برای تعیین مسیر، سیاست‌ها و تعیین راهبردهای محتوایی سازمان تبلیغات اسلامی و بعد از پیگیری دغدغه‌ها و راهبردهای کلان معاونت محترم راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی، برنامه و مدل



راهبری خود را در محتواهای تبلیغی محرم امسال به این شکل ترسیم و تقدیم می‌کند:

### جهاد تبیین، قانونی همیشگی!

قانون نانوشته، نوشته شده و پیش شرط جدی مادر مناسبت‌های تبلیغی پیش رو، اهتمام گروه‌های تولید محتوای تبلیغی، به نقشه‌های جهاد تبیین و تبعیت از شاخصه‌های یک تبلیغ جهادگونه است. شورای مرکزی شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی و هیئت نظارت و ارزیابی محتوایی سازمان تبلیغات، این اصول و شاخصه‌ها را مطمع نظر قرار داده و تولیدکنندگان محترم محتوای تبلیغی باید این شاخصه‌های جهاد تبیینی را در آثار خود مدنظر قرار دهند. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از:

۱. تبیین مفاهیم عالی اسلامی و مبانی انقلاب بارویکردی جامع (که رویکرد اجتماعی دارند)؛
۲. تبیین آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی (برای نشان دادن قله و امیدآفرینی برای حرکت روبه‌جلو)؛
۳. تبیین پیشرفت‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی (برای ازبین بردن لجن پراکنی‌ها و ایجاد حس «ما می‌توانیم»);
۴. تبیین روایت درست از حوادث (برای جلوگیری از تحریف و خنثی‌سازی جنگ شناختی).

### کلان‌راهبردها در تولید محتوا و دو تحول در تبلیغ

ذهنیت ما در فضای تبلیغ، این است که مبلغ باید یک پیام را به مخاطب برساند. تصویر کلی ما در فضای تبلیغ، این‌طور شکل گرفته است که کدام حرف را چگونه و به کدام مخاطب برسانیم؟ سؤال اینجاست که این تبلیغ در چه ظرف و فضایی در حال شکل‌گیری است؟ ما بیش از آنکه به پیام

۱. دین بارویکرد جامع و حداکثری در دو بعد فردی و اجتماعی باید محقق شود و برای زندگی انسان حرف برای گفتن دارد.



فکر کنیم باید به ظرف انتقال پیام فکر کنیم. فضایی که در آن، پیام تبلیغی منتقل می‌شود، مهم است. در مسئله انتقال پیام، دو نکته باید مورد توجه واقع شود: اول، فضای فرستنده و دوم، فضای گیرنده پیام است. اگر بهترین محتواها با بهترین بسته‌بندی و تبلیغ در اختیار مبلغ قرار گیرد و به مخاطبین منتقل شود، اما دو تحول در فضای تبلیغی شکل نگرفته باشد، در عمل، خروجی لازم را نخواهیم گرفت.

### تحول اول: نشر خوبی‌ها رویکردی ۵ ساله!

تحول اول، تحول در شنونده و مخاطب است. فضایی که ما داریم یک چیز است؛ ولی دریافت مخاطب و شنوایی او یک چیز دیگر. مخاطب لزوماً آنچه ما می‌خواهیم را نمی‌شنود. شاید این تجربه برای بسیاری از مبلغین وجود داشته باشد که گاهی ما دستاوردهای جمهوری اسلامی را بیان می‌کنیم ولی مخاطب مان برداشتی برعکس دارد. از این واکنش مخاطب می‌فهمیم که این پیام، امیدآفرین نیست. اتفاق خوبی افتاده و ما این اتفاق را مطرح کردیم؛ ولی او طور دیگری دریافت می‌کند! لزوماً قدرت خود پیام و طراحی پیام خیلی مهم نیست. اینکه مخاطب عیب‌یاب است، منفی‌یاب است، با هرچه مواجه می‌شود اول نقاط منفی را می‌بیند، مهم است. حقیقتاً تبیین برای چنین مخاطبی به مشکل می‌خورد. در نتیجه در فضای تبلیغ پیام، به آنچه که زمینه را برای انتقال پیام فراهم می‌کند باید توجه کرد.

رهبر معظم انقلاب اخیراً در دیدار مداحان فرمودند: «اشکال کار ما این است که دستور می‌دهیم، نصیحت می‌کنیم استدلال می‌آوریم، اثر نمی‌کند. چرا؟ چونکه فضای عمومی، فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. این‌ها را در فضایی انجام می‌دهیم که متناسب با پیام ما نیست؛ لذا اثر نمی‌گذارد.»<sup>۱</sup> باید فرهنگ‌سازی انجام شود. آن فضایی

۱. «شما باید مبارزه با طاغوت را، مبارزه با ظالم را، مبارزه با استکبار را، مبارزه با فساد را در فضای کشور منتشر کنید. اشکال کار ما در بسیاری از جاها این است که دستور می‌دهیم، نصیحت می‌کنیم، استدلال می‌کنیم، منطقی می‌آوریم، اثر نمی‌کند؛ چرا؟ برای اینکه فضای عمومی، فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. من بارها تکرار کرده‌ام «فرهنگ‌سازی»؛ فرهنگ‌سازی یعنی همین کاری که شما



که پیام ما در آن اثر می‌کند با فرهنگ‌سازی ایجاد می‌شود. ما در جامعه باید فرهنگ‌سازی کنیم. آدمی که روحیه‌اش ناامیدانه است کارش خیلی سخت است. اینکه بخواهید ظرفیت‌ها و پیشرفت‌ها را به او بدهید به تنهایی عمل نمی‌کند؛ مثلاً اگر شما پیشرفت در ساخت زیردربایی را مثال بزنید او کیفیت پرابرد را مثال می‌زند.

تا وقتی فضا را نسازیم پیام ما به خوبی سر جایش نمی‌نشیند. به صرف ارائه محتوا و اطلاعات، جواب نمی‌دهد؛ زمانی جواب می‌دهد که زمینه و آمادگی برای فرد، فراهم باشد. اگر بتوانیم صفت «دیدن خوبی‌ها» را در جامعه ایجاد کنیم، آن وقت ارائه محتوا و اطلاعات، طوری جواب می‌دهد که دیگر مدام دنبال عُرزدن نباشد. حالا باید ببینیم چطور می‌شود جامعه را به این سمت برد.

ویژگی امیدوار بودن و سرمایه‌ها را دیدن چطور در جامعه گسترش یابد؟ ما انگار تعهد نانوخته داریم که هر ضعفی که می‌بینیم را همه جا جار بزنیم تا تسکین خاطر پیدا کنیم؛ [مانند والدینی که فرزند را برای تربیت، تنبیه نمی‌کنند بلکه برای تسکین دل خودشان او را تنبیه می‌کنند]. این را با فرهنگ و تعهد دیگری باید جایگزین کرد. اینکه هر جا یک خوبی می‌بینیم آن را بیان کنیم، آن وقت در آن فضا منطق اثر می‌کند. جامعه ما باید هر امر خوبی می‌بیند نقل کند. مردم دائماً که خوبی‌ها را می‌بینند، برای همدیگر نقل کنند. این حالت اگر پرتکرار شود فضا خیلی خوب می‌شود.

---

می‌توانید بکنید. یکجا لازم است فضای کشور فضای استقامت در مقابل دشمن باشد، یکجا لازم است فضای هجوم به دشمن باشد، یکجا لازم است فضای پیروی از دانش و علم باشد، یک روز لازم است فضای تعقل و تدبّر باشد؛ فضا سازی باید بشود. من راجع به «خانواده» به شما گفتم، راجع به «فرزندآوری» به شما گفتم؛ نقشی که شما در این زمینه می‌توانید ایفا کنید از نقش وزارت بهداشت و سازمان بهداشت و مانند این‌ها خیلی بیشتر است. می‌توانید فضا به وجود بیاورید، می‌توانید بصیرت‌دهی کنید، می‌توانید امیددهی کنید. امروز می‌بینید که یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن تزریق ناامیدی است. کجا؟ در مهم‌ترین نقطه وجودی کشور، یعنی جوانان که آن‌ها را با انواع شیوه‌ها و طرق و شگردها مأیوس کنند. شما می‌توانید درست ضدّش عمل کنید، امیددهی کنید؛ شما می‌توانید در فکر و عمل هدایت کنید، منتها خوب شرط دارد.» (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام ۲۲ دی ۱۴۰۱؛ دسترسی در: <https://khl.ink/f/51746>).



صرف اینکه جریانی تبلیغی راه بیندازیم که محتواهای امیدوارکننده تولید و بیان کند، مسئله حل نمی‌شود بلکه باید توسط خود مردم این فضا ایجاد شود. با تریبون‌های دولتی و حکومتی این کار قابل انجام نیست. دشمن در جنگ شناختی در حال تغییر دادن شناخت‌هاست. به ما می‌گوید شما ناتوانید، بدبختید و روزبه‌روز بدتر می‌شوید.

نقطه‌ی تمرکز ما ارائه اطلاعات و تحلیل نیست بلکه نقطه‌ی تمرکز ما این است که انسان‌ها را به این توجه دهیم که چه مقدار مثبت‌گرا یا منفی‌گرا هستند. اگر تلاش کنیم ویژگی‌های مخاطب را تغییر دهیم موفق خواهیم بود.

«نشر خوبی‌ها» رویکردی ۵ ساله برای بازتعریف و اصلاح نگاه مردم به عرصه‌ی اجتماعی و زندگی پیرامون آن‌هاست که یکی از جدی‌ترین برکات آن، امیدآفرینی در جامعه‌ی ایرانی-اسلامی ماست. نشر خوبی‌ها، یک فرهنگ است و صرفاً یک کنش و الگوی رفتاری یا یک عملیات و پویش نیست. نشر خوبی‌ها می‌خواهد در فرهنگ، تغییر ایجاد کند و به تعبیر دقیق‌تر، یک پیش‌ران تحول فرهنگی در جامعه است.

نشر خوبی‌ها بنا دارد فرهنگ دیدن خوبی‌ها و روایت و نشر آن‌ها، همچنین قدردانی و تکریم خوبان را، در جامعه توسعه بدهد. همچنین بنا دارد برای الگوسازی از کارهای خوبی که امروزه در جامعه اولویت دارند، تلاش کند.

رویکرد نشر خوبی‌ها، وقتی کارساز و کارگشا خواهد بود که تبدیل به فرهنگ شود و بتواند دایره وسیعی از مردم را با خود همراه کند؛ به همان وزانی که عیب‌بینی و آسیب‌شناسی، در نقطه‌ی مقابل این رویکرد، تبدیل به فرهنگی شایع در میان ما شده و در مواجهه با هر انسان و هر اتفاقی، ابتدا آسیب‌ها، عیوب، آفت‌ها و چالش‌هایش برای ما جلوه‌گری می‌کند.

نمونه‌ی بارز ایجاد حاکم‌شدن ملکه زیبانگاری و خوب‌اندیشی و صدور، زمزمه و تبلور این ملکه مقدس، آن‌هم در همه‌ی مراحل زندگی یک انسان را، به راحتی می‌توانیم در تاروپود زندگی حسینی و زینبی علیهما السلام مشاهده کنیم. یکی از شاه‌بیت‌های این غزل بی‌بدیل تاریخ بشریت که قدرت این الگوی



درخشان را بیش از پیش روشن می‌کند، کلام رازآلود و معجزه‌آسای عقیده بنی‌هاشم حضرت زینب کبری ع.ا.س. است که فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا». شاخصه و گام‌های عملیاتی این داروی کم‌نظیر، عبارت‌اند از:

۱. شناخت خوبی‌ها؛
۲. دیدن خوبی‌ها؛
۳. روایت خوبی‌ها؛
۴. قدردانی و تکریم خوبان.

### ابعاد نشر خوبی‌ها

۱. شناخت خوبی‌ها (کدام خوبی‌ها، امروز ضرورت دارند؟)

در هر برهه‌ای از زمان و موقعیتی از تاریخ، بر اساس شرایط و اولویت و مسائل جبهه حق، گزاره‌هایی از معارف الهی، ضرورت و اولویت پیدا می‌کنند و باید جامعه را متوجه آن گزاره‌ها کرد. این نکته درباره صفات و ویژگی‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز صادق است؛ یعنی در برخی مقاطع، ضرورت ایجاد می‌کند تا خلقیات و صفات اجتماعی خاصی در جامعه ترویج و توسعه یابد. مثلاً گاه، غیرت دینی، اولویت می‌یابد و گاه، صبر و مصابره و گاهی سلم و مدارا. نشر خوبی‌ها، فرصتی برای گفت‌وگو درباره این امر مهم در مهندسی فرهنگی جامعه است.

۲. دیدن خوبی‌ها (در هر مواجهه‌ای، اول خوبی‌ها و دارایی‌ها را ببینیم)

آسیب‌شناسی، عیب‌یابی و ضعف‌بینی، امروز به‌عنوان یک رویکرد و یک فرهنگ، در جامعه ایران، بروز و ظهور زیادی دارد. هرکدام از ما، آسیب‌شناسانی حرفه‌ای و پرمدعا در عرصه‌های مختلف هستیم. امروز یکی از ضرورت‌های جامعه در جنگ شناختی، تغییر این منظر است. جامعه باید ذائقه خوب‌بینی پیدا کند و خوبی‌ها، دارایی‌ها و قوت‌های خود و اطراف خود را ببیند. دیدن خوبی‌ها، خودش یک فرهنگ است. فرهنگی که در تعارض با فرهنگ آسیب‌شناسی و دیدن خلأهاست. دیدن خوبی‌ها، وقتی



کارساز و کارگشا خواهد بود که تبدیل به فرهنگ عمومی شود و در متن حیات اجتماعی ما جاگیر شود؛ درست به همان وزانی که دیدن عیب‌ها در نقطهٔ مقابل این رویکرد، فرهنگی شایع در بین ماست و در مواجهه با هر انسان و هر اتفاقی، اول آسیب‌ها، عیوب، آفت‌ها و چالش‌هایش برای ما جلوه می‌کند.

اگر جامعه در نگاه به اطراف خود، فقط ضعف، کاستی و عیب و نقص ببیند، ناامید و متوقف می‌شود؛ ولی اگر سرمایه‌ها و نقاط قوت را ببیند - که عزم‌آفرین و حرکت‌زا هستند - برمی‌خیزد و پیش می‌رود.

### ۳. ابراز و اعلان (آنچه معتقدیم و می‌پسندیم را اعلام کنیم)

امروز، دنیای ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، به وضوح قدرت ابراز و اعلان را در ایجاد غلبه اجتماعی، نشانمان می‌دهد. وقتی یک پست در دنیای مجازی، پسندهای مکرر دریافت می‌کند و پیام‌های متعدد در تأیید خود می‌گیرد، هر بیننده‌ای، طبیعتاً نتیجه می‌گیرد که پیام کلیدی آن پست، موافقان پرشماری دارد.

یکی از مسیرها برای نشر خوبی‌ها، همین ابراز و اعلان پسندها و ناپسندهای متکثر توسط آحاد جامعه است. این فرمول، یکی از رهیافت‌ها برای اظهار حق و ازهاق باطل است. اگر عموم اهل ایمان، آنچه عقیده دارند را در صورت‌های مختلف ابراز کنند و آنچه می‌پسندند را اعلان نمایند، غلبه اجتماعی حق بر باطل شکل می‌گیرد. لذا "شعار" در فرهنگ دینی، مورد تأکید است. چرا که قالبی برای اعلان و ابراز عقاید و پسندهاست.

این فرهنگ در فضای مجازی، سیطره و سطوت می‌سازد و هر عقیده و مطلوبی که بیشتر ابراز می‌شود، قدرت بیشتری می‌یابد.

### ۴. دعوت به خوبی‌ها (دیگران را به خیر و خوبی دعوت کنیم)

یکی از وظایف جامعهٔ ایمانی که در قرآن کریم، در عداد امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده، دعوت به خیر است. دعوت به خیر، مفهومی بسیار



گسترده‌تر از امر به معروف و نهی از منکر است و حتی می‌توان آن را مقدمه و پیش‌نیاز دانست. امر به معروف و نهی از منکر، قالبی محدّد و چارچوبی شرعی و فقهی دارد اما دعوت به خیر، مفهومی موسّع و دارای صورت‌ها و اشکال عملی متنوعی است.

#### ۵. روایت خوبی‌ها (خوبی‌های خوبان را برای دیگران روایت کنیم)

اینکه هرکس در متن زندگی و روابط خود، رویکرد دیدن خوبی‌ها را اتخاذ کرده باشد، هرگز کافی نیست. دیدن خوبی‌ها وقتی می‌تواند به ما قدرت ایجاد تغییر در جامعه را بدهد که به مرحله روایت خوبی‌ها برسد.

اگر مردم ما، به‌عنوان یک رسالت انسانی و تعهد اجتماعی، خوبی‌هایی که در اطراف خود می‌بینند را در قالبی ساخت یافته و آمیخته با احساس با دیگران در میان بگذارند و از تجربه خود در مواجهه با خوبان و خوبی‌هایشان، با دیگران سهیم شوند، «کلان‌روایت» خلق می‌شود و هرچه کم و کیف مشارکت عمومی در روایت خوبی‌ها بیشتر شود، این کلان‌روایت قدرت و سطوت بیشتری می‌یابد و بر احساس ناامیدی و ضعف و ناراستی جامعه، غلبه تام و تمام پیدا می‌کند.

#### ۶. قدردانی و تکریم خوبان (خوبان را تکریم کنیم)

در نشر خوبی‌ها به دیدن و روایت خوبی‌ها بسنده نمی‌کنیم؛ حتی خوبانی که واجد خوبی‌ها هستند را مورد تکریم و قدردانی قرار می‌دهیم. به تعبیر دیگر، فرهنگ قدردانی و تکریم خوبان، بُعد مهمی از نشر خوبی‌ها و مکمل آن است که هم خوبان را در خوبی‌هایشان راسخ‌تر می‌کند و هم برای دیگران، الگوهای متعدد و قابل تکثیر می‌سازد.

امروزه فرهنگ قدردانی، در گردهمایی‌ها و مراسمات بسیاری دیده می‌شود؛ اما نباید در این اندازه محدود شد. فرهنگ نشر خوبی‌ها، می‌گوید هر کجائیت و اقدام و اثر خوبی دیدیم، همانجا از فردی که آن خوبی را خلق کرده قدردانی کنیم، یا اینکه با جمعی از افراد به محل زندگی یا موفق اثرگذاری او برویم و او را تکریم کنیم.



انسان‌ها وقتی می‌فهمند کارشان دیده شده و موردپسند و قبول دیگران واقع شده، انگیزهٔ مضاعفی برای ادامه مسیر خوب بودن می‌یابند. فرهنگ قدردانی از خوبان و خوبی‌هایشان، انرژی اجتماعی قدرتمندی برای پیشبرد جامعه در مسیر خوبی‌ها، به مردم می‌دهد.

## تحول دوم: توجه به لوازم، شرایط و ابزارهای ایجاد «ولاء طرفینی» برای تقویت اتحاد و پیوندهای اجتماعی

تحول دوم، تحول در گوبنده و کنشگر است. حرف دوم که بسیار مهم هم است و ناظر به گوبنده و تبیین‌کنندگان و طیف متدینین باید موردتوجه قرارگیرد بحث ولاء و رفق و مداراست.

اعلام بی‌زاری از بی‌حجاب‌ها کار اشتباهی است. انزجار از گناه موجب شده که از خود گنهکار منجز شویم. ما باید گوهر وجودی آن‌ها را ببینیم؛ کاری که خود حضرت آقا تلاش کردند به ما منتقل کنند. باید بی‌حجاب را از فعلش تفکیک کرد. از خود او متنفر نبود بلکه از فعلش متنفر بود و گرنه احساس کینه و غضب نسبت به بی‌حجاب‌ها زیاد می‌شود و بالعکس. ابراز کینه‌ها از هر دو طرف یعنی باحجاب و بی‌حجاب زیاد می‌شود. [متأسفانه] فضای سلم، محبت واقعی، انتقال معارف و هم‌نشینی و گفت‌وگو کم است.

ایشان در عید فطر امسال از مردم خواستند که اتحاد خودشان را حفظ کنند. اینکه مردم با هم بجنگند به خاطر عقاید و سلاقی، خواست شیطان است. همه در کنار هم زندگی کنند و با هم مهربان باشند. این بغضی که درحال ایجاد و زیادشدن است وحدت را از بین می‌برد. رهبر انقلاب در همین خطبه‌ها فرمودند: این معنویتی که به دست آورده‌اید را خرج اتحاد و همدلی و خنثی‌سازی دوقطبی‌ها کنید!

۱. «از مردم عزیزمان هم انتظار می‌رود که به برکت ماه مبارک رمضان و دستاوردهای بزرگی که در این ماه داشتند، اتحاد خودشان را حفظ کنند. بحمدالله از اوّل انقلاب که امام بزرگوار در کلمات نورانی خود به طور دائم بر روی وحدت مردم، اتحاد مردم تکیه میکرد، مردم ما متحد بوده‌اند و این اتحاد در موارد بسیاری توانست راه‌های دشواری را، تنگه‌های سختی را برای مردم باز کند و راهگشای راه‌ها باشد؛ این اتحاد باید حفظ بشود. دشمن با اتحاد ملت ایران مخالف است؛ با یکپارچگی شما مخالف است؛ با یکدست بودن



با مردم اهل شفقت باشیم؛ اهل دوستی باشیم. اگر می‌خواهیم فضا برای انتقال پیام، مناسب شود، این تحول در مبلّغ و کنشگر ضروری است. ما امروز به‌واسطهٔ افزایش بغض و غضب، امکان دسترسی به مردم را از دست داده‌ایم. در روایت داریم که «قلبیت را پر از محبت به مردم کن.»<sup>۱</sup> ماه محرم یکی از بهترین فرصت‌ها برای ایجاد تحول دوم است. می‌توانیم این گفت‌وگو را با مردم مطرح کنیم که «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَ» همین معنا را می‌رساند. این سلم در بین دوستان حسین علیه السلام موقعیت مناسبی ایجاد کرده است که باید از این فرصت استفاده کرد؛ ولی اگر این برائت زیاد شود نمی‌توانیم کاری کنیم و فرصت تأثیرگذاری را از دست می‌دهیم.

باید اعلام کنیم که ما مشکلات و اختلاف‌هایمان را در خیمه امام حسین علیه السلام حل کرده‌ایم. «مُحِبِّ لِمَنْ أَحَبَّكُمْ»، «وَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاكُمْ» و «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَ وَحَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَكَ»، یعنی محرم بهترین فرصت است که قلبمان را مالا مال از محبت همدیگر کنیم. این پیام را به جامعه منتقل کنیم که برای حل مشکلات، محبت واقعی نسبت به مردم را در خودمان ایجاد کنیم. ما نسبت به گنهکار محبت داریم ولی از گناه او بیزاریم. پس اتحاد مردم، نتیجهٔ آن تحول دوم است و ما برای محرم امسال توجه به این اتحاد را در محتوای‌های تبلیغی ضروری می‌دانیم. جدای از اینکه برای چه مسئله‌ای و در مورد چه موضوعی صحبت خواهیم کرد، باید به‌صورت موضوعی به مسئلهٔ اتحاد بپردازیم و اگر به موضوع دیگری در محرم می‌پردازیم، توجه به این بحث به‌صورت یک راهبرد محتوایی، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

---

ملت مخالف است. دشمن مایل است که مردم به خاطر عقاید و سلايق مختلف با هم بجنگند، با هم دعوا کنند. در یک جامعه، سلايق مختلفی هست، عقايد مختلفی هست، نگاه‌های مختلفی به مسائل هست؛ باشد، مانعی ندارد؛ همه در کنار هم زندگی کنند، با هم کار کنند، با هم مهربانی کنند؛ رأفت میان مردم، بایستی و سوسه‌های دشمن را برای بدبین کردن مردم به یکدیگر یا بدبین کردن مردم به مسئولان زحمت‌کش کشور باطل کرد.» (بیانات در خطبه‌های عید فطر ۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، دسترسی در: <https://khl.ink/f/52602>).

۱. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر فرمودند: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لِمَنْ وَالَ الْلُطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَمُّ أَعْيُنُهُمْ؛ دلت را از محبت به مردم و مهربانی و لطف در حق آنها پر گردان. مبادا مانند حیوان درنده در فکر دریدن آنان باشی...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).



خروجی این دو تحول که حتماً احتیاج به گذر زمان و پیگیری و ممارست دارد، تقویت امید به آینده و زندگی بهتر در سایه دین و اهل بیت علیهم السلام است و باعث افزایش اتحاد و اتصال بین آحاد جامعه شده و اختلاف‌ها را کم‌رنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌کند و اتحاد جامعه اسلامی را روزبه‌روز بیشتر خواهد کرد؛ ان شاء الله.

### فعال‌ترین گسل در محرم امسال

حضرت آقا در دیدار روز اول فروردین اشاره فرمودند که یک‌جاهایی باید اغماض و چشم‌پوشی کرد تا دوقطبی ایجاد نشود.<sup>۱</sup> مسئله این است که گسل‌هایی در جامعه ایجاد شده و در حال تبدیل شدن به دوقطبی است. یکی از اصلی‌ترین محمل‌های این دوقطبی، حجاب است. از جسارت‌ها و اهانت‌های برنامه‌ریزی شده علیه بانوان محجبه گرفته تا ماست‌پاشی‌های افراطی و بدون مجوز عقل و شرع، همه در همین راستا هستند تا همدلی و اتحاد و همنشینی مؤمنین و مسلمانان و عاشقان و دوستان سید و سالار شهیدان را خدشه‌دار کنند و نگذارند از قبل این گردهمایی‌های نورانی و تحول‌آفرین، دل و دین و دنیای ما جلا پیدا کرده و به این چشمه پاک‌کننده و حیات‌بخش متصل شود. جامعه در دوقطبی با حجاب و بی‌حجاب دارد نفرت و کینه را بیشتر بروز می‌دهد و فاصله بین مردم زیادتر می‌شود. بی‌حجاب‌ها در برنامه‌ها و گردهمایی‌های عمومی شرکت نمی‌کنند و آن‌ها را تحریم کرده‌اند. این زنگ خطر بزرگی است. گسل‌هایی در حال فعال شدن است که باید به صورت جدی به آن توجه کرد. مسئله مهم، تقابل و صف‌آرایی است. امسال حتماً باید به مسئله پوشش و این درگیری کاذب پردازیم و آن را به نفع جبهه انقلاب و

۱. «یک‌جاهایی اغماض و گذشت لازم است، [اما] گذشت نمی‌کنیم. سربک اختلاف نظر کوچک، یقه‌ی همدیگر را می‌گیریم؛ چرا؟ ممکن است دو نفر در یک مسئله‌ای - مثلاً در یک مسئله‌ی سیاسی - اختلاف نظر داشته باشند؛ خوب داشته باشند؛ چرا باید با هم دعوا کنند؟ چرا باید یقه‌ی همدیگر را بگیرند؟ چرا باید دوقطبی در جامعه ایجاد بشود؟ باید اغماض کرد. یک‌جاهایی بایستی چشم‌پوشی کرد، باید اغماض کرد. این هم یکی از مشکلات ما است.» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی فروردین ۱۴۰۲؛ دسترسی در: <https://khl.inl/f/52275>).



مکتب امام حسین علیه السلام مصادره کنیم تا موج سواران خائن، از این فرصت و شکاف استفاده نکرده و آن را تبدیل به یک گسل اجتماعی در جامعه ایرانی و اسلامی نکنند. پرداختن به مسئله حجاب، از باب ضرورت و برای آرام کردن آتشفشان نهفته و نیمه‌فعالی است که دشمن با مرگ مهسا امینی طراحی آن را وارد مرحله جدیدی کرد و الان برای بهم‌زدن آرامش و امنیت حسینی و سلیم جوشیده در سایه خیمه سیدالشهدا علیه السلام به انتظار نشسته است. پرداختن به این مسئله به معنای بی‌اهمیت بودن مسئله اقتصاد، جمعیت، خانواده و دیگر مسائل موردعنایت رهبری نبوده و ما در محتوای تبلیغی گذشته به آن توجه کرده‌ایم و بازهم در محتوای‌های محرم به آن‌ها خواهیم پرداخت؛ اما این گسل‌شناسی و پرداخت به این گسل نیمه‌فعال را برای خود فرض می‌دانیم و شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی را به پرداختن به همین مسئله مهم اجتماعی دعوت می‌کنیم.

توجه به این موضوع از این جهت ضرورت دارد که با ایجاد گسل‌های اجتماعی - که گاهی برخی از آن‌ها فعال شده - [در حقیقت] به یک اصل بسیار حیاتی و کلیدی در حکومت اسلامی، که عبارت است از «ولاء طرفینی در میان مردم» لطمه وارد می‌شود. این شاخصه «ولاء طرفینی در میان مردم» شاخصه‌ای مهم در چرخه ولایت الهی است که زمینه را برای تحقق ولایت ولی جامعه بر مردم فراهم می‌کند. اگر ولاء طرفینی و رفق و مدارا و محبت بین مردم به خطر بیفتد، امیرالمؤمنین علیه السلام هم که باشد باید ۲۵ سال خانه‌نشین باشد تا مردم به هم متصل شده و ملت و امت را تشکیل دهند تا بیعت با ولایت معنا پیدا کند.

### «ولاء طرفینی» و آسیب‌های پیش‌روی آن<sup>۱</sup>

ما باید حرف نو انقلاب اسلامی را در مسائل مهم فرهنگی دنبال کنیم. حرف نو انقلاب اسلامی چیست؟ بهترین جایی که می‌شود این اندیشه را فهمید،

۱. حجت الاسلام محسن قنبریان (استاد حوزه و دانشگاه و پژوهشگر)



بیانات خود آقااست که ۳۵ فیش در سایت ایشان تحت‌عنوان «حرف نو انقلاب اسلامی» آمده است. وقتی گفتیم حرف نو انقلاب اسلامی، پس دو مقابل و معارض دارد: یکی روشنفکری و تجدد و دیگری تحجر و سلفی‌گری. انقلاب، مقابل این دو است و امام بزرگوار هم تا آخر مقابل همین‌ها بود.<sup>۱</sup>

الان بین جهادگران جهاد تبیین با مطالبه‌گران، جنگ در جریان است. توجه به این نقشه و نصب‌العین قرارداد آن، به برخی از ماموریت‌هایی که در میدان بچه‌های انقلابی بر سرش جنگ است، نظم می‌دهد. آن اندیشه و حرف نو، مابازاءهایی دارد که اگر آن‌ها را نشناسیم، در خط انحرافی سقوط می‌کنیم که آن دیگری‌ها یا تجدد است یا تحجر. این مابازاءها خیلی مهم هستند. به نظر می‌رسد اگر به این ویژگی‌های جداکننده توجه نشود، در مسائلی مثل امتدادهای فرهنگی و گفتمانی و تبلیغی نمی‌توانیم خط‌کش بگذاریم که آیا الان داریم محصول انقلاب اسلامی را سرِ منبر می‌بریم یا اندیشهٔ دیگری را؛ چون این اندیشه‌ها خیلی به هم نزدیکند؛ مخصوصاً انقلابی‌هایی که حرف نو دارند با اندیشهٔ تحجر در یک حجره زندگی می‌کنند و در یکجا استنشاق می‌کنند و مسئله‌هایشان هم خیلی مشترک است؛ ما می‌گوییم «حجاب» او هم می‌گوید «حجاب»، ما می‌گوییم «حکومت» او هم می‌گوید «حکومت» ما می‌گوییم «حدود» او هم می‌گوید «حدود».

یکی از حرف‌های نو انقلاب اسلامی «توحید و کرامت انسان» است. اگر این مابازاء نیاید بقیه هم قاطی می‌شوند. کرامت انسان به تنهایی شعار متجددین و روشنفکرها شده است. آن‌ها توحید را حذف کرده‌اند و عملاً مثل قائلین به اومانیزم عمل می‌کنند؛ چون وقتی استمرار توحید نیامد به نوعی پذیرش سکولاریسم است. توحید نیز به تنهایی شعار متحجرین شده است. آن‌ها کرامت انسان را حذف کرده‌اند؛ به همین خاطر، طالبان نه رأی می‌گیرد و نه قانون اساسی دارد. داعش هم می‌گوید «توحید» اما توحید واقعی نیست.

۱. در برخی موارد ادبیات آقا و امام متفاوت شده است مثلاً حضرت آقا در برخی از سخنرانی‌های رحلت امام مثلاً تحجر را به نحوه‌های دیگری خوانده است اما اصل ماجرا یکسان است و هر دو در یک خط هستند.



از دیگر حرف‌های نوی که آقا می‌فرمایند، «ولایت و مردم»، «اسلام و جمهوریت»، «مردم سالاری دینی» و... است. این چیزهایی که ظاهراً پارادوکس هستند را در کنار هم می‌شنوید. آقا بایک بیان صریحی فرمودند که خلاصهٔ جمهوری اسلامی، خدا و مردم است. ما نمی‌خواهیم ثبوتاً خدا و مردم را در کنار هم بگذاریم؛ اصلاً سخن در اثبات است؛ یعنی وقتی از خدا خواهش می‌کنی، اگر «مردم» در آن وجود ندارد، این آن توحید پیامبر اسلام نیست.

پس توجه به این مابازها و ویژگی‌های جداکننده و توجه به آن دیگری‌ها مهم است و مثل مقدمه و پیش‌درآمد می‌ماند. حالا با توجه به این دو مورد، مسئله را سرمیز می‌گذاریم.

### **مسئله حجاب، مثالی جدی، پیش‌روی هیئت‌ها در محرم و معجزه «ولاء طرفینی» برای حفظ و تقویت اتحاد و پیوندهای اجتماعی**

در بحث حجاب باید چند اصل اندیشه‌ای را وسط بگذاریم (مثل قانون اساسی که بالادست قانون عادی می‌نشیند. بالاتر از این لایه و بالاتر از آن کنش، یک اصولی وجود دارد که این کنش‌ها در آن اصول، یک معنا و بدون آن اصول معنای دیگری دارند)؛ یکی از آن اصول مهم، ولاء طرفینی و ولاء اجتماعی است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در آخر کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، در فصل ولایت معتقدند: «ولاء» یعنی پیوستگی، چسبندگی، کنار هم بودن و هیچ فاصله‌ای نداشتن. ایشان به‌طور واضح و روشن، ولایت را دارای سه رکن می‌دانند:

۱. ولاء مردم با هم؛

۲. پیوستگی مردم با ولی؛

۳. گسستگی آن‌ها از دشمن.

مرحوم علامه شاه‌آبادی در کتاب «شذرات‌المعارف» همین را تعبیر کرده است به «خیط نبوت و ولایت» و «خیط اخوت» که حالت طولی و عرضی



دارد. ولاء حاکم، ولاء خداست که بر مردم حکومت دارد ولی مردم بر او حکومت ندارند. علامه طباطبایی ذیل آیات مربوطه، همین مطلب را گفته و علامه مطهری نیز در کتاب «روحانیت و رهبری» همین مطلب را دارند؛ یعنی تقریباً در کلمات همه آمده است و فرقی فقط اجمال و تفصیل است. «ولاء اجتماعی» و «ولاء طرفینی» جامعه‌سازی می‌کند و «ولاء طولی» حکومت‌سازی؛ یعنی اگر ولاء عمومی و اجتماعی آسیب دید جامعه دچار غسل و شکاف می‌شود و بدون شک «ولاء طولی» هم آسیب می‌بیند. آیت‌الله شاه‌آبادی این را توضیح داده است و تعبیری نزدیک به این دارد که در «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ»، «ولئ» معصوم است؛ او مثل نگین انگشتر است و باید یک رکابی باشد تا نگین بر آن قرار بگیرد. اگر خیط اخوت تشکیل نشود خیط نبوت در هواست. اگر پود نباشد حتی اگر تار باشد باز هم فایده‌ای ندارد و درهم‌تنیده نمی‌شوند.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی به مدینه مهاجرت کردند اولین کاری که انجام دادند اخوت بین «اوس» و «خزرج» و بعد بین مهاجر و انصار بود تا حاکمیت اسلام تثبیت شد؛ یعنی اول جامعه‌سازی کردند و بعد حکومت تشکیل دادند.

### «ولاء» و «اسلم» چه افرادی را شامل می‌شود و چه مرزی دارد؟

حالا محدوده این «ولاء» بین مردم تا کجاست؟ محدوده این ولاء تا مستضعفین در زمین است؛ یعنی فقط کافر و آن کسی که جحود دارد از این ولایت بیرون است؛ حتی آن مستضعفی که امام را نشناخته است را هم شامل می‌شود؛ به دلیل روایت صحیح عمر بن عوام از امام صادق علیه‌السلام که فرمودند: «آن مستضعفین فکری، هم اهل ولایت هستند، اما در حد مناکحه و موارثه و مخالطه، ولی ولایت در دین ندارند». امثال این‌ها جزء جامعه ما هستند ولی ولایت در دین ندارند.

### ولاء، سکه دورواست!

این ولاء یک سکه دورواست که یک روی آن در سوره انفال آیه ۷۲ بیان شده و روی دیگرش در آیه ۷۱ سوره توبه.



در سوره مبارکه انفال یک روی سکه را می‌گوید که عبارت است از: نصرت دادن، حامی شدن و انجام خدمات. ولاء یعنی شخصی که برادر توست مثل پیکر توست که باید به آن خدمت کنی و اگر گرسنه خوابید، تو مسلمان نیستی. شارع مقدس ۳۰ حق برای برادر مؤمن گفته است که در همه این‌ها مؤمن ظاهری منظور است، نه مؤمنی مثل سلمان. این ولاء موجب تصحیح عمومی می‌شود؛ «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». لذا شیخ محمد سند از این ولاء به ولایت توأسی تعبیر می‌کند؛ «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ».

نکته این است که این اصل، راه حل مسئله امر به معروف و نهی از منکر است؛ یعنی اگر این ولاء طرفینی از بین رفت امر به معروف قاعدتاً از بین می‌رود. آن چیزی که خدای متعال تعبیر کرده است که «مَصْلِحَتاً لِلْعَوَامِّ» و ۸۰ درصد آن با نهی از منکر لسانی است، از کار می‌افتد و به طور طبیعی اگر نهی از منکر لسانی از کار افتاد همه کارها گردن قوه قهریه می‌افتد و این همان وضعی می‌شود که ما الان گرفتار آن هستیم. ولاء اجتماعی باید احیا شود. این یک اصل است که در کلمات همه بزرگان هست، هم به صورت مصرح و هم به صورت غیرمصرح؛ مثل تعبیری که رهبری دارند مانند «انسجام اجتماعی» و «وحدت و همدلی» و امثال این‌ها که پرتکرار هم است. همین ماه‌هایی که گرفتار غسل حجاب هستیم، هر جا در مورد حجاب مطلبی را فرموده‌اند، وحدت و همدلی و زیست مهربانانه را هم بیان کرده‌اند.

### روش‌های حل مسائل فرهنگی از دریچه امر به معروف و نهی از منکر (پند و بند و تدبیر)

اگر نظریه مبنا داشته باشیم می‌توانیم بر اساس آن‌ها نظریه‌پردازی کنیم و روش‌ها را به دست آوریم. شهید مطهری در کتاب «امر به معروف» می‌گوید: روش «پند و بند و تدبیر» راه حل مسئله است. همین، در جامعه حزب‌اللهی ما، دوگانه خوانده می‌شود. در جامعه نخبگانی و روحانی ما این، دوگانه شده است. اینکه می‌بینید دوستان حزب‌اللهی نسبت به



کار فرهنگی شرطی شده‌اند و کار فرهنگی را قسیم کار قضایی گرفته‌اند و همین‌که می‌گویی کار فرهنگی، عصبانی می‌شوند که آقا! تو می‌خواهی برخورد قضایی را کم‌رنگ کنی، این دوگانه نیست بلکه سه‌گانه است:

۱. «بند» همان کار فرهنگی و تبیینی و امثال این‌هاست؛

۲. «بند» مقابله قانونی است. ما در مقابل کسی که می‌گوید هیچ الزام و تعزیری در اسلام در مورد حجاب وجود ندارد می‌گوییم در این زمینه تعزیر و حکم الزامی وجود دارد؛ چون ما اسلام سیاسی را پذیرفته‌ایم و اسلام سیاسی در ارزش‌ها نیز مداخله می‌کند و حتی ممکن است یک جاهایی به حد و تعزیر هم برسد پس «بند» هم داریم؛

۳. «تدبیر» هم سومی است.

اگر گفتیم «ولاء طرفینی» پشت دست امر به معروف و نهی از منکر است و اگر ولاء طرفینی نباشد هیچ تأثیر لسانی‌ای صورت نمی‌گیرد و شارع مقدس ۸۰ درصد بار امر به معروف را در تذکر لسانی قرار داده است، پس باید این را احیا کنیم.

بنابراین شما نه فقط محصول تبلیغی برای حجاب یا امر به معروف بنویسید بلکه برای خود این همدلی و انسجام هم باید محصول تولید شود؛ اما به صورت مقید. نه این همدلی می‌خواهد توصیه‌ها را حذف کند - که این خواسته متجددین است و می‌گویند با هم برادر باشید ولی کاری به هم نداشته باشید که دیگری چگونه می‌خواهد زندگی بکند - و نه خوانش برخی از دوستان حزب‌اللهی که به علت هم‌حجره بودن با برخی متحجرین اصلاً همدلی را بر نمی‌تابند و کسی را که کشف حجاب کرده را دشمن و برانداز می‌دانند. اصلاً فرض کنیم این‌ها برانداز هستند - درحالی‌که برخی این‌گونه نیستند - این‌ها مثل تیراندازهای میدان ژاله در زمان امام رحمة الله علیه هستند که آدم‌ها را می‌کشتند. امام با تفنگ‌دار میدان ژاله متفاوت از تفنگ‌دار شلمچه برخورد کرد. او بعثی بود و این ایرانی. امام رحمة الله علیه کاری کرد که او از سربازخانه خارج شود و به سمت ما بیاید. اصلاً به قول برخی، لباس



بد پوشیدن هم نوعی براندازی است، ولی به هر حال براندازی که خارج از مرز است و آن براندازی که داخل مرز است نوعش و روش خلع سلاحش با هم تفاوت دارد.

### دو کار اساسی برای انتقال پیام

باید اولاً ظرف را فراهم کنیم. پیام، آن وقتی شنیده می شود که ظرفش فراهم شود. اینکه ما صرفاً در فضای مجازی یا در هیئات مطالبی را بگوییم و او نشنود و ارتباط نگیرد که فایده ای ندارد. باید از انواع روش هایی که می شود گفت و گو کرد استفاده شود. مثلاً آتاقی طراحی شود و پدیده هایی که ثبوتاً و لاء اجتماعی را بیان می کند یا ظرفیت روایت و لاء اجتماعی یا همدلی را دارد را بسازیم و آن هایی که ساخته شده است را خوب روایت کنیم. این یکی از وظایف اصلی ماست.

کار دوم ما برای حل این مسئله مربوط به پیام هایی است که می خواهیم به این ظرف انتقال بدهیم. اولین اتفاقی که باید در این عرصه رقم بزنیم این است که دعوای بین خودمان را جمع کنیم و با هم متحد شویم.

بحث بعدی، در مورد محتواهای تاریخی و آیه و روایی است که می توان از آن ها استفاده کرد. در روایت صحیح، ریان بن سهل از امام رضا علیه السلام نقل می کند که عده ای از اهل بیت امام رضا علیه السلام به خراسان آمدند. به امام رضا علیه السلام اطلاع دادند که این افراد امور قبیحه ای انجام می دهند، این ها را نهی کنید. حضرت فرمودند که من این ها را نهی نمی کنم زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: «النصیحةُ خشنهٌ» یعنی نصیحت تیزی ای دارد که موجب درگیری می شود و طرف نمی پذیرد. امام رضا علیه السلام که این قدر در مورد امر به معروف روایت دارد قطعاً نمی خواهد حکم امر به معروف را نقض کند. اگر دقت کنیم می بینیم که اینجا و لاء آسیب دیده است و آسیب می بیند. به فضای آن زمان که نگاه می کنیم می بینیم و لاء آسیب دیده است؛ مثلاً وقتی امام جواد علیه السلام به دنیا آمده مردم می گویند بچه امام رضا علیه السلام نیست، بر سر ارث و میراث با برادران ایشان اختلاف پیش آمد؛ لذا در این فضایی که



ولاء آسیب دیده است حضرت می فرماید: «النَّصِيحَةُ خَشْيَةٌ». سیره ایشان را که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که ایشان ولاء را ترمیم کرده است؛ همان جایی که بر اثر اختلاف بر سر ارث با برادر خود به دادگاه می‌رود، به او می‌گوید: من می‌دانم تو نیازمند هستی و من همه بدهی تو را می‌دهم.

از این‌گونه موارد در سیره معصومین علیهم السلام زیاد است. فی الحال پیام و دّ به جامعه بده و بعد نهی از منکر هم بکن؛ اما وقتی که می‌بینیم بین افراد، یک گارد و مقاومتی هست در اینجا نمی‌شود نهی از منکر کرد و اثر هم ندارد.

### «هم‌قلم» جریانی برای صحنه‌گردانی تریبون و تبلیغ!

ما، تولیدکنندگان محتوای تبلیغی را به مثابه فرماندهان و بخشی از صحنه‌گردانان تریبون‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و اثرگذاران بر منبر و تبلیغ می‌دانیم. قدرت تولیدکنندگان محتوای تبلیغی برای درهم تنیدن این مسائل و موضوعات پیرامون آن‌ها برای طراحی موضوعی جذاب و سناریویی اثرگذار از دل کربلا و عاشورا را ارج نهاده و مورد مباحثات خود قرار می‌دهیم. تولید محتواهای تبلیغی مورد علاقه و صدالبته مورد نیاز مخاطب است و اثرگذار بر جان و جهان او را در توان و تخصص شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی (هم‌قلم) می‌دانیم و به انتظار محصولات تبلیغی ارزشمند در همه مناسبت‌های تبلیغی خواهیم نشست.

ایجاد رویکرد «نشر خوبی‌ها» در مخاطب و شاخص قراردادن «ولاء طرفینی» و محبت و اتحاد با شعار «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَ» در گوینده و کنشگران میدان دینداری برای ما بسیار مهم است. ما این دو تحول را برای ایجاد انگیزه و تغییر در دنیای تبلیغ، از اثرگذارترین موتورهای پیشران در تحقق جهاد تبیین و تبلیغ مؤثر، برای رسیدن به اهداف والای ایران قوی و جمهوری اسلامی می‌دانیم.



## قدرشناسیم

مجموعه حاضر با تلاش شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی تألیف شده است. بر خود لازم می‌دانیم از تمام عزیزانی که ما را در طراحی و تعیین راهبردها و مسئله مهم محرم امسال یاری رساندند، صمیمانه قدردانی کنیم: حجج اسلام: محسن قنبریان، علی اصغر سهرابی، محمد جنتی‌محب، علیرضا پناهیان، و شورای مرکزی شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی.

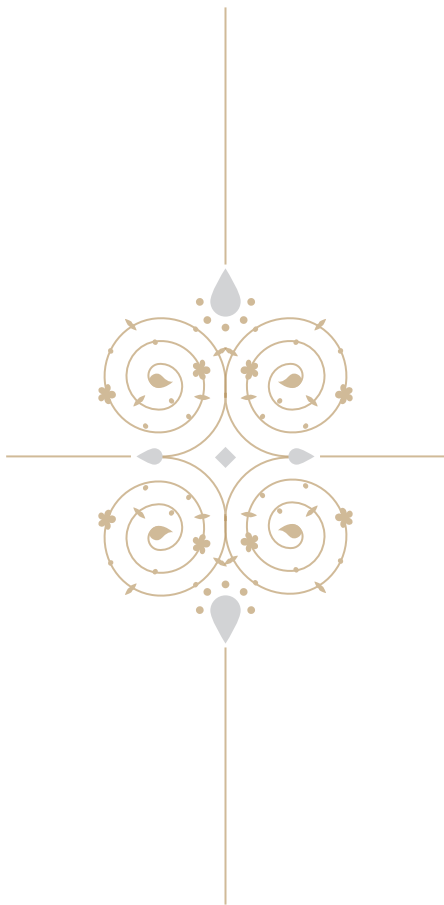
وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ

رضازندوکیلی

مدیراداره راهبری محتوای تبلیغی

شمع (شبکه مبلغان و عملیات‌های تبلیغی)








## مقدمه

نگاه واقع‌بین انسان در رصد وضعیت کنونی اجتماع کشور، کاملاً به مشکل و دغدغه اقتصاد واقف است. به تعبیر حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب، کشور در جنگ تمام‌عیار اقتصادی قرار دارد.

شناخت موضوع جنگ، اولین مرحله واکنش جهادی بدین امر است. در موضوع اقتصاد است که دشمن همه‌جانبه به مقابله آمده است. کالک جنگی ایران در این عرصه، الگوی اقتصاد مقاومتی در برابر هجمه تمام‌عیار دشمن است. این الگو الهام‌گرفته از آموزه‌های اسلام در مسئله اقتصاد است که رهبر انقلاب پیش‌روی مردم و مسئولین قرار دادند و تضمین توفیق در صورت تحقق این الگو را مکرراً بیان فرموده‌اند.

پرداختن به موضوع اقتصاد در روزهای محرم و عزای آل‌الله علیهم‌السلام از این حیث ضروری است که به تعبیر شهید مرتضی مطهری: «شمر زمانه‌ات را بشناس». قطعاً از مصادیق شمر زمانه، دشمنی است که امروز با ابزار اقتصاد به رویارویی برخاسته، و تبیین آتش‌تهیه این دشمن و دشمنی او می‌تواند کمک شایانی به جامعه حسینی کشور باشد. مسئله‌ای که دغدغه تنظیم‌کنندگان این نوشته بوده است.



در فرهنگ اسلامی، همدلی و هم‌زبانی تقریباً در کل رفتارهای فردی و اجتماعی انسان تأثیرگذار است که بدون تردید شامل رفتارهای اقتصادی نیز می‌شود. همدلی و هم‌زبانی همیشه متأثر از نوع دید انسان نسبت به نظام هستی و آموزه‌های حاکم بر جامعه انسانی است. علم اقتصاد فرآیندی است که با توجه به شرایط و با تکیه بر پیش‌بینی‌های لازم، رفتارهای انسان را در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف مدیریت می‌کند. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در شرایط غیرعادی و با مواجهه با حوادث و بحران‌های طبیعی و غیرطبیعی، در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف به شکل بهینه عمل می‌نماید. در کشوری مثل ایران که دارای ملت تربیت‌یافته بر اساس آموزه‌های اسلامی است و دولت نیز از طرفی متعهد به تحقق بخشیدن به فرامین اقتصادی اسلام بوده و از سویی حضور همه‌جانبه در اقتصاد دارد، مقام معظم رهبری نیز ضمن شناخت کامل از ملت و دولت، نظارت همه‌جانبه و همیشگی در اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی دارد، بدون شک نقش همدلی و هم‌زبانی ملت با ملت و دولت و ملت در تحقق اقتصاد مقاومتی بسیار برجسته و فراگیر است.

در هرکاری که پای مشارکت و سهم‌گیری مردم در میان باشد، بدون تردید کارها با سرعت باورنکردنی و همه‌جانبه انجام می‌شود. مردم از جهات مختلف از جمله احساس مسئولیت بیشتر (به دلیل اینکه نتیجه کارها، در نهایت به خودشان باز می‌گردد) با جان و دل پای کار می‌آیند، با احساس بهتری دل به کار می‌دهند. در زبان شیرین فارسی ضرب‌المثلی وجود دارد که: «قربان دست بسیار، چه در خوردن چه در کار».

لوازمات این همدلی و حرکت مردمی؛ رویکرد جهادی، فسادستیزی، عدم وابستگی و دانش‌محوری است. این لوازمات در بین اقشار مردمی که دل به انقلاب دارند، قشر نوجوان و جوان، ظهور و بروز بهتر و صریح‌تری دارد. نوجوان و جوان از مصادیق بارز لوازمات تحقق اقتصاد مقاومتی و ترسیم آتیه اقتصاد کشور توسط رهبری هستند.

این نوشته با رویکرد رفاقت و دوستی نوجوان با ولی خود، جامعه ایمانی



را ترسیم می‌کند که یک پای مهم آن نوجوان با پاکی و زلالی مختص به خود است. این ظرفیت انسانی با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، اگر به مقتضای خود به میدان مقابله دشمن در اقتصاد وارد شود، نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا خواهد کرد که از توان دیگر عناصر جامعه خارج خواهد بود.

رفاقت و هوای رفیق را داشتن، اتحاد و همدلی به همراه خواهد داشت و قشر نوجوان، ایفاکننده این نقش خواهد بود. فرهنگ مذکور برای جامعه انسانی در مقابله اقتصادی پیش گفته، نقش حیاتی را دارد و فاعل آن نوجوان ایران زمین خواهد بود.

بر این اساس این کتاب شامل دو بخش و برای دو مخاطب خاص است. بخش اول شامل ۵ منبر کوتاه برای مخاطب نوجوان است و بخش دوم شامل ۵ پیک برای مخاطب کودک.

امید است که مورد توجه حضرتش قرار گرفته باشد؛ ان شاء الله.

در اینجا از تمام پژوهشگران عزیزی که ما را در تولید این مجموعه گران‌سنگ یاری کردند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم: حجج اسلام حسن ابراهیم‌پور، سید محسن اسداللهی، امین رحیم‌آبادی و رضای رحمتی.





جلسه اول

رفیقم حسین

(تبیین اهمیت رفاقت با امام حسین علیہ السلام)



## شور رستاخیز

باز این چه شورش است که در خلق عالم است  
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است  
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست  
این رستاخیز عام که نامش محرم است  
در بارگاه قدس که جای ملال نیست  
سرهای قدسیان همه برزانوی غم است  
جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند  
گویا عزای اشرف اولاد آدم است<sup>۱</sup>

## خدا را شکر

تسلیت عرض می‌کنم فرارسیدن ماه عزای سید و سالار شهیدان،  
ابا عبدالله الحسین علیه السلام را خدمت همه شما عزاداران حسینی.  
خدا را شکر می‌کنیم که دوباره به ما عمر داد و ماه محرم را باز دیدیم. خدا  
را شاکریم که دوباره توفیق شد سیاهی‌های ماه عزا را ببینیم. ممنون

۱. محتشم کاشانی.

خداییم که دوباره به ما روزی داد تا در مجلس سیدالشهدا بنشینیم و از مصیبت‌های امام صحبت کنیم و برای حضرتش اشک بریزیم.

### مِنَ الْغَرِيبِ إِلَى الْحَبِيبِ

وقتی چشم و گوش سر را ببندیم و با دل به مُحَرَّم نگاه کنیم، صدایی را می‌شنویم از هزاروچهارصد سال پیش؛ ندایی که وجود نازنین اباعبدالله‌الحسین علیه السلام هزاروچهارصد سال پیش در عالم طنین‌انداز کردند. ندای نام‌هایی که امام برای رفیق قدیمی خود یعنی حبیب‌بن‌مظاهر نوشتند؛ ندای «مِنَ الْغَرِيبِ إِلَى الْحَبِيبِ»؛ نامه‌ای از غریب کربلا، حسین‌بن‌علی علیه السلام برای رفیق و دوست قدیمی، حبیب‌بن‌مظاهر اسدی. این نامه هنوزم که هنوز است در عالم وجود دارد و به گوش همه می‌رسد.

دوستان و رفقای امام حسینی من، وجود نازنین امام حسین علیه السلام ابتدای محرم برای تمامی دوستان و رفقاییش نامه می‌نویسد که «مِنَ الْغَرِيبِ إِلَى الْحَبِيبِ». امام حسین علیه السلام از قبل به دوستانش نامه داده است؛ دقیقاً مثل همان نامه‌ای که به حبیب‌بن‌مظاهر ارسال کرد و ایشان را دعوت کرد به وادی عشق. شاید باورتان نشود اما حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای من و شما هم نامه نوشته است. همان‌طور که امام هزاروچهارصد سال پیش وقتی می‌خواستند حرکت کنند به سمت عراق به رفقاییش نامه نوشت، برای شما هم نامه نوشته است و شما هم رفیق و دوست امام هستید و برای‌تان نامه نوشته است.

اگر روز اول محرم شما آمدید در مجلس سیدالشهدا علیه السلام نشستید، مطمئن باشید که امام حسین علیه السلام برای‌تان نامه فرستاده است. مطمئن باشید که دعوت شده‌اید.

یک‌عده برآنند که این‌همت بود

یک‌عمر برآنند که این‌قسمت بود

ای مهمان سفره حسین آگه باش

نه‌همت و نه‌قسمت، این‌دعوت بود



خوشا به حال شما عزیزانی که خود امام حسین علیه السلام برای تان دعوت نامه فرستاده است. عده‌ای هستند که روزهای آخر مثلاً هفتم یا هشتم محرم به جلسات روضه و عزاداری می‌آیند، کسانی نیز هستند که اصلاً حضرت اجازه نمی‌دهد پای‌شان را در این جلسات بگذارند. اما ما باید شاکر خدا باشیم که اجازه ورود به این مجالس را داریم.

کسی که روز اول محرم پا به مجلس روضه و هیئت می‌گذارد، حتماً با نامۀ ویژه امام آمده. همین دعوت ما در شب اول محرم در هیئت یعنی امام به من و تو هم نامه نوشته است؛ نوشته است «من الغریب الی الحیب».

به شکرانه این لطف ارباب بی‌سر، که ما را دوست و رفیق خود حساب کرد و اجازه ورود به جلسات روضه را به ما عنایت کرد، بلند صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

### غرضه رفاقت

صحبت از رفیق و رفیق‌بازی شد، جالب است بدانید که در این عالم و در این زمانه، وقتی می‌خواهیم زندگی کنیم مجبوریم به داشتن رفیق. در زندگی اجتماعی اگر رفیق نداشته باشیم بی‌غرضه خواهیم بود. الآن نگاه کنید بین رفقای تان اگر نتوانید شما دوست و رفیق جذب کنید، اگر نتوانید رفیق داشته باشید شما یک آدم بی‌عرضه بین همه محسوب می‌شوید. رفیق، گاهی بال پرواز مادر مسائل اجتماعی است.

روایتی است فوق‌العاده زیبا و البته مرتبط با بحث ما. وجود نازنین امیر بیان و کلام حضرت علی علیه السلام در کتاب شریف نهج البلاغه، می‌فرماید: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ»؛ (ناتوان‌ترین و ضعیف‌ترین آدم‌ها کسی است که از به دست آوردن دوست ناتوان باشد). یعنی اگر کسی نمی‌تواند دوست پیدا کند، قطعاً او ناتوان و عاجز به حساب می‌آید. بعد در ادامه این روایت حضرت می‌فرماید: «وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ»؛<sup>۱</sup> (و ناتوان‌تر از او کسی است که دوستانی را که به دست آورده است،

۱. نهج البلاغه: الحكمة ۱۲.



از کف بدهد) یعنی از آن ضعیف‌تر کسی است که رفیق و دوستی که پیدا کرده‌را از دست بدهد.

ما انسان‌ها در اجتماع زندگی می‌کنیم و در زندگی اجتماعی مجبوریم و ناچار به داشتن دوست و رفیق. اصلاً نمی‌توانیم بدون رفیق حرکت کنیم. اصلاً امکان ندارد بدون رفیق بتوان سیر کرد. زندگی اجتماعی یعنی داشتن رفیق، یعنی داشتن دوست، یعنی داشتن هم‌مسیر و همراه. پس باید رفیق داشته باشیم و باید بتوانیم رفاقت کنیم.

### چاقوی دولبه

اما همین ابتدای کار نکته‌ای را باید گوشزد کنم و شما باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشید که رفیق، یک چاقوی دولبه است؛ هم می‌تواند شما را به اوج‌قله برساند و هم می‌تواند شما را به قعر چاه بکشانند. با رفیق می‌توان به موفقیت دست یافت یا شکست خورده شد. با رفیق می‌توان خوشبخت شد یا بدبخت. با رفیق می‌توان بهشتی شد یا خدایی نکرده جهنمی.

بله دوستان من، رفیق مانند چاقوی دولبه است. اگر حواستان را جمع نکنید، ممکن است شما را به بیراهه بکشاند و حتی خدایی ناکرده از دین منحرفتان کند.

چه زیبا شاعر می‌گوید:

تا توانی می‌گریز از یار بد  
یار بد، بدتر بود از مار بد  
مار بد، تنها تورا بر جان زند  
یار بد، بر جان و بر ایمان زند

دوستان من، این شعر دنیایی از حرف است! جالب است که می‌گوید: زندگی کردن با مار بد یعنی مار رسمی، بهتر و سودمندتر است از زندگی کردن



با دوست بد و نارفیق! مخصوصاً رفیق کذاب و دروغگو! چراکه مار فقط به جسم و جان و بدن انسان آسیب می‌رساند، اما این نوع دوستی، هم به جسم و جان ما ضرر می‌رساند و هم به دین و ایمان ما!

نقل می‌کنند که در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دو نفر از مشرکان به نام‌های عقبه و ابی، باهم دوست و رفیق بودند. عقبه آدم سخاوتمند و بلندنظری بود و هر زمان که از مسافرت برمی‌گشت، سفره مفصلی ترتیب می‌داد و دوستان و بستگان را به مهمانی دعوت می‌کرد و در عین اینکه جزئی از مشرکان بود، خیلی دوست داشت که پیامبر مهربان اسلام صلی الله علیه و آله را هم مهمان خود کند.

در یکی از مهمانی‌ها سفره بزرگی ترتیب داد و جمعی از بزرگان مخصوصاً پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله ما را نیز دعوت کرد. همه آمده بودند و کنار سفره غذا بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز وارد خانه شدند و کنار سفره نشستند. اما حضرت از غذا چیزی نخوردند و به عقبه فرمودند: من از غذای تو نمی‌خورم! مگر اینکه به یکتایی خداوند و رسالت من پیامبر، گواهی بدهی. عقبه هم چون پیامبر مهربانی‌ها را خیلی دوست داشت به یکتایی خدا و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی داد و به این ترتیب مسلمان شد.

این خبر وقتی به گوش دوست عقبه یعنی ابی رسید، پیش عقبه آمد و شروع کرد به اعتراض کردن و حتی گفت تو از مسیر حق منحرف شده‌ای! عقبه گفت: من منحرف نشده‌ام! اما شرم داشتم مردی سر سفره غذای من بنشیند و بدون اینکه غذایی بخورد، برخیزد.

ابی گفت: از تو راضی و خوشنود نمی‌شوم مگر اینکه مقابل این شخص بایستی و به او توهین کنی! سرانجام عقبه فریب دوست ناباب خود را خورد و از اسلام خارج شد و مرتد گشت و بدتر از همه اینکه در جنگ بدر، در صف کافران، مقابل پیامبر مهربانی‌ها صلی الله علیه و آله ایستاد و کشته شد. ابی نیز سال بعد در جنگ احد به هلاکت رسید!



بعد از این جریان، خدای متعال آیات ۲۷، ۲۸ و ۲۹ سوره فرقان را نازل کرد و وضع بد عقبه در روز قیامت را به خاطر دوستی نامناسب بیان می‌کند و به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که افراد منحرف را به عنوان دوست و رفیق انتخاب نکنید. خداوند در آیه ۲۸ این سوره می‌فرماید که او فردای قیامت خواهد گفت: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»؛ (ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود انتخاب نکرده بودم!)

حالا می‌فهمیم که چقدر زیبا گفت:

تا توانی می‌گریز از یار بد  
یار بد بدتر بود از مار بد  
مار بد تنها تو را بر جان زند  
یار بد بر جان و برایمان زند

دوست و رفیق ناب، تو را به بهشت می‌کشاند و رفیق ناباب، تو را به قعر جهنم. اینجاست که تأثیر دوست در آینده انسان و حتی عاقبت به خیری یا عاقبت به شری او معلوم می‌شود. این همان معنای چاقوی دولبه‌ای است که از آن صحبت کردیم و باید مراقب آن باشیم.

### رفیق قوی

اما رفقای عزیزم، با همه این توصیفات که عرض کردیم، به نظر من در این دنیا ما باید رفیق‌باز باشیم. اصلاً دین ما دین رفیق‌بازی است. اما حواسمان را نیز باید جمع کنیم که با چه کسی می‌خواهیم رفاقت کنیم.

اگر به دنبال رفاقت هستید به این نکته نیز توجه داشته باشید که دوست و رفیق، کسی است که تو را قوی کند. اگر تو را قوی کرد، رفیق خوبی است و آلا دوست خوبی نیست. اگر انسان با فرد قوی بگردد قوی می‌شود. شما وقتی می‌خواهید رفاقت کنید، قطعاً یک رفیق ضعیف انتخاب نمی‌کنید بلکه یک آدم قوی پیدا می‌کنید و با او دوست می‌شوید. دوستان امام حسینی من، بیایید اهل رفاقت با امام حسین علیه السلام شویم چراکه



امام حسین علیه السلام ما را قوی می‌کند. امام حسین علیه السلام چون خودشان قوی هستند لذا اگر با او دوست شویم ما نیز قوی خواهیم شد.

یک مثال دیگر برای تان بزنم. به نظر شما حاج قاسم آدم قوی‌ای بود یا نه؟ قطعاً پاسخ مثبت است و هیچ شکی در آن نیست. پس رفاقت با حاج قاسم تو را قوی می‌کند. خلاصه اینکه من رفیق می‌شوم با کسی که من را قوی کند نه کسی که روز به روز مرا ضعیف کند.

### رفیق‌م حسین

شرط دوم برای انتخاب رفیق، دوستی با کسی است که رفاقتش همیشگی باشد. کسی که یک روز بیاید و یک روز نباشد به درد من نمی‌خورد. شاید برای تان سؤال شده باشد که حاج آقا، اصلاً مگر ممکن است که رفاقت دائمی وجود داشته باشد؟! در جواب این سؤال‌تان باید عرض کنم که بله. خود خدای متعال در قرآن کریم، در آیه ۶۷ سوره زخرف می‌فرماید: ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾؛ آن روزی که دوستان همه با همدیگر دشمن می‌شوند - روز قیامت را می‌گوید - آن روزی که همه دوستان با همدیگر دشمن می‌شوند فقط یک عده‌ای با هم دوست هستند آن هم متقین. به نظر شما امام حسین علیه السلام جزء متقین هستند یا نه؟ پس با این نگاه، اگر من با امام حسین علیه السلام رفیق شدم تا انتهای عالم با هم دشمن نمی‌شویم که هیچ، تا قیامت هم کنار او خواهیم بود. اما هر کسی را غیر از حسین به عنوان رفیق و دوست انتخاب کنیم اگر خیلی خیلی خوب باشد، نهایتاً تا لحظه مرگ کنار ما هست و بعد از آن دیگر تمام می‌شود.

رفقای امام حسینی من، از امروز اگر کسی از شما درباره دوست و رفیق صمیمی تان سؤالی پرسید، با افتخار سرتان را بلند کنید و با صدای بلند بگویید: رفیق‌م، حسین علیه السلام است.

### رفاقت تا قیامت

رفاقت با امام حسین علیه السلام تا قیامت ادامه دارد. این روایت زیبایی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را شاید شنیده باشید. حضرت رسول خوبی‌ها صلی الله علیه و آله و سلم به



حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرماید: «یا فاطمة! کُلْ عَیْنِ بَاکِیَّةٍ یَوْمَ الْقِیَامَةِ إِلَّا عَیْنُ بَکْتٍ عَلَی مُصَابِ الْحُسَیْنِ»؛ (فاطمه جان! همه چشم‌ها در روز قیامت گریان است جز چشمی که بر مصیبت‌های حسین گریه کند).<sup>۱</sup>

دقیقاً مثل شماهایی که روز اول محرم آمدید در مجلس سیدالشهدا علیه السلام نشستید و برای حضرت اشک می‌ریزید. بله، فردای قیامت تمام افراد چشم‌هایشان گریان هست الا شما گریه‌کنان ابا عبدالله علیه السلام

روز قیامت وقتی نگاه می‌کنی می‌بینی همه صورت‌ها غم و اندوه دارند، عده‌ای هستند که صورت‌هایشان بشاش است و در حال شادی‌اند. سرور و فرح در صورت این‌ها کاملاً نمایان است. در روایت آمده: «فردای قیامت زیر سایهٔ عرش، مجلسی است مخصوص ابا عبدالله الحسین علیه السلام و عاشقان ایشان. حضرت میان گریه‌کنندگان و زیارت‌کنندگان در آن مجلس جمع می‌شوند و شروع به صحبت با آنان می‌کنند. در همین حال، فرستاده‌ای از بهشت می‌آید و به آنان می‌گوید که ما مشتاق شمایم، نزد ما بیایید؛ اما آن‌ها از رفتن امتناع می‌کنند و لذت هم‌نشینی با امام حسین علیه السلام را مقدم می‌دارند».<sup>۲</sup>

پس رفاقت با امام حسین علیه السلام همیشگی است و در قیامت هم ادامه دارد. رفاقت با کسی که در مسیر امام حسین علیه السلام هم هست بسیار قشنگ و زیباست. دوستان من، اگر به دنبال رفیق هستید، با کسی که در مسیر امام حسین علیه السلام است رفاقت کنید، حاج قاسم اگر قوی شد چون در مسیر امام حسین علیه السلام بود.

رفاقت داشتن با کسی که در مسیر امام حسین علیه السلام است نیز ما را به سوی خوبی‌ها می‌کشاند و باعث عاقبت به‌خیری ما خواهد شد.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ «مَا مِنْ عَبْدٍ يُحْشِرُ إِلَّا وَعَيْنَاهُ بَاكِيَةٌ إِلَّا الْبَاكِيْنَ عَلَى جَدِّي الْحُسَيْنِ فَإِنَّهُ يُحْشِرُ وَ عَيْنُهُ قَرِيرَةٌ وَ الْبِشَارَةُ بِلِقَاؤِهِ وَ السُّرُورُ بَيْنَ عَلى وَ وَجْهِهِ وَ الْحَلْفُ فِي الْفَرْعِ وَ هُمْ آمِنُونَ وَ الْحَلْفُ يُعْرَضُونَ وَ هُمْ خَدَاتُ الْحُسَيْنِ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ لَا يَخَافُونَ سَوْءَ يَوْمِ الْحِسَابِ يُقَالُ لَهُمْ إِذْ خَلُّوا الْجَنَّةَ فَيَأْتُونَ وَ يَخْتَارُونَ مَجْلِسَهُ وَ حَدِيثَهُ وَ إِنَّ الْحُورَ كَتَبْنَ لَهُمْ أَنَّ قَدِ اشْتَقْنَاكُمْ مَعَ الْوَالِدَانِ الْمُخَلَّدِينَ فَتَأْتِيَهُمْ رُؤُوسُهُمْ إِلَيْهِمْ لِئَا يَرَوْنَ فِي مَجْلِسِهِمْ مِنَ السُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ...» (ابن قولوبه قمی، کامل‌الزیارات، ص ۸۱ تا ۸۲)



## حبیب و مسلم

دو تا رفیق خیلی قدیمی بودند به نام‌های حبیب و مسلم که به قول امروزی‌ها خیلی با هم هم‌دل بودند و همراه. دو رفیق قدیمی که همه‌جوره عاشق امام حسین علیه السلام بودند و جانشان را برای امام می‌دادند. این رفاقت آنقدر ادامه پیدا کرد تا زمان پیری آن‌ها رسید. حبیب داستان ما همان حبیب بن مظاهر اسدی است که ابتدای جلسه عرض کردم که امام حسین علیه السلام برای او نامه «من الغریب الی الحبیب» نوشت. وقتی مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را در کوفه به شهادت رساندند، دشمنان به دنبال سایر یاران ابا عبدالله علیه السلام مثل حبیب و مسلم بن عوسجه بودند. به همین خاطر مسلم بن عوسجه مجبور بود مخفیانه زندگی کند. زمان گذشت تا روزی در کوفه، رفیق قدیمی خود یعنی حبیب بن مظاهر را دید.

حبیب به او گفت شنیده‌ای اربابمان دارد به کربلا می‌رسد؟ بیا برویم و دست دوستی‌مان را به سوی ارباب دوعالم دراز کنیم؛ رفیق باید این‌طور باشد. باید هوای رفیق را داشته باشد و او را به سوی خوبی‌ها بکشاند. حبیب و مسلم با همدیگر راه افتادند به سمت کربلا اما به صورت پنهانی. به طوری که روزها مخفی می‌شدند و شب‌ها حرکت می‌کردند. خودشان را به هر نحوی بود به کربلا و قافلۀ سیدالشهدا علیه السلام رساندند. در روز عاشورا وقتی جنگ شروع شد، مسلم زودتر از حبیب به میدان رفت و بعد از اینکه تعداد زیادی از نفرات دشمن را به هلاکت رساند، دشمنان با نامردی او را دوره کردند و مسلم به زمین افتاد.

همین که مسلم به زمین افتاد، دو نفر بالای سر او آمدند؛ یکی دوست و رفیق قدیمی او یعنی حبیب بن مظاهر و دیگری امام زمانش یعنی وجود نازنین ابا عبدالله الحسین علیه السلام.

وقتی حبیب همراه با امام، بالای سر رفیق قدیمی خود رسید، مسلم بعد از اینکه مکالمه‌ای با امام حسین انجام داد، حبیب رو به او کرد و گفت: برای من خیلی سخت است تو را در این حالت ببینم؛ رفیق‌م اگر من چند ساعت دیگر به تو نمی‌پیوستم، حتماً از تو سؤال می‌پرسیدم که چه وصیتی داری؟



ولی چه کنم که دستم کوتاه است. مسلم در همان حالت آخر عمر و لحظهٔ جان دادن با اینکه دیگر رمقی در بدنش نبود چشمانش را آرام باز کرد و یک اشاره‌ای به سیدالشهدا کرد و به حبیب گفت: «اوصیکم بهذا» یعنی وصیت می‌کنم تو را به این مرد. مسلم در حالی که سرش بر پای حبیب ابن مظاهر بود به او وصیت کرد که تا آخرین نفس از حسین علیه السلام دفاع کنی و او را تنها نگذارید.<sup>۱</sup>

یعنی رفاقت مسلم و حبیب تا پای جان در راه امام حسین علیه السلام است. اصلاً لذت رفاقت، به بودن در مسیر امام حسین علیه السلام است. اصلاً رفیق یعنی حسین علیه السلام.

### روضه خوانی حسین

رفقای امام حسینی من، همان طور که گفتیم رفاقت با امام حسین علیه السلام تا قیامت ادامه دار است و فقط مختص شهدای کربلا نیست.

احتمالاً حاج حسین آقای یکتا را خیلی از شما دوستان بشناسید. این راوی جبهه و جنگ تعریف می‌کرد:

«بعد از شهادت حاج احمد کاظمی یک شب خواب ایشان را دیدم. از او سؤال پرسیدم: حاج احمد، از آن طرف چه خبر؟ برای من توضیح بده. حاج احمد کاظمی در پاسخ به این سؤال گفت: 'روزی که ما آمدیم اینجا، اول یک دل سیر از ما برای ابی‌عبدالله علیه السلام اشک گرفتند، بعد ما را بردند بالا. حالا در شب‌های جمعه، ساعتی هست که همهٔ شهدا دور ابی‌عبدالله علیه السلام جمع می‌شوند. بعد از اینکه همهٔ شهدا دور ابی‌عبدالله علیه السلام جمع شدند، وجود نازنین امام حسین علیه السلام رو می‌کنند به تک تک شهدا و می‌فرمایند: از خاطرات خودتان برای من بگویید. بعد از اینکه هر کسی یک خاطره‌ای تعریف می‌کند، شهدا رو می‌کنند به ابی‌عبدالله علیه السلام و عرضه می‌دارند:

۱. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۱۵؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۳۵ و ۴۳۶.



آقا جان، اگر ممکن است شما هم خاطره عاشورا را برای ما تعریف  
برفرمایید. آنجاست که برای ما شهدا پرده دیدار کنار می‌رود و یک  
روز واقعه شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام را می‌بینیم و یک روز واقعه  
گوش تا گوش بریده شدن گلوی علی اصغر را!».

عرض کردیم که رفاقت با امام حسین علیه السلام همیشگی است. اما اجازه بدهید  
نکته پایانی را این‌گونه عرض کنم که اصلاً من با حضرت رفاقت نمی‌کنم  
بلکه این امام است که با ما رفاقت می‌کند. اگر روز اول محرم و جلسه اول  
را شرکت کردی و آمدی نشستی در مجلس سیدالشهدا علیه السلام، یقین بدان  
که امام حسین علیه السلام دست رفاقت به سمت تو دراز کرده‌اند. چراکه خود  
حضرت، نامه نوشته‌اند که «من الغریب الی الحیب!».

### مراقبت از خانواده رفیق

اما رفقای امام حسینی، باید بدانید که حضرت، بهترین رفیق و دوست و  
برادرش یعنی مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد تا مردم دست بیعت  
و دوستی دراز کنند. مسلم بن عقیل هم به مردم کوفه گفت: من آمدم  
با شما رفاقت کنم اما با مسلم چه کردند. چه بلایی بر سر مسلم آوردند  
خدا می‌داند. وقتی خبر شهادت این رفیق سیدالشهدا علیه السلام را به حضرت  
رساندند ابی‌عبدالله علیه السلام شروع کرد به گریه کردن! حضرت فرمودند: **«انا لله  
وانا الیه راجعون»**. وقتی امام گریه کردند همه خانواده و قبیله بنی‌هاشم  
شروع کردند به گریه کردن. جمله امام را ببینید. وقتی امام حسین علیه السلام با  
کسی رفیق بشود این‌گونه رفاقت می‌کند. حضرت فرمودند: **«لا خیر فی  
العیثی بعد هؤلاء»**؛ بعد از اینکه مسلم و هانی شهید شدند دیگر در این  
دنیا خیری نیست! دیگر این دنیا لذتی ندارد.

رفاقت اینجوری است. اگر رفیق رفت دیگر هیچ خیر و شادی در این دنیا  
برایت باقی نمی‌ماند.

سیدالشهدا مراقب خانواده رفیق خودش هم هست، بعد از اینکه  
خبر شهادت مسلم را به ارباب دو عالم دادند، بچه‌های مسلم را آوردند،



ابی‌عبداللہ، دختر مسلم را روی پای خودش نشانده و شروع کردند به نوازش کردن. حضرت می‌فرمودند: از این به بعد من بابای تو می‌شوم! از این به بعد من قربان صدقات می‌روم! تو دیگر بچه یتیمی!

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نگشت  
آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بلند صلوات بفرست

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



## جلسه دوم

هوای رفاقت (ضرورت عضویت  
آزاد مسئولانه در میدان)



## ناتوان ترین مردم

جلسه قبل خدمتتان عرض کردم که ما در این دنیا باید اهل رفاقت باشیم و ناچاریم که دوست و رفیق داشته باشیم. اگر بخواهیم در فضای اجتماعی دنیا و جامعه مان زندگی کنیم لاجرم و لابد هستیم که رفیقی داشته باشیم. همچنین روایتی بسیار زیبا از وجود نازنین امیربیان و کلام حضرت علی علیه السلام از کتاب شریف نهج البلاغه عرض کردیم و گفتیم حضرت می فرماید: «أَعْزُّ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ»؛ (ناتوان ترین و ضعیف ترین آدم‌ها کسی است که از به دست آوردن دوست ناتوان باشد) یعنی اگر کسی نمی تواند دوست پیدا کند، قطعاً او ناتوان و عاجز به حساب می آید. بعد در ادامه این روایت حضرت می فرماید: «وَأَعْزُّ مِنْهُ مَنْ صَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ»؛ (و ناتوان تر از او کسی است که دوستانی را که به دست آورده است، از کف بدهد) یعنی از آن ضعیف تر کسی است که رفیق و دوستی که پیدا کرده را از دست بدهد.

در ادامه گفته شد که بهترین رفیق کسی است که شما را قوی کند و به صورت همیشگی و دائمی رفیق ما باشد نه کسی که به صورت موقت دوست ما باشد و در آخر رسیدیم به اینجا که باید با امام حسین علیه السلام رفیق

باشیم. با امام حسین علیه السلام رفیق شوید که شما را قوی می‌کند. با امام حسین علیه السلام رفیق شوید که برای تان ماندگار خواهد بود حتی در قیامت نیز این رفاقت ادامه خواهد داشت.

### هوایش را داشته باش

حالا که با امام حسین علیه السلام رفیق شدیم و برجسب «رفیق‌م حسین علیه السلام» را به سینۀ خود زدیم باید بدانیم که ایشان امام حاضر من و شما هستند. حالا دست دوستی با امام حسین علیه السلام دراز کردیم، حالا که امام حسین علیه السلام ما را به عنوان رفیق خودش انتخاب کرده است و برای ما نامه «من الغریب الی الحیب» نوشته و ما را به مجلس خودش و به این بزم عاشقانه دعوت کرده‌اند، حالا وقت این است که حق رفاقت را بجا بیاوریم. باید اصول رفاقت را رعایت کنیم.

می‌دانید یکی از اصول رفاقت چیست؟ یکی از اصلی‌ترین اصول و حقوق رفاقت، این است که هوای رفیق را داشته باشید. با رفیقت همدل باش، متحد باش، همراه باش، اگر من با یه نفر دست دوستی دراز می‌کنم و با او طرح رفاقت می‌ریزم، اولین کاری که انجام می‌دهم این است که هوای رفیق‌م را داشته باشم. اگر این کار را انجام ندهم مصداق بارز نارفیق خواهم بود.

هوای رفیق را داشتن می‌دانی یعنی چه؟ یعنی وقتی رفیقت یک حرفی را می‌زند تو صدای او را گوش کنی و آنرا اجرا کنی. در بحث ما که رفاقت با امام حسین علیه السلام است و حالا که ندای «هل من ناصر» امام در جهان بلند است و گوش عالم را پر کرده است، باید به عنوان رفیق به این ندا پاسخ بدهیم.

### لیبک، لیبک

آیت‌الله قوچانی یک کتاب دارند به نام سیاحت شرق و یک کتاب به نام سیاحت غرب به نظرم این دو کتاب را حتماً مطالعه کنید چون خیلی زیباست. آیت‌الله آفانجفی قوچانی در کتاب سیاحت شرق خود می‌نویسد:

از نجف برای زیارت امام حسین علیه السلام به سمت کربلا حرکت کردم،



نزدیک کربلا که رسیدم دیدم تشنگی بر من غالب شده است، دوان دوان آمدم تا خود را به آب برسانم، یک مرتبه چشمم به گنبد و بارگاه امام حسین علیه السلام افتاد و چنان شور و نشاطی وجودم را فرا گرفت که تشنگی فراموشم شد. آمدم و با گریه و سوز و گداز در صحن امام حسین علیه السلام نشستم، دیدم ساعت صحن شروع کرد به زدن، در عالم مکاشفه خواستم بفهمم چه می گوید، شنیدم ده مرتبه با صدای ظریف و لطیفی می گوید: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُنْصُرُنِي»، (آیا کسی هست مرا یاری کند؟) با خودم گفتم بینم چه کسی به این درخواست جواب می دهد؟ ناگهان دیدم ساعت حرم حضرت عباس علیه السلام شروع کرد به زنگ زدن. گوش دادم، دیدم ده مرتبه گفت: «لیبیک، لیبیک»<sup>۱</sup>.

امام حسین علیه السلام با ماه ام البنین، حضرت قمر منیر بنی هاشم علیه السلام، این گونه رفاقت داشتند که حتی بعد از هزار و چهارصد سال هم هنوز وقتی ندای «هل من ناصر» رقیق بلند می شود صدای لیبیک دیگر رقیق بلند می شود.

### یک گردان تاپیروزی

یکی از هم‌زمان شهید همت تعریف می کرد حاج ابراهیم آقای همت در آن بحبوحه جنگ و در آن فضایی که همه چیز به هم ریخته بود و جزایر مجنون داشت از دست می رفت و از طرفی حضرت امام رحمة الله علیه دستور داده بودند که جزایر باید حفظ بشود با آن وضعیت که مریض بود و با برانکار د تا خط مقدم رفته بود، بیسیم زد و گفت اگر یک گردان تازه نفس، فقط یک دسته نیروی تازه نفس به من بدهید جزایر را حفظ می کنم!!<sup>۲</sup>

یک دسته نیرو که با هم همدل و متحد باشند می توانند جزایر را حفظ کنند و دوستان من باور کنید که هنوزم که هنوزم است ابراهیم همت منتظر یک دسته تازه نفس است برای اینکه بتواند زندگی ما را حفظ کند و ما را از این

۱. دسترسی در:

<https://rasekhoon.net/media/show/1462540/>

۲. روایت درخواست کمک شهید همت از سردار سلیمانی، دسترسی در، ۱۸ اسفند ۱۳۹۸:

khabaronline.ir/xfBdZ.



منجلا ب دنیا رها کند.

### من کجا و

شاید کسی از ما سؤال بپرسد برای اینکه به ندای رفیق‌م حسین علیه السلام لبیک بگوییم من چه کاری می‌توانم برای امام خود انجام دهم؟ امام حسین علیه السلام کجا و من کجا؟ درست است که دست رفاقت دادم اما من برای این رفاقت چه کاری می‌توانم انجام بدهم؟

یکی از ساده‌ترین کارهایی که من و تو می‌توانیم انجام بدهیم حضور منظم در این‌گونه جلسات است. آن هم نه فقط در این دهه، بلکه در طول سال باید در این جلسات شرکت کنیم. حواست باشد فقط یک دهه دست دوستی با امام حسین علیه السلام ندهی! نکنند بعد از دهه محرم کلاً رها کنی و بروی! نکنند دستت را بکشی از دست امام! نگویید من بچه هستم و کاری از دستم بر نمی‌آید. خیر. شاید سن شما کم باشد ولی بدانید کارهای بزرگی از شما بر می‌آید.

عبدالله بن حسن علیه السلام در کربلا بدون شمشیر به یاری امام زمان خود رفت. او هیچ چیزی در دست نداشت. وقتی به امام حمله کردند رفت دستش را سپر قرار داد که ضربه‌ای به رفیقش حسین علیه السلام وارد نشود. شاید باورتان نشود اما عبدالله بن حسن علیه السلام وقتی این کار را انجام داد فقط یازده ساله بود.

### روضه قاسم ممنوع

اجازه دهید یک خاطره دیگر از یک نوجوان یازده‌دوازده ساله برای‌تان تعریف کنم. با هزار زور و زحمت خودش را رسانده بود تهران که رئیس‌جمهور وقت یعنی آیت‌الله خامنه‌ای را ببیند. آقای خامنه‌ای که آن موقع رئیس‌جمهور ایران بود تعریف می‌کند:

«از دفتر ریاست جمهوری داشتم می‌رفتم سوار ماشین بشوم و برای رفتن به یک جلسه‌ای آماده بشوم، دیدم جلوی درب، همه محافظ‌ها جمع شده‌اند و آنجا خیلی شلوغ است، پرسیدم که چه



خبره؟ گفتند یک پسر بچه‌ای از اردبیل آمده و می‌گوید می‌خواهد رئیس‌جمهور را ملاقات کند».

آقای فرمایند اجازه بدهید ببینیم چه می‌گوید. او را آوردند خدمت حضرت آقا. بالهجه شیرین آذری شروع کرد به حرف زدن که آقا شما رئیس‌جمهور هستید. زحمت بکشید به مداح‌ها و سخنرانان دستور بدهید که دیگر روضه قاسم بن الحسن علیه السلام را نخوانند! آقای خامنه‌ای با تعجب نگاهی به این نوجوان دوازده‌سیزده ساله کرد و فرمود: چرا؟ برای چی این کار را انجام بدهیم؟ نوجوان جواب داد آقا مگر قاسم ۱۳ سالش نبود؟ مگر سیدالشهدا به او اجازه میدان نداد؟ آقا فرمودند بله؛ نوجوان گفت: پس چرا من که می‌خواهم بروم جبهه به من می‌گویند تو بچه هستی، تو کوچک هستی؛ تو نمی‌توانی به جبهه اعزام بشوی. اگر نمی‌توانم پس دستور بدهید که دیگر کسی روضه قاسم را نخوانند!

به من گفته‌اند اگر می‌خواهی اعزام بشوی باید یک دستور یا یک نامه‌ای از یک مقام بالا بگیری؛ آقای خامنه‌ای لبخندی زد و فرمود اسمت چی است؟ گفت مرحمت بالازاده؛ بعد حضرت آقا نامه‌ای نوشتند به فرماندهی سپاه اردبیل که «مرحمت بالازاده» از دوستان ماست و به او اجازه جبهه رفتن بدهید.

مرحمت بالازاده دوازده‌سیزده ساله وارد میدان جنگ شد و در آخر به درجه رفیع شهادت نائل گشت!<sup>۱</sup>

حالا که فهمیدیم باید بیاییم در میدان و نباید امامان را تنها بگذاریم، سؤال اینجاست که امام حسین علیه السلام الان از من چه می‌خواهد؟ حالا که دیگر نمی‌توانیم بگوئیم که من بچه هستم و کاری از دست من بر نمی‌آید حالا حاج آقا بگویند که امام از من چه می‌خواهد؟

۱. شهید مرحمت بالازاده؛ آقای خامنه‌ای بگویند دیگر روضه حضرت قاسم علیه السلام نخوانند، دسترسی در،



## عضویت آزاد مسئولانه

دوستان من پاسخ این سؤال بسیار ساده است. جواب این است که امام از من و شما عضویت آزاد مسئولانه می‌خواهد؛ یعنی خودت با پای خودت بیایی وسط میدان و مسئولیتی را بپذیری؛ دقیقاً شبیه به عبدالله بن حسن علیه السلام و شبیه به مرحمت بالازاده‌ها.

ما باید حس مسئولیت نسبت به کارها داشته باشیم. می‌دانید عضویت آزاد مسئولانه یعنی چه؟ یعنی ایثار؛ یعنی از خودگذشتگی؛ یعنی من با میل و اراده خودم وارد میدان یاری امام و رفیقم می‌شوم.

شما حضور و عضویت آزاد مسئولانه شهدا را در دفاع مقدس ببینید. در اول جنگ وقتی خرمشهر در شرف سقوط بود و مردم داشتند نسبت به دشمن بعثی که تا دندان مسلح بود مبارزه می‌کردند و می‌جنگیدند، در همان موقع یک پسر بچه نوجوان هم سن و سال شما به نام «بهنام محمدی» غوغایی به پا کرد که از هیچ‌کس دیگری بر نمی‌آمد. هیچ‌کس هم به او نگفته بود چنین کاری را انجام دهد اما او احساس مسئولیت کرد و در جمع مبارزین و میان رزمنده‌ها عضویت آزاد مسئولانه پیدا کرد.

بهنام محمدی با آنکه سن کمی داشت اما با همان سن کمش برای شناسایی می‌رفت. گاهی اوقات، گیر لشکر بعثی میفتاد و برای اینکه بتواند از دست آن‌ها رها شود سریع شروع می‌کرد به گریه کردن و با ناله می‌گفت من راه را گم کرده‌ام و بلندبلند گریه می‌کرد که من مامانم را می‌خواهم! لشکر بعث عراق هم که فکر نمی‌کرد پسر بچه‌ای بیاید شناسایی، به همین دلیل او را رها می‌کرد. بهنام هم برمی‌گشت و می‌آمد پیش رفقاییش و همه اطلاعات را به آن‌ها می‌داد و دوباره فردا یک جای دیگر را شناسایی می‌کرد!

کسی بهنام محمدی را مجبور نکرده بود که با این سن و سال وارد عرصه میدان شود اما او احساس عضویت آزاد مسئولانه داشت و اهل خودگذشتگی و ایثار بود.



یک نفر دیگر را بگویم که هم با شما هم سن و سال بود و هم همه شما دوستان با او آشنا هستید و داستان آن را شنیده‌اید. حتماً داستان «شهید علی لندی» را شنیدید. آن نوجوانی که آزادانه به دل آتش زد تا آن خانم و دخترش که در آتش گرفتار شده بودند را نجات بدهد. علی لندی، آزادانه آمد اما مسئولانه شهید شد.

عضویت آزاد مسئولانه یعنی در این زندگی اجتماعی هر کسی یک کاری را بر عهده بگیرد. در رابطه‌مان با رفقا، در رابطه‌مان با خانواده، در رابطه‌مان با جامعه؛ هر کسی باید یک مسئولیتی به عهده بگیرد و باری را از زمین بردارد.

اگر کسی عضویت آزاد مسئولانه داشته باشد رضایت امام پشت سرش خواهد بود. امام حسین علیه السلام از او حمایت خواهد کرد و از او راضی خواهد بود.

### امیری حسین

یک داستان برای تان بگویم که روضه من هم باشد. ابی عبدالله علیه السلام غلامی داشت سیاه‌چهره. وقتی واقعه عاشورا شد ظاهراً سن و سالش هم خیلی بالا بوده و برای خودش پیرمردی شده بود. این غلام سیاه، سال‌های سال در دستگاه ابی عبدالله خدمت کرده و پیرغلامی شده بود.

وقتی واقعه عاشورا شد امام به او گفت تو آزادی برو و به زندگی خودت برس. تو را آزاد کردم برو و اینجا نمان؛ کسی که با امام حسین علیه السلام رفیق شده باشد مثل این غلام عمل می‌کند. غلام سیاه به سیدالشهدا علیه السلام گفت: آقا جان، من در خوشی‌ها سال‌ها کنار شما بودم، حالا در ناخوشی‌ها شما را رها کنم و بروم؟ نه آقا هرگز نمی‌روم بلکه می‌خواهم بمانم و پای عهد خودم با شما بایستم. موقع جنگ، آمد از امام اجازه میدان بگیرد اما امام به او اجازه ندادند و فرمودند من تو را آزاد کردم که بروی. غلام سیاه ناراحت شد و گفت: یا ابن رسول الله صلی الله علیه و آله، شما می‌بینید صورتم سیاه هست، رنگ پوستم سیاه است به من می‌گویید به میدان نروم؟ آیا می‌بینید بدنم بدبو



هست و بو می دهد می گویند نرو؟ می ترسید خون من با خون این شهدا مخلوط بشود؟ دوستان من، غلام سیاه با امام خود عشق بازی کرد؛ اینقدر به قول خودمان برای امام و برای رفیقش ناز کرد تا بالاخره اذن میدان گرفت.

اگر با امامت رفیق باشی، هم از تو حمایت می کند و هم ازت راضی می شود.

یک رسمی در هنگام جنگ بود که هر کسی سمت میدان می رفت، شروع می کرد به رجزخواندن؛ من فلانی، پسر فلانی هستم. اما رجز این غلام سیاه چی بود؟ رفت وسط میدان فریاد زد: «**أَمِيرِي حُسَيْنٌ وَ نِعَمَ الْأَمِيرِ**».

من یک رفیق دارم که هیچ کسی مثل رفیق من را در عالم ندارد. من یک دوستی دارم، یک امیری دارم که هیچ کسی مثل امیر من ندارد. غلام سیاه حسابی جنگید؛ وقتی روی زمین افتاد و لحظه شهادتش رسید، ابی عبدالله علیه السلام آمد بالای سرش، حضرت کاری کرده که تاریخ را انگشت به دهان کرد؛ ابی عبدالله کاری که با جگرگوشه خودش یعنی علی اکبر انجام داد را با این غلام سیاه انجام داد. صورت گذاشت روی صورت غلام و برایش دعا کرد: «**اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ طَيِّبْ رِيحَهُ**»؛ (خدایا صورتش را سفید کن! خدایا بوی خوش به او بده!)<sup>۱</sup>

۱. **ثُمَّ بَرَزَ جُونُ مَوْئِي أَبِي دَرَّ وَ كَانَ عَبْدُ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتَ فِي إِذْنٍ مَتَى فَاثْمًا تَبْعُنَا ظَلَبًا لِلْعَافِيَةِ فَلَا تَبْتَلِ بَطْرِيْقَنَا فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا فِي الرَّخَاءِ الْحُسَّ قِصَاعَكُمْ وَ فِي الشِّدَّةِ أَخَذَ لَكُمْ وَ اللَّهُ إِنِّي رِيحِي كُنْتِنِ وَ إِنِّي حَسْبِي لِلنِّبِيِّمْ وَ لَوْ فِي الْأَسْوَدِ فَتَنْفَسَ عَلَيَّ بِالْحِنَّةِ فَتَطَيَّبَ رِيحِي - وَ تَشْرَفَ حَسْبِي وَ بَيَّضَ وَجْهِي لَا وَ اللَّهُ لَا أَفَارِقُكُمْ حَتَّى يَحْتَلِظَ هَذَا الدَّمُ الْأَسْوَدُ مَعَ دِمَائِكُمْ ثُمَّ قَاتَلَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ حَتَّى قُتِلَ.**

سپس چون که غلام آزاد شده ابودر بود و غلام سیاه چهره ای بود برای جنگ بیرون آمد. امام حسین علیه السلام به او فرمود: تو اینک آزادی. راه خویش را بگیر و از این سرزمین برو؛ تو برای آسایش و راحتی و تأمین زندگی و امنیت، همراهی ما را برگرزیده ای، خود را در راه ما به سختی نینداز. چون پاسخ داد: من در روز خوشی کاسه لبس شما خاندان باشم و در روز سختی دست از یاری شما بردارم؛ بخدا قسم من خود می دانم که بدبو و پست فطرت و سیاه چهره ام؛ اجازه دهید تا بوی بهشت و نسیم دل انگیز آن بر من وزیدن کند تا هم بیکرم عطر آگین گردد و هم چهره تیره ام به سفیدی گراید. نه به خدا دست از شما خاندان بردارم تا این خون سیاه من با خونهای شما آمیخته گردد سپس جنگ کرد تا شهید شد. رضوان الله علیه.

«**فَوَقَفَ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ علیه السلام وَ قَالَ اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ طَيِّبْ رِيحَهُ وَ احْشُرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ عَرَفْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. وَ رُوِيَ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَنَّ النَّاسَ كَانُوا يَحْضُرُونَ الْمُعْرَكَةَ وَ يَذْفُونُ الْقَتْلَى - فَوَجَدُوا جَوْنًا بَعْدَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ - يَفُوحُ مِنْهُ رَائِحَةُ الْمُنْشِكِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ».** امام حسین علیه السلام به بالین او آمد و



ای اشک اول و نفس آخرم حسین  
ای سایه کرامت تو بر سرم حسین  
من باورم شده که فدای تومی شوم  
باور مکن که بگذرم از باورم حسین  
دارد زبانه می‌کشد این روضه از دلم  
گودال، تل، عطش، دل زینب، حرم، حسین  
حالا برای پیرهنت گریه می‌کنم  
باخواه‌رت کنار تنت گریه می‌کنم<sup>۱</sup>

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بلند صلوات بفرست

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

فرمود: بار خدایا! صورت وی را سفید و بوی او را نیکو گردان و او را با ابرار محشور بفرما و بین او و محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ شناسائی و آشنایی برقرار بفرما! امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از حضرت امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت می‌کند که فرمود: هنگامی که گروهی در میدان جنگ آمدند تا اجساد شهیدان آل محمد را دفن نمایند جسد این غلام یعنی چون را بعد از ده روز در حالی یافتند که بوی مشک از آن می‌وزید. (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۳)

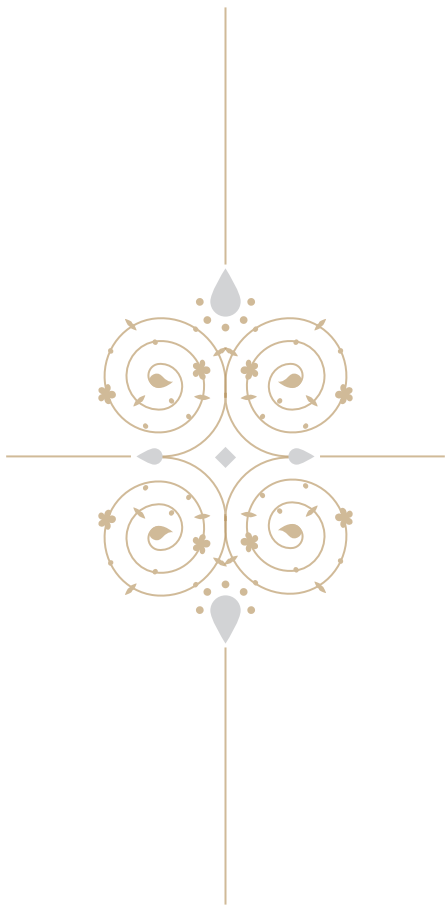
۱. حسین خدایار.





جلسه سوم

باهم قوی تریم (ضرورت  
توجه به کار جمعی)



## عضویت آزاد مسئولانه

جلسات قبلی با هم صحبت کردیم و گفتیم امام حسین علیه السلام یک ندایی را هزار و چهارصد سال پیش سر داد و فریاد زد «هل من ناصر ینصرنی»؛ الآن نیز این ندا در عالم بلند است و من و تو اگر رفیق حسینی هستیم باید به رفاقت خودمان عمل کنیم. اولین رسم رفاقت این است که به ندای رفیق خودت جواب بدهی. چگونه جواب بدهیم؟ گفتیم باید اهل ایثار باشیم، اهل عضویت آزاد مسئولانه باشیم، اهل این باشیم که یک باری را از روی زمین برداریم یک تعهدی نسبت به دستگاه سیدالشهدا داشته باشیم و یک مسئولیتی را بپذیریم.

## عضویت به تنهایی ممنوع

اما امروز می‌خواهیم یک حرف جدیدی را با هم گفتگو کنیم. دیروز گفتیم که باید عضویت آزاد مسئولانه داشته باشیم ولی امروز می‌گوییم که عضویت آزاد مسئولانه تنها راهگشا نیست یعنی اگر من نسبت به یک کاری، نسبت به یک مشکلی که در جامعه وجود دارد، احساس مسئولیت کردم و سعی کردم آن را برطرف کنم این به تنهایی به کار نمی‌آید. اجازه دهید یک مثال بزنم. فرض کنید یک ماشینی در خیابان خراب شده است. شما می‌دانید که یک بنده خدایی احتیاج به کمک دارد و احساس



مسئولیت می‌کنید در نتیجه می‌روید به او کمک می‌کنید و از خود برای او مایه می‌گذارید. به طرف ماشین او می‌روید و از مقابل سعی می‌کنید که ماشین را حرکت دهید، همزمان با شما یک نفر دیگری از آن طرف خیابان این صحنه را می‌بیند که کسی نیاز به کمک دارد او نیز احساس مسئولیت می‌کند و به سمت ماشین می‌آید و به جای اینکه به سمت شما بیاید، ماشین را از پشت هل می‌دهد و سعی می‌کند که حرکت بدهد، هر دو نفر شما احساس مسئولیت کردید، هر دو تصمیم گرفتید کمک کنید اما آیا کاری اتفاق می‌افتد؟ آیا به صاحب ماشین واقعاً کمکی می‌شود؟

یک مثال دیگر برای تان بزنم. فرض کنید در زلزله یا سیل، مثل پل دختر که سیل آمد؛ یا کرمانشاه که زلزله آمد، مردم آمدند کمک کنند. مردم ایران اهل کمک و همدلی هستند، مردم ما عضویت آزاد مسئولانه داشته و حس مسئولیت دارند. در این مواقع حتماً به هموعان خودشان کمک می‌کنند، اما تصور کنید این کمک کردنشان اینطوری باشد که همه پتو بفرستند برای زلزله‌زدگان. به نظر شما این کار مطلوب هست؟ همه با هم پتو بفرستند. طرف از گرسنگی دارد می‌میرد و آنجا اصلاً غذا ندارند. ولی بجای آن یک عالمه پتو برسد!

### ایراد کجاست

شاید برای تان سؤال شده باشد که آیا کار ما اشتباه بوده یا خلاف مسیر حرکت کرده‌ایم؟ یعنی من نسبت به یک کاری، نسبت به یک مشکلی، مسئولیت نداشتم؟ آیا من احساس مسوولیت نکردم؟ قطعاً خیر. اتفاقاً شما احساس مسئولیت کرده‌ای که وارد میدان شده‌ای. پس ایراد کجاست؟ ایراد این جا هست که هماهنگی بین آدم‌ها نیست. وقتی هماهنگی بین آدم‌ها نباشد یک نفر از جلو ماشین رو هل می‌دهد و یک نفر از پشت ماشین را هل می‌دهد. قطعاً ایراد کار اینجاست که من توجه نمی‌کنم به کار جمعی؛ وقتی به کار جمعی توجه کردم کارم پیش خواهد رفت و به نتیجه خواهد رسید.



## کار جمعی

کار جمعی اگر کردیم پیروزی می‌شویم اگر آن دو نفری که می‌خواستند به راننده آن ماشین خراب کمک کنند هر دو از پشت یا جلو هل می‌دادند کار پیش می‌رفت. اگر در فضایی مثل سیل و زلزله همه با همدیگر به صورت مشترک یک کاری را انجام دادند یک نفر غذا ارسال کند، دیگری وسایل گرمایشی ارسال کند، کار پیش می‌رود و الا کار جلو نمی‌رود.

در کار جمعی، اثرگذاری شما حتماً بیشتر خواهد بود و به قول معروف: «یک دست صدا ندارد» ولی اگر جمعی با هم یک کاری را انجام دادند، حتماً اثرگذار خواهد بود.

اگر یک کاری را گروهی انجام دهند مطمئن باشید سرعت کار شما به مراتب بالاتر خواهد رفت.

## سنگ بزرگ، نشانه

یک ضرب‌المثلی هست که همه شما شنیده‌اید: سنگ بزرگ نشانه چیست؟ خیر! سنگ بزرگ نشانه نزدن نیست بلکه نشانه این است که باید از دیگران کمک بگیریم. اگر شما بخواهید یک میز بزرگ را جابه‌جا کنید یا توان جسمی این کار را ندارید یا اگر هم دارید بسیار به شما فشار خواهد آمد ولی اگر همین میز را چند نفری جابه‌جا کنید بسیار راحت و سهل خواهد شد.

همه می‌دانیم که چند فکر خیلی بهتر از یک فکر است. آگه چند نفر با هم دیگر فکر کنند، راه‌های بهتر و ساده‌تری پیدا می‌شود.

رفقای من این کار جمعی این قدر مهم هست که در تمام طول روز و در همه شئون زندگی ما وجود دارد اگر این کار را نکنیم حتماً بدانید ضربه خواهیم خورد.

## کار جمعی کربلا

سیدالشهدا در کربلا کار جمعی انجام دادند. وقتی می‌خواستند پیک



بفرستند به سمت کوفه مسلم را تنها نفرستادند؛ وقتی آب را در کربلا به روی لشکر سیدالشهدا بستند چند بار امام دستور دادند که چند نفر به سمت شریعه فرات بروند و آب بیاورند مثل دستور امام به حضرت عباس علیه السلام و حضرت علی اکبر علیه السلام برای این کار. وقتی کاروان رسید در وادی کربلا می‌خواستند خیمه بزنند یک نفر نیامد خیمه برپا کنند امام دستور دادند همه باهم خیمه بپا کنند یا نمونه دیگر نماز جماعت ظهر عاشورا بود. وقتی می‌خواستند که نماز بخوانند، عده‌ای جلوی لشکر ایستادند و عده‌ای نماز خواندند؛ این یعنی کار جمعی.

ماناگزیریم از آموزش کار جمعی ماناگزیریم از اینکه کار جمعی را یاد بگیریم، قوانین کار جمعی را یاد بگیریم اگر این کار را انجام ندهیم زندگی مان لنگ خواهد شد. اگر نتوانیم این کار را انجام بدهیم، مطمئن باشید به مشکل خواهیم خورد و در نتیجه نخواهیم توانست رفاقت خودمان را تمام کنیم.

جالب است بدانید اسلام کلاً دین جمعی هست. همه دستوراتش را شما نگاه کنید کاملاً دستور به جمع شدن می‌دهد، به شما دستور می‌دهد نماز جماعت بخوانید. روزانه نماز جماعت بخوانیم؛ هفتگی نماز جمعه بخوانیم؛ سالانه حج برویم، همه این‌ها جمعی اجرا می‌شود.

اساساً تمام دستورهای پیامبران و اولیای الهی همواره در جهت کار جمعی بوده است؛ چراکه انسان‌ها وقتی با هم هستند، قدرت خواهند داشت و هرچقدر تنهاتر شوند، ضعیف‌تر خواهند شد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیانی بر این نکته مهم تأکید می‌فرماید: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَمَمِ لِلذَّبِّ» (دست خدا با جماعت است. از تفرقه حذر کنید؛ زیرا کسانی که از جماعت کناره می‌گیرند، طعمه شیطانند، مانند گوسفندی که از گله جدا می‌افتد و گرگ او را می‌درد.)



به قول امیرالمؤمنین «يُدُّ اللهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»؛ (دست خدا همراه با جماعت است) اگر یک جماعتی، اگر یک جمعی رفتند یک کاری کردند خدا کمکشان می‌کند و آن‌ها را یاری می‌کند.

### یک با یک می‌شود یازده!

اجازه بدهید یک مثالی برای تان بزنم. به نظر شما یک به اضافه یک (۱+۱) چند می‌شود؟ آیا پاسخ ۲ است؟ در محاسبات ریاضی بله درست است اما در محاسبات کار گروهی، خیر. می‌خواهیم یک کاری را انجام بدهیم آن کار را می‌توانیم یک نفری انجام بدهیم، حالا اگر همان کار را دونفری بخواهیم انجام بدهیم، یک نفر دیگر هم به کمک ما بیاید می‌شویم چند نفر؟ یک به علاوه یک می‌شود چند؟ یک به علاوه یک در محاسبات کار گروهی می‌شود یازده! شاید پرسید یعنی چه؟ یعنی توان شما می‌شود به اندازه یازده نفر. کار جمعی چنین اثری دارد و این دقیقاً معنی این است که کار جمعی برکت دارد «يُدُّ اللهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ».

### کار جمعی دفاع مقدس

شما نگاه کنید به دفاع مقدس. یکی از مغزهای متفکر جنگ ما شهید حسن باقری هست. اسم ایشان را شنیده‌اید، شاید بعضی از شما دوستان فیلمش<sup>۱</sup> را هم دیده باشید. شاید بعضی از شما کتاب خاطرات ایشان را هم خوانده باشید. کار اصلی این آدم همین بود که در آن فضای جنگ، ظرفیت‌های مختلف را به همدیگر وصل کند. این لشکر با آن لشکر، سپاه و ارتش، این گردان با آن گردان، وقتی این اتفاق افتاد، پیروزی‌های متعدد برای جبهه<sup>۲</sup> اسلام رقم خورد. اصلاً پیروزی در عملیات‌های مختلف حاصل همین کار جمعی است. شما تصور کنید مثلاً در فتح خرمشهر یا شکستن حصر آبادان اگر این کار جمعی صورت نمی‌گرفت، امکان چنین پیروزی‌هایی وجود داشت؟ در واقع اگر کار جمعی نباشد هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

۱. آخرین روزهای زمستان.



ویژگی حاج قاسم همین بود. با کار جمعی توانست داعش را از بین ببرد توانست کشوری مثل سوریه که سقوط کرده بود را از دست تکفیری‌ها نجات بدهد. بهتر است بگوییم نه تنها سوریه بلکه تمام دنیا را نجات داد البته باز هم می‌گوییم که با کار جمعی این کار محقق شد.

### ضربه قاسم

مثالی از کربلا برای تان بزنم. کربلا فردی بود که احساس مسئولیت آزادانه داشت اما قواعد کار جمعی را هم بلد بود با اینکه با دیگران همدل بود، ولی می‌دانست این تنها کافی نیست و قواعد همدل بودن با دیگران را هم می‌دانست، می‌دانست وقتی در جمعی قرار می‌گیرد احساس مسئولیت تنها جواب نمی‌دهد. می‌دانید می‌خواهم از چه کسی صحبت کنم؟ از یک نوجوان دیگر در کربلا برای تان بگوییم.

قاسم بن الحسن نسبت به اتفاقی که در حال افتادن بود احساس مسئولیت می‌کرد ولی قواعد کار جمعی را می‌دانست لذا چندین بار از عمو اجازه میدان گرفت. می‌داند الان فرماندهی دست ابی‌عبدالله است. اگر سیدالشهدا اجازه بدهد باید به میدان برود و اگر هر کسی بخواهد برای خودش برود خط مقدم و جنگ کند که پیروزی حاصل نمی‌شود. بالاخره هرطور بود اذن میدان گرفت. وقتی شروع کرد به جرز خوانی، ازرق شامی در سپاه عمر سعد گفت: این بچه شکار من هست کسی کاری به او نداشته باشد. ازرق اهل شام بود، به کوفه ربطی نداشت. اصلاً این آدم آمده بود برای اینکه ترس و دلهره در دل جبهه مقابل بیندازد. در تاریخ می‌گویند با هزار نفر برابری می‌کرد. ازرق پسرش را فرستاد وسط میدان تا با یک نوجوان بجنگد.

قاسم در ضربه اول پسر ازرق را ناکار کرد. ازرق پسر دوم را راهی میدان کرد و او با جنگاوری قاسم بن الحسن به درک واصل شد. پسر سوم و پسر چهارم را نیز از میدان خارج کرد. ازرق خیلی عصبانی شد و خورش به جوش آمده بود نمی‌دانست باید چیکار کند. خودش آمد به میدان معرکه با یک



نوجوان سیزده‌ساله، این ملعون که با هزار سوار برابری می‌کرد، با یک ضربه غافلگیرانه قاسم بن الحسن علیه السلام به درک واصل شد!

وقتی عمرسعد این صحنه را دید، گفت: چرا تک‌به‌تک به جنگ این بچه می‌روید؟ این نوه حیدر هست. دستور داد دوره‌اش کردند و با سنگ شروع کردند پسر امام مجتبی علیه السلام را سنگ‌باران کردند و بلایی سر این نوجوان در آوردند که تاریخ می‌گوید وقتی امام، قاسم را از میدان به خیمه دارالحرب می‌برد او را در آغوش گرفته بود در حالیکه پاهایش روی زمین کشیده می‌شد.

تالاله‌گون شود کفنم بیشتر زدند  
از قصد روی زخم تنم بیشتر زدند  
قبل از شروع ذکر رجز مشکلی نبود  
گفتم که زاده حسنم بیشتر زدند  
این ضربه‌ها تلافی بدر و حنین بود  
گفتم علی و برده‌نم بیشتر زدند  
دیدند پا ز درد روی خاک می‌کشم  
در حال دست و پا زدنم بیشتر زدند

«اللعنة الله على القوم الظالمين»

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بلند صلوات بفرست

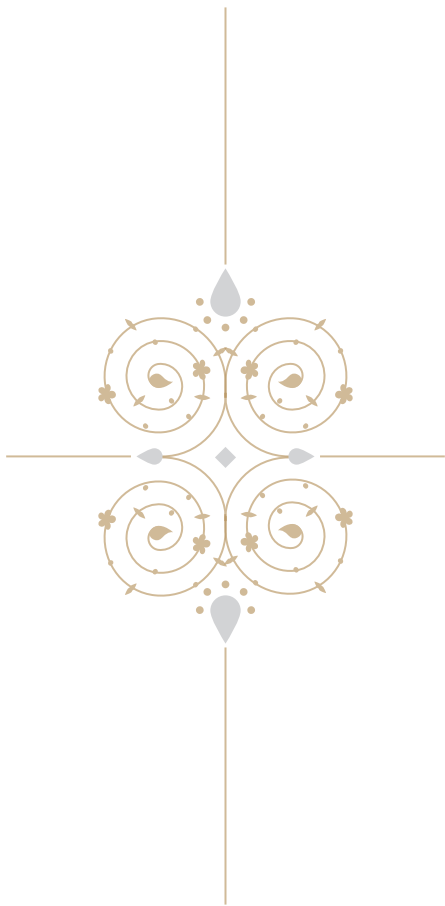
اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم





جلسه چهارم

ما به هم مربوطیم  
(تنظیم روابط بین فردی)





## کار جمعی

در جلسه گذشته ما با هم به این نتیجه رسیدیم که باید قوانین کار جمعی را یاد بگیریم کار جمعی و گروهی و کار همدلانه، یک سری اصول و قوانینی دارد که اگر یاد نگیریم در واقع هیچ کاری را نمی‌توانیم انجام دهیم. حتی اگر احساس مسئولیت کنیم نسبت به یک مسئله‌ای در کشور، در جامعه، در خانواده‌مان، بین دوستان خودمان، باز هم هیچ کاری را پیش نمی‌بریم چون به قوانین کار جمعی ملزم نبوده‌ایم.

## مدیریت همگانی مسئولانه

یکی از مهم‌ترین قوانینی که امروز می‌خواهیم در مورد آن صحبت کنیم، مدیریت همگانی مسئولانه است یعنی چی؟ یعنی همه جامعه را کاملاً خانواده خودت بدان. همان‌طور که اگر در خانواده خودت، مثلاً برادرت یا خواهرت یک ضعفی داشته باشد، یک مشکلی داشته باشد یا مثلاً اخلاق خاصی داشته باشد شما او را طرد نمی‌کنید، با همان ویژگی او می‌سازید، مدیریت همگانی مسئولانه یعنی همین؛ یعنی مدیریت کنیم، همه با هم دیگر، آن هم از روی مسئولیت، کارهای زندگی را پیش ببریم.



## اعضای یک خانواده

مدیریت همگانی مسئولانه یعنی اخلاق کار جمعی را بلد باشیم. یعنی زودرنج نباشیم، تحمل خودمان را بالا ببریم. ممکن است طرف مقابل من یک اخلاق بدی داشته باشد، یک ویژگی بدی داشته باشد و من باید با او تعامل داشته باشم، نباید ارتباطم را با او قطع کنم. نباید زودرنج باشیم، اینجا باید تحمل خودمان را بالا ببریم. یادتان می‌آید در جلسه گذشته مثال هل دادن ماشین را برای تان زدم در همان مثال فرض کنید فردی که آمده کمک شما تا با هم ماشین را هل بدهید، توان جسمی شما را ندارد و نمی‌تواند به اندازه شما هل بدهد؛ اینجا نباید زودرنج باشیم. اینجا باید ضعف دوست را تحمل کنیم، ضعف رفیق را باید تحمل کنید. به این می‌گویند «مدیریت همگانی مسئولانه». ما با تمام اعضای خانواده خود رابطهٔ حسنه و خوب داریم. وقتی کل جامعه را به چشم خانوادهٔ خودت نگاه کردی و به همان اندازه برای‌شان دل سوزاندی، یقین بدان که آن جامعه پیروز خواهد شد و هر روز قدرتمندتر می‌شود، هر روز با همدیگر همدل‌تر و متحدتر خواهد شد.

## غرب‌فردگرا

شما در غرب نگاه کنید، خانواده‌ای که ما از آن تعریف می‌کنیم، اصلاً در غرب معنا ندارد. برای همین هم است که خیلی راحت وقتی مثلاً یک زن و شوهری با هم می‌روند بیرون، مثلاً رستوران، هر کس غذای خودش را حساب می‌کند. شما الان می‌توانید تصور کنید که با خانوادهٔ خود بروید رستوران و هر کسی غذای خودش را حساب کند!؟ در فرهنگ غربی که مدیریت همگانی مسئولانه وجود ندارد، حتی اگر زن و شوهری با هم بیرون رفتند، هرکس باید دُنگ خودش را بدهد.

چند تا مثال برای تان بزنم. در همان غرب و در برخی از کشورها بچه وقتی به سن هجده سالگی می‌رسد، خیلی راحت پدر و مادر یا از خانه بیرونش می‌کنند و می‌گویند برو زندگی خودت را داشته باش یا اگر می‌خواهی در این خانه زندگی کنی باید خرج خودت را بدهی. این یک مسئلهٔ عادی در جامعهٔ



غرب هست. برای اینکه در آنجا مدیریت همگانی مسئولانه وجود ندارد اما در کشورهای مثل کشور ما، پدر به صورت خودجوش در خود احساس وظیفه می‌کند که باید مسئولیت خانواده خودت را بر عهده بگیرد. به همین دلیل هم هست که خداوند مرد را طوری آفریده است که علاقه دارد برای دیگران خرج کند و دیگران به او تکیه کنند و برعکس زن را طوری آفریده است که فطرتاً علاقه دارد که به کسی تکیه کند. این معنی تکمیل یکدیگر است. زندگی بدون مدیریت همگانی مسئولانه دقیقاً برعکس سبک زندگی ماست، فرض کنید الان با چند تا از دوستانتان مثلاً می‌روید بستنی بخورید، موقع پرداخت پول هر کدام از شما سریع دست می‌کند در جیب خودش و می‌گوید: مهمان من هستید. مهمان کردن رفیق خیلی چیز خوبی هست. رفقا این کارها نشان می‌دهد که ما مدیریت همگانی مسئولانه داریم.

### ارتباطات در کربلا

ما نسبت به جامعه خودمان بی تفاوت نیستیم ما جامعه را خانواده خود می‌دانیم و این خانواده را به این راحتی رهاش نمی‌کنیم. حالا در مدیریت همگانی مسئولانه به نظر شما امام حسین علیه السلام چه می‌فرمایند؟ حرف کربلا، حرف عاشورا و حرف سیدالشهدا در این زمینه چه چیزی هست؟ امام مثل من و تو، همین نگاه را دارند؟ یا نه یک نگاه متفاوتی دارد؟

در کربلا، آقا دنبال روابط بین انسان‌ها هستند. انسان‌ها با هم رابطه دارند این رابطه باید خیلی خوب حفظ بشود رابطه‌ها باید دائماً تقویت بشود.

### رفیق و رفیق بازی

اگر دو تا رفیق هستند باید با همین نگاه رفاقتشان قوی بشود. حبیب و مسلم بن عوسجه را شب‌های گذشته برای تان گفتم که با هم رفیق بودند این رفاقتشان را دائماً تقویت می‌کردند.

داستان غلام سیاه سیدالشهدا را دیشب برای تان گفتم که ابی‌عبدالله آمد و بغلش کرد، این رفاقت و ارتباط را ادامه داد.



## اهتمام به خانواده

در بحث خانواده، ابی‌عبدالله دنبال روابط بین انسان‌ها است روابط بین انسان‌ها در شب عاشورا خودش را نشان می‌دهد امام؛ خانواده‌اش برایش مهم است لذا شب عاشورا خارهایی که اطراف خیمه‌گاه بود را جمع می‌کنند که مبادا موقع حمله دشمن به زن و بچه و هنگام فرار، خاری به پای یکی از اعضای خانواده برود.

سیدمرتضی آوینی سیدشهادان اهل قلم را می‌شناسید رفقاییش تعریف می‌کنند: وقتی مثلاً در یک جمعی یک جعبه شیرینی می‌آوردند تعارف می‌کردند، می‌گفت می‌شود دو تا بردارم؟ ما هم می‌گفتیم اختیار دارید آقا سید، شما هرچند تا که می‌خواهید بردارید، دو تا برمی‌داشت اما هیچ‌کدام را نمی‌خورد، کار همیشه‌اش بود، هر جایی یک غذای خوشمزه‌ای، شیرینی، شکلاتی چیزی تعارف می‌کردند برمی‌داشت اما نمی‌خورد. می‌گفت می‌روم خانه با خانم و بچه‌ها می‌خورم. همه را هم توصیه می‌کردند و می‌گفت این کار خیلی مؤثر است که آدم شیرینی‌های زندگی‌اش را با خانواده‌اش تقسیم کند.<sup>۱</sup>

شهید حسین همدانی همان سردار جنگ که در بین مدافعان حرم معروف بود به حبیب حرم، خانمش تعریف می‌کند: فردای عید غدیر بود قرار بود که به منطقه عملیات برود و دوباره اعزام بشود، سرش شلوغ بود هزار تا دغدغه و فکر در ذهنش بود به هرحال فرمانده جنگ بود. دیدم در اتاق مشغول خواندن نماز بود بعد چند دقیقه دوباره رفتم دیدم تو اتاق نیستند، دیدم حسین آقا رفته در آشپزخانه و دارد فریزر را تمیز می‌کند به او گفتم مگر قرار نیست شما بروید چرا زحمت این کار را می‌کشید؛ نگذاشت حرفم تمام بشود، لبخند زد و گفت دیدم کمر شما درد می‌کند، گفتم قبل از رفتن یک دستی به این فریزر بکشم که شما اذیت نشوید.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>گم شده در عرفات، دسترسی در ۲۹ مهر ۱۳۸۹:

<https://rasekhoon.net/article/show/163290/>.

<sup>۲</sup>روایتی از آخرین روزهای حضور سردار همدانی در منزل، دسترسی در ۱۸ مهر ۱۳۹۵:

<https://tn.ai/1208433>.



شهادی ما این جوری بودند. به خانواده خودشان خیلی اهمیت می دادند. یک نمونه دیگر برای تان بگویم: رئیس قوه قضاییه بود. آن هم اول انقلاب که تازه حکومت عوض شده بود همه چیز از اول باید نوشته بشود. قانون اساسی بهم ریخته است باید کار جهادی انجام بشود تا همه چیز درست بشود در همان موقع شهید بهشتی یک روز جمعه در منزل نشسته بودند که صدای زنگ خانه به صدا درآمد، رفت در راز باز کرد دید یک آقای آمده و پیغام آورده که از مقامات بلندپایه یکی از کشورهای خارجی آمدند ایران و درخواست ملاقات با شما دارند. می دانید شهید بهشتی چه کاری کردند؟ گفتند به ایشان سلام مرا برسانید و بگویید تا فردا صبر کنند. امروز جمعه است و در خدمت خانواده ام و الآن دارم برای بچه هایم دیکته می گویم!

آقای بهشتی! یک مقام سیاسی بلندبالای یک کشور آمده با شما ملاقات کند شما می خواهید برای بچه ها دیکته بگویید؟ بله ما روابط بین انسان ها را از سیدالشهدا یاد گرفتیم و بر همین اساس خانواده برای ما بسیار مهم است.

### برادر و داداشی

روابط بین انسان ها در کربلا موج می زد. رابطه برادری را نگاه کنید چه رابطه ای بین حضرت عباس و خود سیدالشهدا هست چه عشق بازی بین این دو تا برادر وجود داشت.

### پدر و پسری

یک نمونه دیگر از روابط بین انسان ها در کربلا قطعاً رابطه حضرت سیدالشهدا با پسر ارشد خودشان علی اکبر می باشد. اوج این رابطه زمانی مشخص می شود که علی اکبر می خواستند اذن میدان بگیرند. اجازه گرفت در حال رفتن به میدان بود که ابی عبدالله صدا زدند و فرمودند: عزیز دلم! می شود قبل از رفتن، چند قدمی جلوی من راه بروی می خواهم عاشقانه

۱. غلامعلی رجایی، سیره شهید دکتر بهشتی، نشر شاهد، ص ۷۰، به نقل از: حسن نجفی.



تورا تماشا کنم. وقتی صدای علی اکبر آمد که زمین افتاد، امام دیگر طاقت نداشتند. ابی عبدالله هرطوری بود، خودشان را بالای سر علی اکبر رساندند. یک دفعه وقتی صحنه پیکر ارباب‌رای علی اکبر را دیدند، پاهای شان طاقت نیاورد و افتادند روی زمین و با زانوها شروع کردند به سمت علی اکبر رفتن در حالی که دشمن داشت هلهله می‌کرد.

### بادشمن نیز

در دستگاه سیدالشهدا رابطه بین انسان‌ها، خیلی مهم است به قدری که حتی با دشمن خودش این رابطه را حفظ کرد. وقتی لشکر خُر، جلوی کاروان سیدالشهدا را گرفت، اولین کاری که ابی‌عبدالله کردند، می‌دانی چه بود؟ دستور دادند اسب‌های شان را سیراب کنید و به آن‌ها آب بدهید. سیدالشهدا حتی با دشمن خودش هم با مهربانی و لطافت برخورد می‌کند، چون مدیریت همگانی مسئولانه دارد. در گودال قتلگاه وقتی آن ملعون روی سینه سیدالشهدا نشست و می‌خواست سراز تن ارباب ما جدا کند آقا آنجا با مهربانی باز هم می‌فرمایند می‌شود تو این کار را انجام ندهی؛ دلم برایت می‌سوزد. خودت را بدبخت نکن، اجازه بده کس دیگری این کار را انجام دهد تو انجام نده. دستگیری از شمر، آن هم در گودال قتلگاه! وقتی این‌ها را می‌شنویم، می‌بینیم که شهدای ما چقدر الگو گرفته بودند از سیدالشهدا.

شهید عباس دوران به او ماموریت می‌دهند و می‌گویند باید فلان منطقه را بمباران کنی. خب یکی از اصول بمباران استفاده از اصل غافلگیری است. اگر طرف مقابل آماده باشد که مقابله می‌کند و در نتیجه به هدفی که داشتید نخواهید رسید. وقتی بالای آن منقطه رسید متوجه شد که اینجا چند عدد خانه مسکونی هم وجود دارد با خود گفت من اگر اینجا را بمباران کنم، خانواده این افراد چه گناهی مرتکب شده‌اند، لذا چند بار بالای سر آن منطقه با ارتفاع پایین پرواز کرد تا با صدای هواپیما مردم متوجه بشوند و فرار کنند و بعد منطقه را بمباران کردند. دلیل این کار شهید دوران این است که به امام خودش یعنی سیدالشهدا اقتدا کرده است.



### چون دلمان می‌سوزد

ما نیز باید همین کار را انجام دهیم و تمام جامعه باید برای ما مهم باشد و آن‌ها را خانواده خودمان بدانیم اصلاً ما امر به معروف یا نهی از منکر می‌کنیم، چون افراد جامعه را دوست داریم و دلمان برای آن‌ها می‌سوزد شما نیز باید امر به معروف یا نهی از منکر کنید چون جامعه برای تان مهم است. اگر با این نگاه امر به معروف کنیم دیگر طرف مقابل ما نیز از ما بدش نمی‌آید، چون با دلسوزی این کار را انجام می‌دهیم. شما اگر الآن برادر یا خواهر خودت کار اشتباهی را انجام بدهد به او تذکر نمی‌دهید؟ حالا که می‌گویید، چطوری تذکر می‌دهید؟ با دلسوزی یا بدون دلسوزی؟ در باب امر به معروف و نهی از منکر هم اسلام، همین دستور را می‌دهد. به فلانی می‌گوییم باید حجاب داشته باشید چون دلمان برایت می‌سوزد که خدایی نکرده در زندگی دنیایی و آخرتی دچار مشکل نشوی و یا به طرف می‌گویید نگاه حرام نداشته باش. چرا می‌گوییم چون دلمان برایش می‌سوزد که اگر این کار را ادامه بدهی در زندگی آینده حتماً به مشکل خواهی خورد.

### شهید صلح جهانی

اجازه بدهید از یک شهید دیگر نام ببریم که اصلاً ایشان شهید روابط بین انسان‌هاست شهید صلح جهانی است آنقدر روحش بزرگ بود که دلش برای همه دنیا می‌سوخت؛ نه فقط جامعه خودش. دلش برای همه دنیا می‌سوخت. حاج قاسم سلیمانی عزیز این ویژگی را داشت آن قدر دلسوز بود که می‌رفت کیلومترها آن طرف‌تر از کشور و محله و شهر خودش می‌جنگید. برای اینکه مردم آنجا را نجات بدهد به همین دلیل است که حاج قاسم وقتی به منزل یکی از شهدای مدافع حرم رفته بود تا به خانواده شهید و فرزندان شهید سر بزند، آن قدر به دختر مدافع حرم محبت کرد که دختر تعریف می‌کند که وقتی خبر شهادت حاجی را شنیدم انگار دوباره یتیم شده‌ام.

### پدر و دختری

رابطه بین انسان‌ها در دستگاه ابی‌عبدالله این قدر مهم هست که حتی در



خرابهٔ شام که نازدانهٔ ارباب، بابا را صدا کرد، ارباب با سر بریده آمد کمک دختر خودش.

صحبت از یک دختر شهید شد اما یک دختر شهید دیگر برای تان اسم ببرم که کسی به او محبت نکرد. از سه ساله ابی عبدالله برای تان بگویم. سه ساله ای که در خرابهٔ شام وقتی بابای خودش را صدا می زد، یک دفعه دید یک طبق برایش آوردند، اول فکر کرد غذا است. طعام برایش آوردند گفت من می گویم بابا می خواهیم، شما غذا می آورید اما وقتی روپوش طبق را کنار زد، یک دفعه چشمش افتاد به چشم های بابا، فهمید چی شده است. شروع کرد با سر بابا صحبت کردن. نوازشش می کرد. با او حرف می زد.

«یا اَبْتَاهُ، مَنْ ذَا الَّذِي خَضَبَكَ بِدِمَائِكَ»

(پدرجان، کی صورت منورت را غرق خون ساخته؟)

«یا اَبْتَاهُ، مَنْ ذَا الَّذِي قَطَعَ وَرِيدِيكَ!»

(پدرجان، چه کسی رگ های گردنت را بریده است؟)

«یا اَبْتَاهُ، مَنْ ذَا الَّذِي اَيْتَمَنِي عَلَى صِغَرِي سَيِّئِي»

(پدرجان، کدام ظالم مرا در کودکی یتیم کرده است؟)<sup>۱</sup>

دیشب گلت از روی ناقه بر زمین خورد  
انگار که در کوچه ها مادر زمین خورد  
از زخم های صورتم بابا گمانم  
فهمیده ای که دخترت با سر زمین خورد

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

اللعنة الله على القوم الظالمين

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیقین بلند صلوات بفرست

اللهم صلِّ على محمد و آل محمد و عجل فرجهم



## جلسه پنجم

تاپای جان (هزینه کردن  
برای رفیق در تمامی حالات)



## دست رفاقت

تو این چند روزی که خدمتتان بودیم، در مورد رفاقت با امام حسین علیه السلام صحبت کردیم. گفتیم امام حسین علیه السلام دست دوستی و رفاقت خود را به سمت ما دراز کرده‌اند و ما هم این دست را پذیرفته‌ایم. دست رفاقت دادیم با ابی‌عبدالله علیه السلام، گفتیم رفاقت یک ویژگی‌هایی دارد، باید به ندای رفیق خود جواب بدهیم، گفتیم رفاقت حس مسئولیت می‌آورد. حس مسئولیت تنها به کار ما نمی‌آید، حس مسئولیتی که در آن کار جمعی نباشد به خطا می‌رود، در مورد قواعد کار جمعی حرف زدیم و گفتیم که باید با همدیگر بتوانیم کار جمعی انجام بدهیم.

## برایش هزینه کن

اما امروز در مورد مطلب مهم دیگری قرار است صحبت کنیم. در مورد مطلبی می‌خواهیم صحبت کنیم که از اصول مهم رفاقت هست. اگر شما از هر کسی سؤال کنید که مهم‌ترین ویژگی رفاقت چه چیزی هست؟ حتماً همین مطلبی که امشب می‌خواهیم در مورد آن صحبت کنیم را می‌گوید. همه این حرفی که امروز می‌خواهم بزنم را در همین یک جمله خلاصه می‌کنم و می‌زنم؛ بچه‌ها تا می‌توانید برای رفیقان مایه بگذارید.

رفاقت بدون هزینه فایده‌ای ندارد. اگر یک نفر دوست شما باشد، ولی در مواقع سختی همراه شما نباشد، آیا شما می‌توانید روی رفاقت و دوستی این فرد حساب کنید؟ همین حرف در مورد خود ما هم صادق هست، به قول معروف «عاشق بند کیفیتم تا پول داری، رفیقتم» که قشنگ نیست. اصلاً رفیقی که برای رفیقش هزینه نکند رفیق نیست، در روزهای سختی و نداری، کمک حال رفیقت نباشی، که عین نارفیقی است. مثلاً اگر رفیقت پول ندارد و تو کمکش نکنی، این عین نامردی و نارفیقی نیست؟ یکی از دوستانت یک جایی گرفتار شده و تو می‌توانی کمکش کنی ولی کمک نکنی این عین بی‌معرفتی و نارفاقتی نیست؟

### همه جوره

بچه‌ها برای رفیق‌تان همه جوره مایه بگذارید. از هر لحاظی که می‌توانید و با تمام توان این کار را انجام دهید. مثلاً اگر نیاز به زمان دارد، وقت برایش صرف کنید، پای درد و دلش بنشینید. اگر مشکل مالی برایش پیش آمد، می‌توانید به او پول قرض بدهید و کمکش کنید. اگر یک مشکل مالی برایش پیش آمد برطرفش کنید.

اگر می‌توانی با آبروی خودت برای رفیقت مایه بگذاری، حتماً این کار را انجام بده. شاید با یک پادرمیانی بتوانی مشکل دوستت را حل کنی و این کار را نکردی مصداق بارز نامرد هستی.

هزینه‌کردن و خرج‌کردن و مایه‌گذاشتن برای رفیق هم به شکل‌های مختلفی انجام می‌شود.

### خرج کرد مالی

اولین نوع هزینه‌کردن برای رفیق، خرج‌کردن و هزینه‌کردن مالی است.

رسول خوبی‌ها و مهربانی‌ها فرمودند: «مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ مِنْ مَالِهِ، وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا»<sup>۱</sup>.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۷.



هرکس فقیر را در مال خود شریک گرداند و با مردم به انصاف رفتار کند، او مؤمن حقیقی است.)

یعنی ایمان در گرو رسیدگی به فقرا و انصاف است. یعنی در زندگی روزمره خود به سادگی از کنار مشکلات دیگران عبور نکنیم.

اگر شخصی پول لازم دارد، کمکش کنیم. اگر رفیقی داریم که نیاز به قرض دارد، به او قرض بدهیم.

اگر دوست و رفیق ما در خرید برخی وسایل مثل جزوه و لباس و کتاب مشکل دارد در حد توان می‌توانیم برای او تهیه کنیم.

### خرج‌کرد عملی

دومین نوع هزینه‌کردن برای رفیق، خرج‌کرد عملی است.

از ولی نعمت ما ایرانی‌ها، حضرت امام‌الرئوف علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام روایت است: «إِنَّ اللَّهَ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعُونَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ، هُمْ الْأَمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُرُورًا فَفَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> (خداوند بر روی زمین، بندگانی دارد که در رفع نیازهای مردم می‌کوشند. آنان روز قیامت ایمن و آسوده‌اند. هرکس که بر مؤمنی شادی ببخشد و دل او را خوش‌حال کند، خداوند در روز قیامت، قلب او را شادمان خواهد ساخت).

واقعاً خوشابه‌حال چنین افرادی که این قدر بابرکت هستند. بعضی‌ها هستند که وجودشان کلاً بی‌برکت است؛ نه فکری به حال دیگران می‌کنند و نه قدمی در راه دیگران برمی‌دارند و نه مردم امیدي به خیر و احسان آنان دارند. اینان به راستی که محروم واقعی‌اند، هم از محبت و صفای مردم و هم از پاداش فراوان خدا.

رفیق، نه تنها نباید گره در کار رفیق بیندازد؛ بلکه گره را باید فوراً باز کند و به افراد معمولی و اشخاصی هم که به او مراجعه می‌کنند، در حد توان رسیدگی کند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۹۷.



مرحوم آخوند خراسانی رضی الله عنه یکی از علمای بزرگ جهان اسلام است. ایشان را دیدند که نیمه شب، چراغ به دست، در کوچه‌های تاریک و ترسناک نجف می‌رود. گفتند: «آقا کجا می‌روید؟» گفت: «زن همسایه ما را درد زایمان گرفته است و کسی نیست دنبال ماما برود. شوهر او غریب است و ممکن است ماما دنبال او نیاید. زن من هم نیمه شب نمی‌تواند برود. لذا من دارم می‌روم او را بیاورم»<sup>۱</sup>.

### خرج کرد آبرویی

سومین نوع هزینه کردن برای رفیق، خرج کرد و هزینه کردن آبرویی است. خدمت به دیگران، تنها به خرج مال و کمک به معیشت و وضع اقتصادی آنان نیست. حتی واسطه شدن برای حل مشکل، راهنمایی برای رسیدن به مقصود، برخورد خوب و شایسته با آن‌ها، اهتمام و تصمیم‌داشتن به خیررسانی به مردم، شادکردن غمگینان و غم‌زدایی از چهره‌های پریشان و دل‌های داغ‌دیده و محزون، همه و همه نوعی خدمت است و پاداش دارد. گاهی مایه گذاشتن برای رفیق به آبرو گذاشتن است.

همسر شهید حسن تهرانی مقدم تعریف می‌کند:

«در بخشیدن، به کم راضی نمی‌شد. حاجی، «نمایندگی مجاز حاتم‌طایی» در قرن بیست و یکم بود! شب‌ها که خسته و دیر به خانه برمی‌گشت، همیشه یکی دو تا مشتری جلوی خانه‌اش برای گفتن مشکلات و کمک‌گرفتن ایستاده بودند. آن‌ها را که می‌توانست، خودش می‌داد و آن‌ها که از توانش خارج بودند، به افراد خیر دیگر معرفی می‌کرد. کسی دست‌خالی از در خانه‌اش برنمی‌گشت. حتی اگر کسی نمی‌آمد و چیزی هم نمی‌گفت، حاجی برای کمک سرش درد می‌کرد. یکی از دوستان ایشان می‌گوید که هر

۱. «داستان صاحب کفایه و زن همسایه‌ای که درد زایمان گرفته بود»، خبرگزاری رسمی حوزه، دسترسی



موقع با شهید تهرانی مقدم بودم و مستضعفی از ایشان درخواست کمکی می‌کرد، ایشان دستش را که به جیب می‌برد، هرچه داشت، به او عطامی‌کرد»<sup>۱</sup>.

### خرج‌کرد جانی (ایثار)

چهارمین نوع هزینه‌کردن برای رفیق، خرج‌کرد و هزینه‌کردن جانی است. این همان ایثار است.

الگوی واقعی شهدا، حضرت قمر منیر بنی‌هاشم، ابوالفضل العباس علیه السلام بود. عباسی که همه چیز خود، حتی جانش را وقف دوست و رفیق و البته امام خود یعنی اباعبدالله علیه السلام کرد.

حضرت عباس علیه السلام غم‌گسار و غم‌خوار حسین علیه السلام است. عباس علیه السلام جان‌نثار برادر است، نگهبان خیمه‌های حسین علیه السلام است. با جان خودش از حسین علیه السلام و فرزندان او محافظت می‌کند. نوشتند تا زمانی که عباس علیه السلام محافظ و نگهبان خیمه‌ها بوده، کسی جرئت نزدیک شدن به خیام رانداشته است!

چه زیباست درددل باقمر بنی‌هاشم علیه السلام از زبان اباعبدالله علیه السلام

تا تو بودی خیمه‌ها آرام بود  
دشمنم در کربلا ناکام بود  
تا تو بودی من پناهی داشتم  
با وجود تو سپاهی داشتم  
تا تو بودی چهره‌ای نیلی نشد  
دست‌ها آماده‌سیلی نشد

شادی دل حضرت عباس علیه السلام بلند صلوات بفرستید

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۱. «اصول حاکم بر جامعه قرآنی، خدمت به مردم»، سعدا (پایگاه نشر آثار حجت الاسلام راجی)، دسترسی در: <http://soada.ir/sokhanrani/> - اصول - حاکم - بر - جامعه - قرآنی - جلسه - ۱۰ - ۱۸ خرداد ۱۳۹۶.



دوستان من، بالاترین نقطهٔ رفاقت می‌دانید کجاست؟ آنجا که طرف از جانش مایه می‌گذارد، دقیقاً مثل شهدا که از جان خودشان مایه گذاشتند برای رفیقشان. این مایه گذاشتن برای رفیق باعث شد که خدا عاشقشان بشود و وقتی خدا عاشق کسی بشود او را می‌خرد. بعضی از ما فقط در حرف زدن پای رفاقت هستیم. می‌گویید داداش من تا پای جان در کنار تو هستم، اما همین که رفیقش یک مشکلی برایش پیش می‌آید، تنه‌ایش می‌گذارد به نظرم این رسم رفاقت نیست. رسم رفاقت مثل شهادت است که همه‌جوره برای رفقای‌شان مایه گذاشتند. رسم رفاقت مثل همسران جانباز است که یک آدم قطع نخاعی را الآن چهل سال است که پرستاری می‌کند و یک دژه خم به ابرو نمی‌آورد. مایه گذاشتن برای رفیق مثل فرزندان شهادتی است که بی‌بابایی را تحمل کرد اما با خدای خودش رفاقتش را به هم نمی‌زند، دائماً گله نمی‌کند که چرا این طوری چرا آن طوری؟ چرا با من این کار را کردی چرا این بلا سر من آمد! هرگز.

### تمام سال

در این چند جلسه که ما با هم حرف زدیم، باید یاد بگیریم چطوری واسه امامان رفیق باشیم. چطوری با امام رفاقت کنیم. بچه‌ها رفاقت با امام حسین علیه السلام فقط یک دهه محرم نیست! نکند فقط یک دهه رفیق امام حسین علیه السلام باشید بقیهٔ سال رفاقت را به هم بزنید! قرار شد برای رفیقت همیشه مایه بگذاری. این دهه محرم تمام شد، روضه هفتگی یادتان نرود. اگر هفتگی نشد، حتماً ماهانه بیاید در روضه شرکت کنید.

### مثل حسین

وقتی شما با کسی خیلی رفیق هستی و به اصطلاح رفیق صمیمی هستی، به او می‌گویی که جانم را فدات کنم. رفقا ما الآن نمی‌توانیم جان خودمان را فدای رفیق‌مان یعنی سیدالشهدا کنیم، ولی می‌توانیم لاقلاً آرزوی این کار را داشته باشیم. آرزوی شهادت داشته باشیم. شهادت یعنی جانم فدای رفیقم. این آرزوی شهادت برای ما کارها می‌کند و به درد ما می‌خورد. یکی از بزرگان شیعه، از علمای برجسته شیعه از دنیا می‌روند، بعد از چند وقتی



خواب ایشان را می‌بینند، که یک جای خیلی خوش‌آب‌وهوا هستند و پر است از دار و درخت خیلی سرسبز و زیبا. خلاصه وضعش خوب است، از او می‌پرسند چه خبر؟ تعریف کنید که آن طرف چه خبر هست. گفت وقتی من آمدم اینجا در این دنیا، مَلکی آمد و از من سؤال پرسید که چه عملی داری؟ گفتم فلان کتاب را نوشتم. گفتن خدا به شما توانایی نوشتن این کتاب را داده بود و شما هم همین کار را انجام دادی، در واقع وظیفه‌ات بود. چه عملی از خودت داری؟ گفتم اینقدر شاگرد تربیت کردم. اون ملک باز همین جواب را تکرار کرد که وظیفه‌ات بود. باید انجام می‌دادی، اگر انجام نمی‌دادی که عذاب داشتی. هرچیزی من گفتم، ملائک به یک دلیل آن‌را رد کردند، دیگر ناامید شدم و گفتم چیزی دیگر ندارم. آن ملک رو کرد به من گفت تو در دنیا یک آرزو داشتی و آن این بود که در راه سیدالشهدا شهید بشوی. دلت می‌خواست در راه بهترین دوستت شهید شوی، و تمام این نعمت‌هایی که الآن شما مشاهده می‌کنید به دلیل همان دوست داشتن هست.

### از جنس صبر

بچه‌ها اگر از جان مایه نگذاشتیم برای رفیقمان کمترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم، همین آرزوی شهادت است. آرزو کن مثل رفیقت شهید بشوی. درست مثل شهید «آقا مرتضی عطایی» که در سوریه معروف بود به ابوعلی. سرچ کنید در اینترنت و عکس ابوعلی را ببینید. از بچه‌های تیب فاطمیون افغانستانی بود. خانمش تعریف می‌کند می‌گوید:

وقتی خبر شهادت آقا مرتضی را برای ما آوردند تا چند دقیقه من مات‌ومبهوت بودم نمی‌دانستم باید چه بگویم. دنیا روی سرم خراب شده بود. چطوری الآن به بچه‌ها بگویم؟ بدون آقا مرتضی چکار کنم؟ چطور زندگی را بچرخانم؟ بیشتر از اینکه بخواهم اشک بریزم، ماتم‌زده بودم. یک دفعه ناخودآگاه پرسیدم: تیر به کجای بدنش خورده که شهید شد؟ مادر شهید صدرزاده که خبر شهادت را آورده بود گفت: تیر به گلویش اصابت کرده است. به



محض اینکه این جمله را شنیدم، یک دفعه انگار لباسی از جنس صبر تمام بدن من را پوشاند. خدایا حکمت این چه بود. اطرافیانم فهمیدن این آرامش یک دفعه‌ای من را، از من سؤال کردند چه شد به دفعه با این که قاعدتاً وقتی این خبر را شنیدید باید بیشتر بی تاب می شدید ولی یک مرتبه آرام شدید؟ گفتم: دو سه روز قبل از رفتن سفر آخر، به شهید گفتم: آقا مرتضی این دفعه مطمئنم که بروی دیگر بر نمی‌گردد، دیگر من تو را نمی‌بینم، خندید و به من گفت: روز قیامت خجالت می‌کشم که آقای من، رفیق‌م حسین علیه السلام گلویش خونی باشد و من گلویم سالم باشد. وقتی شما خبر دادید که تیر به گلویش خورد، یک دفعه احساس آرامش کردم که مرتضی در آن دنیا شرمندۀ رفیقش نیست، در آن دنیا شرمسار سیدالشهدا نیست!

### گلوئ خونین

اما بچه‌ها این خونی شدن گلو کجا، خونی شدن گلوئ ارباب در کربلا کجا! اینجا با یک تیر ابوعلی شهید شد و از دنیا رفت و شهید شد و به آرزویش رسید اما آن ملعون نامرد وقتی آمد ته گودال قتلگاه روی سینۀ ارباب نشست. «وَالشُّمْرُ جَالِسٌ عَلٰی صَدْرِهِ» هر کاری کرد سر از جلو جدا نشد، بدن را برگرداند و از قفاه سر را جدا کرد. هلال بن نافع می‌گوید: من دیدم شمر دارد از گودال بیرون می‌آید. رو کرد به من گفت کجا داری می‌روی؟ گفتم سپرم را پر آب کردم، برای پسر فاطمه ببرم، آن ملعون گفت دیگر نیازی نیست خودم سیرابش کردم. دیدم دامن عربی خودش را کنار زد و سر عزیز فاطمه در دستانش بود. گفتم نامرد تو که این کار را انجام دادی پس چرا دارد بدنت می‌لزد؟ گفت وقتی داشتم سر را جدا می‌کردم دیدم بین زمین و آسمان یک خانم قد خمیده‌ای صدا می‌زد: بُنّی؛ پسر، پسر، پسر. هر کجا نشستنی بلند ناله بزن: یا حسین.



گذرم تابه در خانهات افتاد حسین  
خانه آبادشدم خانهات آباد حسین

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

اللعنة الله على القوم الظالمين

سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ بلند صلوات بفرست

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



# من از کودکی عاشق

دوست عزیزم سلام!  
با کمک بزرگ‌ترهات این پیک رو حل کن و عکسش رو  
نوی پیام‌رسان " ایتما " به شماره  
برامون  
بفرست تا قرعه‌کشی کنیم. شاید برنده ما تو باشی!

## رفیقم حسین ۱

عزیز دلم! آنکه دوست داری با چند نفر از بچه‌های کلاس  
برای دفاع از دشمنان شهید شدن، آتش بشی، راه‌های  
میرسه رو پیدا کنی و اسم بچه‌های کلاس رو توکی این می‌ری  
شکی رو توکی جاهای خالی بنویس:

۱- ..... ۲- .....  
۳- ..... ۴- .....



دویدم و دویدم  
به کربلا رسیدم

\*\*\*

کنار نهر آبی  
لب‌های تشنه دیدم

\*\*\*

یه باغبون خسته  
بایک دل شکسته

\*\*\*

کنار باغ تشنه  
زانو زده نشسته

\*\*\*

کوچولوی شش ماهه  
که پاک و بی‌گناهه



آگه طاقت بیاره  
عموجونش تو راهه

آهای آهای ستاره  
یه دختر سه ساله

خواب باباش و دیده  
اشک می‌ریزه می‌ناله

امام مظلوم من  
کاشکی کنارت بودم

وقتی تو تنها بودی  
رفیق و یارت بودم



با اسکن این  
کد می‌تونید به  
همه تصاویر  
پیک دسترسی  
داشته باشید



# پشت بوده‌ام

احمد  
علیه السلام  
با ابی‌عبد  
علیه السلام



نوک کربلا،  
بچه کربلا،  
صمراستون



صبح که شد، خورشید از پشت کوه‌ها بالا آمد و یواشکی از آسمان پایین را نگاه کرد. خیلی عجیب بود. آن پایین روی زمین همه چیز یک جور دیگر شده بود. همه جا پُر شده بود از پرچم. پرچم‌های سبز و سیاه و قرمز. پرچم‌های عزاداری. خورشید، آهی کشید و به پرچم‌ها که بباد، تکان‌تکان می‌خوردند نگاه می‌کرد. بادیدن آن‌ها حسابی دلش گرفت. یاد خاطره‌ای قدیمی افتاد. اتفاقی تلخ و غمگین. کربلا، ظهر گرم عاشورا.

خورشید غمگین شد. یک دفعه صورت گرد و طلایی‌اش، پُر از اشک شد. او اشک‌های طلایی‌اش را پاک کرد و همین جور که پایین را نگاه می‌کرد و نور طلایی‌اش را همه جا می‌پاشید، داد زد: سلام محرم. سلام ماه شمشیر. سلام ماه شهادت. سلام سرزمین گرم کربلا. سلام بر شما و امام حسین شهید علیه‌السلام. سلام بر یاران فداکار آن حضرت و سلام بر عزاداران حسینی.



سر سفره بچه های حسین علیهم السلام

طفالن مُسلم

دو تا برادر بودند از بچه های حضرت مُسلم. اسمشون محمد و ابراهیم بود. اونا خیلی باهم رفیق و همدل بودند. دشمنان امام حسین علیه السلام این دو تا داداش رو بعد از یک سال زندانی کردن، خیلی خیلی مظلومانه با هم دیگه به شهادت رسوندند.

به یاد بچه های مظلوم  
حضرت مُسلم علیه السلام  
رنگ آمیزی کن:



رفیق عزیزم!

اون کارهایی رو «سبزی» کن که  
امام حسین علیه السلام «دوست داره»  
اون کارهایی رو «قرمز» کن که  
امام حسین علیه السلام «دوست نداره»



کمک به د



دعوا کردن



ندری د



پرخوری و تک خوری



به کمک مامان و بابات بنویس رفیق خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشه؟

به نظر من رفیق خوب کسی است که ...



A large, vertically oriented rectangular area with horizontal lines, intended for writing the answer to the question above.



یگران



ادن



# رمز از کودکی تا

دوست عزیزم سلام!  
با کمک بزرگ‌ترهات این پیک رو حل کن و عکسش رو  
توی پیام‌رسان "ایتا" به شماره  
برامون  
بفرست تا قرعه‌کشی کنیم. شاید برنده ما تو باشی!

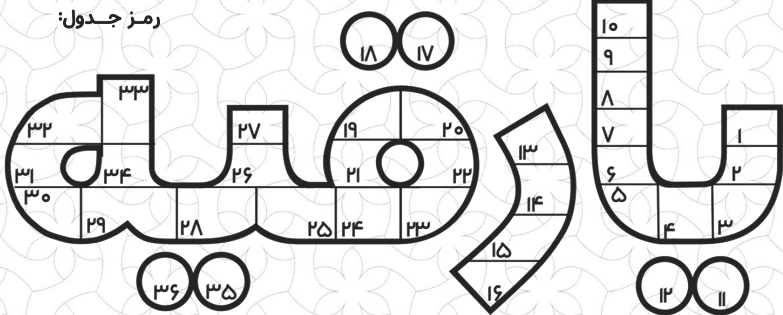
## رقیم حسین ۲

+ سؤالات جدول:

- ۱- نام دیگر کربلا؟ (۲۰ - ۱۹ - ۲۲ - ۲۷ - ۳۳)
- ۲- شهر شام در این کشور قرار دارد؟ (۱ - ۲۴ - ۱۰ - ۴ - ۱۷)
- ۳- اسباب بازی دخترهای کوچک؟ (۲ - ۲۳ - ۹ - ۱۴ - ۱۸)
- ۴- ..... آب داد. (۳ - ۲۸ - ۷ - ۱۳)
- ۵- شهری که حرم حضرت رقیه در آنجاست؟ (۵ - ۱۶ - ۲۱ - ۲۹)
- ۶- کسی که دستور به شهادت امام حسین داد؟ (۱۲ - ۳۲ - ۳۶ - ۲۵)
- ۷- رودخانه ای در دشت کربلا؟ (۶ - ۱۵ - ۱۱ - ۸)
- ۸- جایی که خانه های خراب دارد؟ (۲۶ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۴ - ۳۵)

دوست خوبم! برای پیدا کردن رمز جدول، خونه‌های جدول رو از اول چهارتا، چهارتا بشمار و حروف اون‌ها رو یادداشت کن. رمز جدول از کارهای خوبیه که امام علی علیه السلام درباره‌ش فرمودن: «یکی از بهترین کارهای خوب، احسان و لطف نسبت به یتیمان است.»

رمز جدول:



# احسین قربانت علیما السلام

## شفت بوده‌ها

عمه ییائمه شده پیدا شده  
کنج خرابه شب یلدا شده

\*\*\*

مژده که بازار سفر آمده  
شام رقیبه به سفر آمده

\*\*\*

پدر خدای سر نورانیت  
سنگ جفا که زد به پیتانیت

\*\*\*

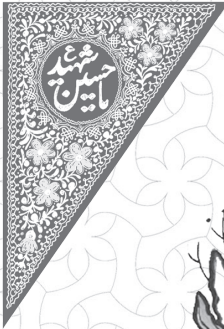
بس که تویدم عقب قاضه  
پای من آر زده شد از آبله



یه دفتی رو خاک و پروونه تشسته  
رفته تو فکر باباشو چشماشو بسته  
از بس که گریه کرده اون . صداش گرفته  
دلش برای دیدن باباش گرفته  
گفته به بچه ها که بابام برمی کرده  
فقط می خواد باباش بیاد دورش بگیرده

یکی  
«

دوست عزیزم



+ با اون دل پاک و قشنگت، بعد از رنگ آمیزی تصویر بالا، توی چند خط بگو  
حاضری به خاطر حضرت رقیه سلام الله علیها چه کمکی به دخترای شهیدای  
مدافع حرم کنی؟!

بسم سفره بچه ها

۳ ساله  
حضرت  
رقیه هـ  
پدرش،  
به اسبی  
خرابه هـ



با عشق و ارادت به سه ساله کربلا، یه نقاشی از فعالیت دسته جمعی توی مسجد یا هیئت محلرتون بکش:



ی حسین علیهم السلام

کربلا

رفیقہ دختر چہارم امام حسین علیہما السلام بود. م با خانوادہ، در کربلا حضور داشت. بعد از شہادت بہ ہمراہ دیگر زنان بنی ہاشم، توسط سپاہ یزید، ری رفت. رفیقہ، پس از تحمل رنجہای فراوان، در ای شام، بہ شہادت رسید.

# من از کودکی

دوست عزیزم سلام!  
با کمک بزرگ‌ترهات این پیک رو حل کن و عکسش رو  
نوی پیامرسان "اینا" به شماره  
برامون  
بفرست تا قرعه‌کشی کنیم. شاید برنده ما تو باشی!

## رفیقم حسین ۳

ای عموجان من یتیمی خسته‌ام  
طائری پربسته، دل بشکسته‌ام

\*\*\*

مادرم با مهر تو پرورده است

شیر، با عشق تو بر من داده است

\*\*\*

خواست او تا کربلایی‌ام کند

در منای تو خدایی‌ام کند

۱. کوچک‌ترین شهید کربلا، حضرت علی‌اصغر علیه‌السلام است.

۲. امام باقر علیه‌السلام در سرزمین کربلا، تقریباً ۴ سال داشته اند.

۳. حضرت رقیه سلام الله علیها در خرابه‌های شام به شهادت رسید.

۴. عبدالله و قاسم دو برادر از فرزندان امام حسن مجتبی علیه‌السلام هستند.

۵. امام حسین علیه‌السلام عاشق نمازخواندن بودند و در کربلا هم نمازجماعت خواندند.

۶. حضرت علی‌اصغر روی سینه امام حسین علیهما السلام به خاک سپرده شده است.

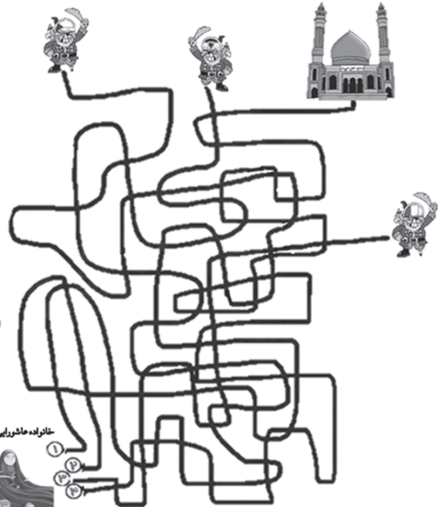
این خانواده رو

با دقت به حسینه برسون.

توی راه مراقب دشمنان اهل بیت (ع)

که به دنبال تهبانی ما

هستند، باش.

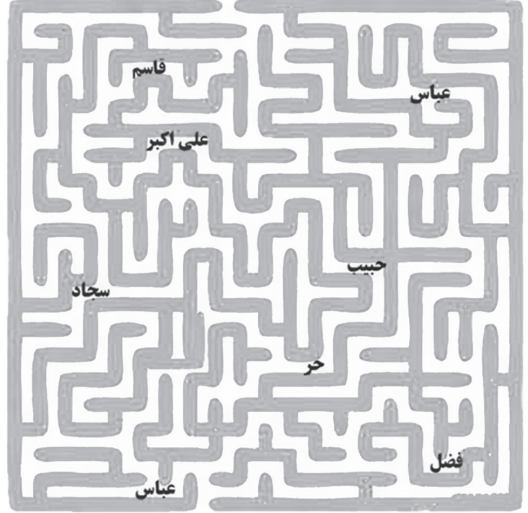


عکس: مادرری

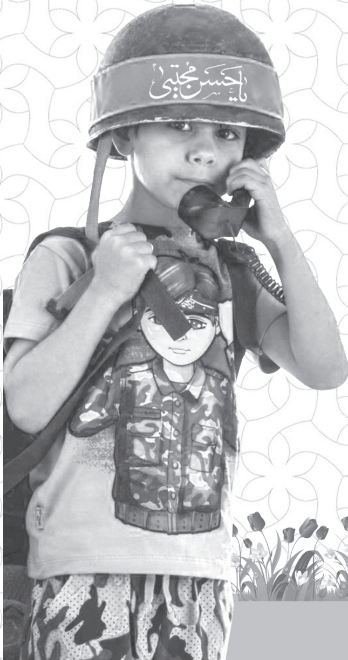


# عاشقیت بوده‌ام

قبل از شهادت امام حسین علیه‌السلام چندین نفر از یارانشان به شهادت رسیدند تا از ایشان دفاع کنند. با پیمودن مسیر درست، نام آنان را پیدا کن و دور آن خط بکش:



# عبدالحسین



سر سفره بچه های حسن علیهم السلام

عبدالله ابن حسن علیهما السلام

او دومین پسر امام حسن مجتبی علیه السلام در کربلاست. عبدالله، عاشق کمک کردن به دیگران مخصوصاً امام زمان خودش بود. روز عاشورا، وقتی تنهایی امامش را دید، برای کمک به او سریع وارد میدان شد. دشمنان نامرده او را در آغوش امام حسین علیه السلام به شهادت رساندند.

با عشق

رنگ آمیزی کن:

به یکدیگر کمک کنید در انجام کارهای نیک و پرهیز کاری

سوره مائده آیه ۲



سلاطین  
هنگام نوشیدن آب

به نظرت تو کی معلم با کمک دوستانت

می توانی به امام حسین علیه السلام

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-





از نذری دادن بچه‌ها، یه نقاشی بکش



ن

نگویم

عزیز، چه طوری

کلمت کنیم؟



# من از کودکی عاشق

دوست عزیزم سلام!  
با کمک بزرگ‌ترهات این پیک رو حل کن و عکسش رو  
توی پیام‌رسان "ایتا" به شماره  
برامون  
بفرست تا قرعه‌کشی کنیم. شاید برنده ما تو باشی!

## رفیقم حسین ۴

سر سفره بچه‌های حسین علیهم السلام



یه قهرمان کوچک

که توی کربلا بود

اسمش علی اصغر

نور دل بابا بود

اصغر شش ماهه رو

بال تشنه گشتن

دشمنای خداوند

که خشم و کینه داشتن

به روی دست بابا

کودک او فدا شد

سرباز کوچک ما

شهادت کربلا شد



# توت بوده‌ام



حضرت

علی اصغر علیه السلام

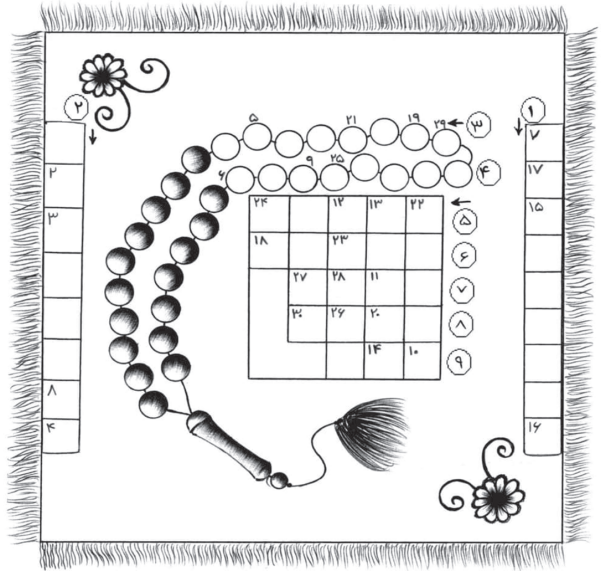
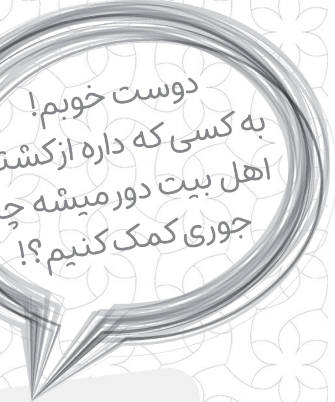
فرزند خیلی کوچک و دوست داشتنی امام حسین علیه السلام و کوچک‌ترین شهید کربلا بودند.

دشمن، وقتی حضرت امام حسین علیه السلام و خانواده ایشان رو در زمین کربلا محاصره کردند و به آن‌ها اجازه آب خوردن ندادند، فرزند شش ماهه امام حسین علیه السلام در آن آفتاب سوزان آب می‌خواست و گریه می‌کرد.

امام حسین علیه السلام فرزند خودشون رو از خیمه بیرون آوردند و از دشمن برای این کودک آب خواستند؛ اما دشمن بدجنس و ظالم، علی اصغر کوچولو رو با تیری که سه شعبه بود، یعنی سه سر بوده، به شهادت رسوند.

دوست عزیزم؛ این داستان رو حفظ کن و برای والدینت بخون و ازشون امتیاز بگیر: عالی خوب





**+ سوالات جدول:**

۱. از القاب امام حسین علیه السلام به معنی سرور شهیدان
۲. نام مادر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام
۳. روز میلاد حضرت امام حسین علیه السلام
۴. نام اسب حضرت امام حسین علیه السلام
۵. شصت و چهارمین سوره قرآن به معنای حسرت
۶. به معنای بلا
۷. نام رودی که از سرزمین کربلا می‌گذرد
۸. یکی از فروع دین که همواره در کنار نماز می‌آید
۹. اربعین، چند روز بعد از شهادت امام حسین علیه السلام است؟

👈 رمز جدول: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: .....





# من از کودکی

دوست عزیزم سلام!  
 یا کمک بزرگ ترهات این پیک رو حل کن و عکسش رو  
 توی پیام رسان " اینا " به شماره  
 برامون  
 بفرست تا قرعه کشی کنیم. شاید برنده ما تو باشی!

## رفیقم حسین ۵



ای اهل حرم، میر و علمدار نیامد  
 علمدار نیامد، علمدار نیامد

\*\*\*

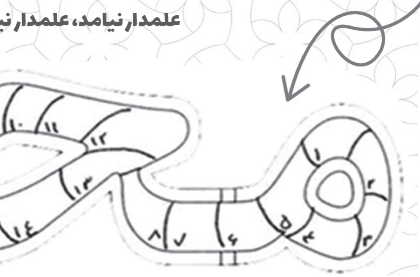
سقای حسین، سید و سالار نیامد  
 علمدار نیامد، علمدار نیامد

\*\*\*

این قافله را قافله سالار نیامد  
 علمدار نیامد، علمدار نیامد

\*\*\*

صد حیف که آن یار وفادار  
 علمدار نیامد، علمدار نیامد



عسکری  
 امیری حسین و نعم الا



۱. نام دیگر کربلا؟ (۹۱، ۷، ۲، ۷)
۲. کاری که هفتاد ثواب دارد؟ (۱۶، ۱۵، ۲۳، ۲۴)
۳. آزاده و جوانمرد، نام یکی از شهدای کربلا؟ (۸، ۳۱)
۴. نسبت حضرت عباس با امام حسین؟ (۲۵، ۱۲، ۱۸، ۱، ۰، ۶)
۵. خدای پی‌نیا؟ (۳، ۰، ۴، ۱۹)
۶. شهر خون و قیام؟ (۱، ۳، ۱)
۷. مجسمه پرستیدنی؟ (۲۸، ۲۱)
۸. عشوی که با آن راه می‌رویم؟ (۲، ۰، ۱، ۴)
۹. .... نام تو بهترین سرآقا؟ (۲، ۲، ۷)
۱۰. حرف نداء؟ (۲، ۹، ۵)
۱۱. تکرار آخرین حرف القبا؟ (۲۶، ۲۲)

رمز: حرف اول جدول (ق) را بنویسید و چهارتا  
 زیبای امام حسین (علیه السلام) را بدس

امام حسین (علیه السلام)



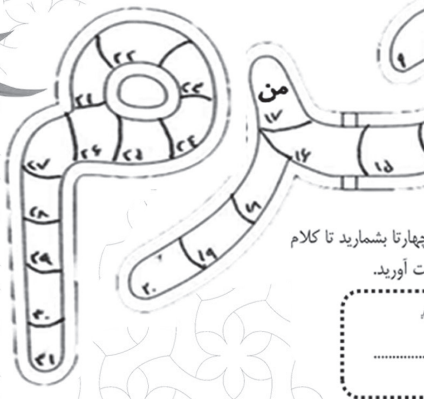
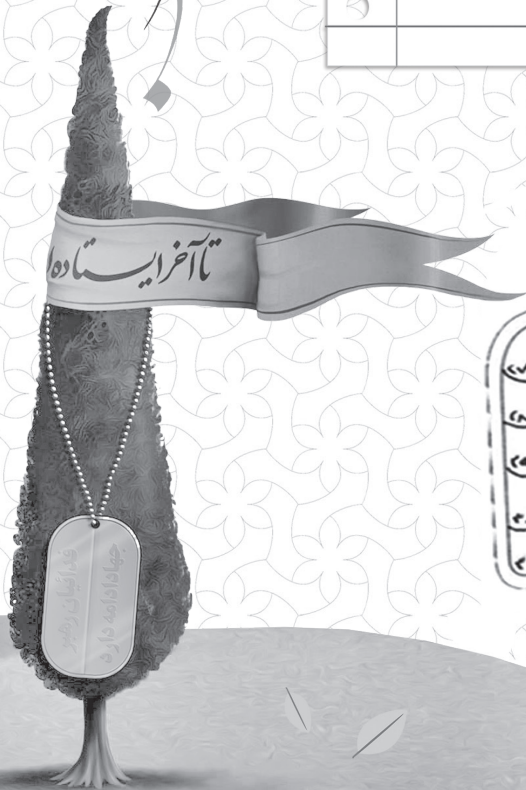
# عاشقت بوده‌ام

# حسین

این روزها غم تو مرا می‌کشد حسین  
شبی‌های مالم تو مرا می‌کشد حسین

تا آن دمی که منتقم تو نیامده ست  
برخی پرچم تو مرا می‌کشد حسین

	قوله میدی برای آشنا کردن دوستات با امام حسین چه کارهایی انجام میدی؟



چهارتا بشمارید تا کلام  
ت آورید.

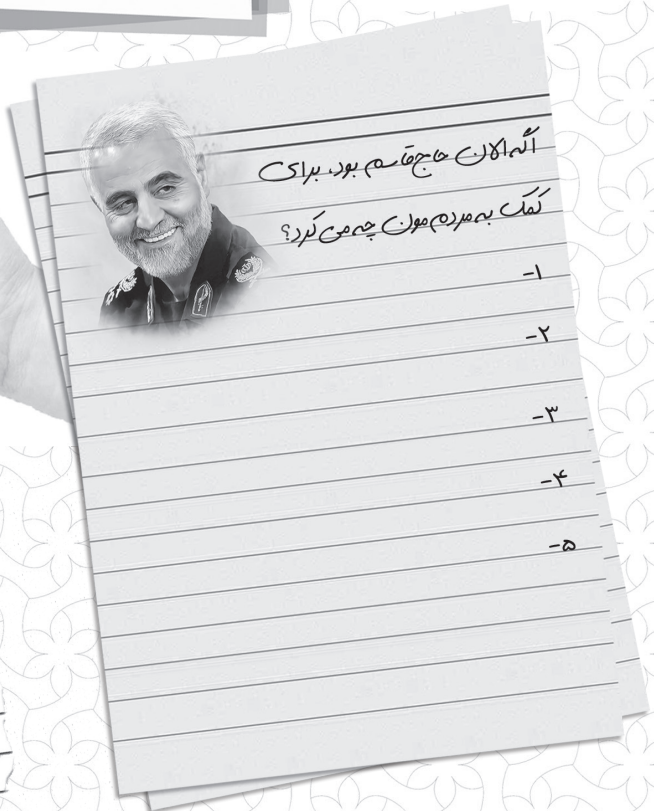
.....

نیامد  
آمد

سر سفرہ بچہ های حسین علیہم السلام

قاسم ابن الحسن علیہما السلام

قاسم ابن الحسن، اولین پسر امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام در کربلاست. قاسم، عاشق یاری کردن امام خودش بود. شب عاشورا به امام حسین علیہ السلام گفت: شهادت برای من از غسل شیرین تر است. عصر عاشورا، وقتی تنهایی امام حسین علیہ السلام رو دید، سریع پیش امام اومد و اجازه میدان گرفت و بعد از جنگیدن، به آرزوش که شهادت بود، رسید.



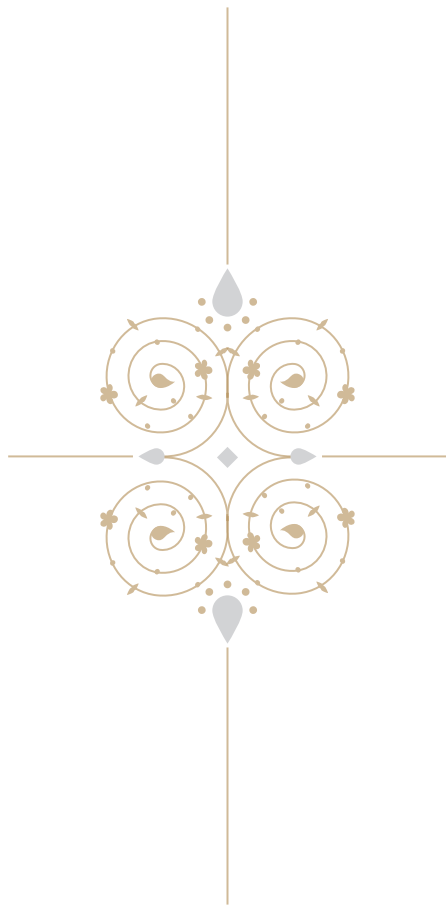
اول تصویر پایین رو رنگ آمیزی کن  
و بعدش با کمک والدین، براش یه داستان بنویس







کتب منتشر شده  
در این مجموعه





مخاطب: کودک و نوجوان  
سال تولید: ۱۳۹۹  
نوع محتوا: طرح درس کودک و نوجوان  
موضوعات مرتبط: جمعیت، تربیت فرزند، پیوندهای اجتماعی

کاری از گروه تولید محتوای غیور مردان ایران زمین

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● نسل حسینی

آشنایی کودکان و نوجوانان با مفاهیم عمیق عاشورا

دوران نوجوانی، دورانی است که شخص علاقه زیادی به شرکت در گروه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی دارد و به نوعی در صدد است تا شخصیت اجتماعی خود را شکل دهد.

«طرح درس نسل حسینی» با الهام از معارف عاشورایی و حسینی به نوجوانان یاد می‌دهد که چگونه در اجتماع به فعالیت بپردازند و در قبال دیگران مسئولیت‌پذیر باشند و با دیگران به خوبی همکاری و همدلی کنند.

## ● عناوین جلسات

درس اول: شیرینی کنار هم بودن!

درس دوم: به من همکاری بده!

درس سوم: دختران فرشته‌اند!

درس چهارم: از تنهایی بدم می‌آید!

درس پنجم: با هم قوی‌تریم!

درس ششم: ما همه با هم هستیم!

درس هفتم: به کسی نگو، ولی...!

درس هشتم: کشتی نجات!

درس نهم: فقط به عشق حسین (ع)!

درس دهم: برای ظهور کاری کنیم!

## ● سر سفره بچه‌ها

برکت فرزندآوری

انسان‌ها ذاتاً فرزندخواه‌اند اما ممکن است در اثر تأثیر پذیری از جامعه و وضعیت معیشتی و ترس از فقر در امر فرزندآوری تردید کنند. ما دلایل عقلی و علمی و شرعی زیادی داریم که اثبات می‌کند فرزند برکت الهی است. «کتاب سر سفره بچه‌ها» مجموعه‌ای از سوالات مردم در زمینه فرزندآوری را با زبانی انتقادی مطرح کرده است و با بیانی شیوا، علمی و مردم‌پسند جواب آن را بیان کرده است.

## ● عناوین جلسات

۱. خرج و برج بچه‌ها و جیب ما

۲. تحریم و جنگ و قحطی

۳. گر جان دهد دندان و نان با هم دهد

۴. جامعه کند است آقا زودتر

۵. سری که درد نمی‌کند دستمال چر؟!!

۶. تربیت بهتر شود، وقتی که بچه کم شود

۷. ما خود هنوز اول راه نرفته ایم

۸. بچه داره بیچاره؛ آن هم به مقادیر زیاد

۹. مگر «فرزند کمتر زندگی بهتر» نبود؟!!

۱۰. بچه‌ها مانع رشدش شده‌اند

۱۱. من که کلفت نیستم

۱۲. بچه‌های بیشتر درگیری ما بیشتر

۱۳. اختلافات است در جایی که جمعی جمع شد



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۳۹۹  
نوع محتوا: متن ترویجی  
موضوعات مرتبط: فرزندآوری، جمعیت

کاری از اداره امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی

برای دریافت کتاب اسکن کنید





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۳۹۹  
نوع محتوا: متن ترویجی

کاری از اداره راهبری محتوای تبلیغی  
با همکاری موسسه امیر بیان

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● کتابچه ازدحام تنهایی

### هم‌بستگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

آدم‌ها زیادند؛ اما زیاد تنهاییند. وقتی بیرون خانه‌ایم، چندین برابر اجدادمان آدم می‌بینیم. وقتی هم داخل خانه‌ایم، چندین برابر اجدادمان با دیگران پیام ردوبدل می‌کنیم؛ اما با هیچ‌کس نیستیم. به این‌ها که می‌اندیشیم، چرای بزرگی جنبه می‌اندازد بر ذهن و ضمیرمان. واقعاً چرا؟ چرا من در میان جمع و دلم جای دیگر است؟ چه چیزی سر جایش نیست؟ «کتابچه ازدحام تنهایی» با طرح مسائلی در مورد زندگی فردی و جمعی سعی دارد به گره‌های ذهنی مخاطب در زمینه همبستگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پاسخ دهد.

## ● عناوین جلسات

۱. در تراجم عبادات فردی و عبادات جمعی اولویت با کدام است؟
۲. آرامش واقعی انسان در تنهایی است یا جمع؟
۳. در هنگام خطر، آسیب‌پذیری انسانی که تنها منافع خود را می‌بیند بیشتر است؟ یا کسی که منافع جمعی برایش مهم است؟
۴. راه حل مشکلات ما منفعطلبی فردی است یا همبستگی اجتماعی؟
۵. همدلی چطور از بین می‌رود؟



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۳۹۹  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از اداره راهبری محتوای تبلیغی  
با همکاری موسسه امیر بیان

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● ازدحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها

### چرا حسین علیه‌السلام تنها ماند؟

ما انسان‌ها فطرتاً موجوداتی اجتماعی آفریده شده‌ایم و قدرت و برتری ما در باهم‌بودن است و هرقدر از هم دورتر شویم، ضعیف‌تر خواهیم شد. بر همین اساس، شیاطین جن و انس برای ضربه‌زدن به انسان‌ها همواره به دنبال ایجاد تفرقه و جدایی میان آدمیان بوده‌اند. در نقطهٔ مقابل نیز ایجاد همدلی و هم‌بستگی میان مردم. «کتاب ازدحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها» با قلمی شیوا، اقناعی و احساسی و الهام‌گرفته از عاشورای حسینی به بیان مطالبی در این مورد می‌پردازد.

## ● عناوین جلسات

- مجلس اول: اشک تنهایی
- مجلس دوم: تن‌های آرام
- مجلس سوم: رنج تنهایی
- مجلس چهارم: تنها میان تن‌ها
- مجلس پنجم: همدلی در خطر
- مجلس ششم: شیرین‌ترین شهید
- مجلس هفتم: فرماندهٔ دل‌ها
- مجلس هشتم: اجتماع عزیز
- مجلس نهم: دست‌های هم‌آهنگ
- مجلس دهم: همدلان عاشق
- مجلس یازدهم: همراهان سنگ‌دل





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: ایده

کاری از واحد راهبری محتوای تبلیغی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● کتابچه ایده‌های محتوای امیدآفرین

«ایده‌های محتوای امیدآفرینی»

امید کلید اساسی همه‌ی قه‌است و بدون آن هیچ گامی نمی‌توان برداشت. سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس‌سازی مردم از آینده است. «کتابچه ایده‌ها» ده ایده برتر محتوای تبلیغی امیدآفرین است که توسط ده مجموعه تولید محتوای تبلیغی ارائه شده است. این کتاب سعی دارد ده ایده که می‌تواند با الهام گرفتن از مضامین عالی عاشورایی امید را در دل مخاطب زنده کند. را معرفی کند.

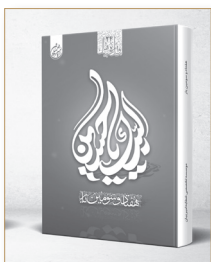
## ● عناوین ایده‌ها

ندای امید؛ زیباترین نوای عاشورا  
هفتاد و سومین یار  
ز جامعه حسینی تا جهان مهدوی  
آبروی دو عالم  
به توان او  
حسین پیروزترین رهبر جهان  
با کاروان عشق در کربلا  
فتنه اعتقادی، مشروطه اقتصادی  
سلام فرمانده  
بایچه‌هایم سر یک سفره!

## ● هفتادوسومین یار

«نقش آفرینی و زمینه‌سازی برای ظهوری»

کربلا، هر سال تکرار می‌شود و حرکت کاروان حسینی تازهور حضرت حجت اروحن‌آده ادامه دارد، ما باید به این کاروان پیوندیم و نقش خود را در این کاروان پیدا کنیم و در عرصه فردی و خانوادگی و اجتماعی نقش آفرینی کنیم. «کتاب هفتادوسومین یار» با قلمی شیوا و تبلیغی و با الهام از معارف عالی عاشورایی حسینی به لزوم نقش آفرینی افراد در دوران قبل از ظهور می‌پردازد و با نگاهی امید آفرینانه حوادث عاشورا را برای مخاطب تحلیل می‌کند.



مخاطب: مسجدی-هیئت  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از معاونت پژوهشی امیر  
بیان قم

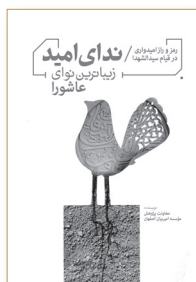
برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● عناوین جلسات

جلسه دهم: سریش به نی نمی‌شد اگر...  
جلسه اول: بوی پیراهن خونین کسی می‌آید  
جلسه دوم: حسین را جدی بگیر  
جلسه سوم: به چشم خدا بیا  
جلسه چهارم: نبرد برای آرامش  
جلسه پنجم: بی‌قرار امامت باش  
جلسه ششم: قوی باش  
جلسه هفتم: جور دیگر باید دید  
جلسه هشتم: چشم انتظار حضور  
جلسه نهم: پیمانۀ پُر ندای امید زیباترین نوای عاشورا  
امید و امیدآفرینی در قیام سیدالشهداء





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از موسسه تخصصی خطابه  
امیر بیان اصفهان

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● ندای امید زیباترین نوای عاشورا

امید و امیدآفرینی در قیام سیدالشهدا

حماسهٔ کربلا به مثابه یک کتاب مقدس است که سوره‌ها و آیه‌هایی دارد و تا قیام قیامت برای هر انسان آزاده‌ای درس آموز است. روح حاکم بر همهٔ این سوره‌ها و آیه‌ها امید و امیدواری است. «کتاب ندای امید، زیباترین ندای عاشورا» با بیان نشانه‌هایی از امید در کربلا به ضرورت و اهمیت امید و امیدواری در جامعه امروز می‌پردازد و مخاطب را به این سمت و سو سوق می‌دهد.

## ● عناوین جلسات

- جلسه اول: اهمیت مسئله امیدواری و جایگاه آن در قیام عاشورا
- جلسه دوم: از گرفتاری تا امیدواری
- جلسه سوم: سبک زندگی حسینی؛ امیدوار زیستن
- جلسه چهارم: حر الکوی امیدواری در وقت اضافه
- جلسه پنجم: امید حسینی و یزیدی
- جلسه ششم: امید کارآمد
- جلسه هفتم: بزرگ‌ترین حربهٔ یزیدیان زمان
- جلسه هشتم: بهترین الگوی امیدواری برای جوانان
- جلسه نهم: مهم‌ترین ویژگی علمداران منجی
- جلسه دهم: نبرد امید و یأس، کربلایی به وسعت تاریخ

## ● فتنه اعتقادی، مشروطه اقتصادی

«تحلیلی از علل «تورم مزمن» در ایران

یکی از عوامل اصلی که امروز اعتقادات مردم را هدف قرار داده است، مشکلات اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران است. «کتاب فتنه اعتقادی، مشروطه اقتصادی» به بررسی علل تورم در ایران پرداخته و از تورم به عنوان مسئله‌ای که مشکلات متعددی را به مردم تحمیل کرده، آسیب‌شناسی جدیدی ارائه می‌دهد؛ سپس با الهام از سیره ائمه معصومین مخصوصاً سید الشهدا برای حل این مشکل راه‌حلی ارائه می‌کند.



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای حسینیّه  
اندیشه

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● عناوین جلسات

- جلسه اول: مشکلات اقتصادی؛ عامل هجمه به اعتقادات ملت ایران
- جلسه دوم: مقابله ملت ایران با فاصله طبقاتی
- جلسه سوم: سیره علوی در برخورد با فاصله طبقاتی
- جلسه چهارم: نقش فرهنگ «جمع‌المال» در شهادت امام حسین
- جلسه پنجم: اخلاقیات رذیله، عامل تحقق فرهنگ «جمع‌المال»
- جلسه ششم: برخورد امیرالمؤمنین با ساختارهای اجتماعی مادی
- جلسه هفتم: تحلیلی جدید از روایت «التَّائِسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا»
- جلسه هشتم: ضرورت هم‌زمانی حجم عظیم تولید با اوج زهد در مصرف
- جلسه نهم: تناسب اوقاف با انگیزه‌های ملت ایران
- جلسه دهم: علت غلبه ابن‌زیاد بر قیام مسلم





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

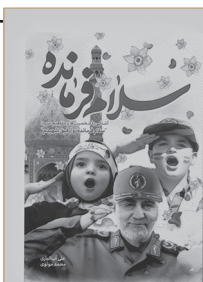
کاری از گروه تولید محتوای گام  
دومی‌ها

## ● از جامعه حسینی تا جهان مهدوی ویژگی‌های جامعه حسینی مقدمه‌ساز ظهور

یکی از تلقی‌های غلطی که از دین اسلام وجود دارد این است که دین اسلام دینی فردی است و به ساحت‌های اجتماعی کاری ندارد در حالی که کاملاً برعکس است و دین اسلام اساساً در وهله‌ی اول اجتماعی است. «کتاب از جامعه حسینی تا جهان مهدوی» با مقایسه انواع جامعه‌ها و بیان ویژگی‌های اجتماعات مختلف به مخاطب می‌فهماند می‌کند که دین اسلام دینی اجتماعی است و قابلیت این را دارد که یک جامعه با اهداف بزرگ، مستقل، مقاوم و قوی را تشکیل می‌دهد.

### ● عناوین جلسات

- جلسه اول: جامعه‌ای با هدف بزرگ، جامعه‌ای با هدف کوچک
- جلسه دوم: جامعه رابطه محور، جامعه ضابطه محور
- جلسه سوم: جامعه اجتماعی، جامعه تنها
- جلسه چهارم: جامعه مستقل، جامعه منفعل
- جلسه پنجم: جامعه مقاوم، جامعه شکننده
- جلسه ششم: جامعه هوشمند، جامعه ساده‌اندیش
- جلسه هفتم: جامعه کلان‌نگر، آینده‌نگر و جامع‌نگر
- جلسه هشتم: جامعه خودباور، جامعه خودتحقیر
- جلسه نهم: جامعه شجاع، جامعه ترسو
- جلسه دهم: جامعه قوی، جامعه ضعیف



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: طرح درس کودک و نوجوان

کاری از گروه تولید محتوای غیورمردان  
ایران زمین  
برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● سلام فرمانده

«آشنایی با شخصیت‌ها و مفاهیم سرود «سلام فرمانده»

سرود «سلام فرمانده»، کار فرهنگی صحیحی بود که با اینکه مختص قشر کودک و نوجوان بود؛ اما تمامی اقشار جامعه را درگیر خود کرد. «کتاب سلام فرمانده» به معرفی شخصیت‌ها و مفاهیم سرود سلام فرمانده با قلمی شیوا و کودکانه می‌پردازد.

### ● عناوین جلسات

- بخش اول: نامه‌ای به امام زمان علیه‌السلام (زندگی‌نامه علی بن مهزیار)
- بخش دوم: مشعل تاریخ (زندگی‌نامه میرزا کوچک‌خان جنگلی)
- بخش سوم: یار سید و سیزدهم (معرفی ۳۱۳ نفر یار امام زمان)
- بخش چهارم: سردار دل‌ها (زندگی‌نامه حاج قاسم سلیمانی)
- بخش پنجم: ثروتمندترین مرد جهان! (زندگی‌نامه آیت‌الله بهجت)
- بخش ششم: می‌خواهم گمنام بمانم! (معرفی مفهوم سرباز گمنام)
- بخش هفتم: یار وفادار! (زندگی‌نامه عمار یاسر)
- بخش هشتم: مرد اهل بیته! (زندگی‌نامه سلمان فارسی)
- بخش نهم: در مسیر امام حسین علیه‌السلام! (زندگی‌نامه علی لندی)
- بخش دهم: لشکر تک‌نفره! (زندگی‌نامه حسین فهمیده)





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

### ● ظلم سکوت

سکوت در برابر ظلم، هم یاری ظالم و هم خوار کردن مظلوم است.

سخنرانی ویژه روز قدس «روایت نامسلمانی سکوت کنندگان در برابر ظلم»

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ تُعَصَّدَ ظَالِمًا، أَوْ تُخَذَّلَ مَلْهُوفًا»

خدایا! به تو پناه می‌بریم از این‌که ظالمی را یاری کنیم، یا ندای دردمند و ستم‌دیده‌ای را بی‌جواب بگذاریم؛ و البته سکوت در برابر ظلم، هم یاری ظالم و هم خوار کردن مظلوم است.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِخَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ»  
خدایا از تو عذر می‌خواهیم، از اینکه در برابر دیدگانمان به مظلومانی ستم شده و ما ایشان را یاری نکردیم.



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

### ● خورشید مقدس

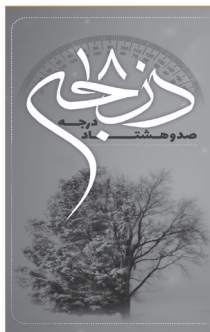
متم سخنرانی ویژه ولادت امام رضا علیه السلام در پاسخ به اهانت به مقام نورانی امام مهربانی

وقتی دشمن مقابل نور علی بن موسی الرضا علیه السلام کم می‌آورد، چه می‌کند؟ می‌خواهد هتک خورشید کند. او نابودی خودش را دیده، دست به انتحار می‌زند، یک روز به ساحت نور عالم امکان یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اهانت می‌کند. نوری که پیغمبر فرمود: «اولین نوری که خدا در این عالم خلق کرد، نور من بود؛ أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ نُورِي» وقتی دشمن، متعرض به وجود نورانی امام رضا علیه السلام می‌شود معلوم می‌شود که کار امام رضا علیه السلام در جهان گرفته است.

کاری از گروه تولید محتوای گام دومی‌ها

برای دریافت کتاب اسکن کنید





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای

کاری از گروه تولید محتوای امیربیان  
(شعبه مرکزی)



برای دریافت کتاب اسکن کنید

## ● سخنرانی چند رسانه‌های ۱۸۰ درجه

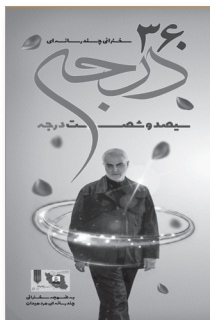
سواد رسانه و مقابله با جنگ رسانه‌ای

یکی از مشکلات اصلی ما در انقلاب اسلامی این است که همیشه روایت اول را از وقایعی که اتفاق می‌افتد برای ما نیست و اگر روایت نکنیم دشمن روایت می‌کند و برای ما مشکلاتی درست می‌کند و باعث شکست ما در جنگ رسانه‌ای می‌شود.

کتاب (۱۸۰ درجه) در قالب یک جلسه سخنرانی پیرامون سواد رسانه، انواع و روش‌های تحریف در فضای مجازی تهیه شده و در پایان هم راهکارهای مقابله با آن نیز بیان شده است.

## ● سخنرانی چند رسانه‌های ۳۶۰ درجه

اتصال به خدا راه‌گشای محاصرات ۳۶۰ درجه در زندگی



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای

کاری از گروه تولید محتوای امیربیان  
(شعبه مرکزی)



برای دریافت کتاب اسکن کنید

وقتی در محاصره ۳۶۰ درجه قرار می‌گیریم باید باور داشته باشیم که تنها نیستیم و خدا و امام زمان در کنار ما هستند؛ باید بدانیم وقتی نگاه حاج قاسم در مقابله با محاصره ۳۶۰ درجه نظامی جواب می‌دهد، در همه محاصره‌های ۳۶۰ درجه‌ای دیگر که در بحران‌ها و امتحانات روزگار به آن‌ها برخورد می‌کنیم نیز جواب می‌دهد. چه این محاصره اقتصادی باشد و چه اجتماعی و آبرویی و حیثیتی و چه جمعیتی و نسل و نیروی انسانی؛ اتصال به خدا و توکل بر خدا راه‌گشا است.



## ● سخنرانی چندرسانه‌ای امید صادق

امید واقع‌بینانه به آینده انقلاب و ایران



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای  
کاری از گروه تولید محتوای  
امیربیربان شهیدان  
برای دریافت کتاب اسکن کنید



رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم فرمودند: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم... اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌هم، اما خود و همه را از نومییدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم... شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی [نامید] باشید؛ در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»  
سخنرانی چند رسانه‌ای «امید صادق» نقاط امیدواری نسبت به انقلاب و آرمان‌های آن را جهت ایجاد امید در مخاطب بیان می‌کند.

## ● سخنرانی چندرسانه‌ای شهید کم‌نظیر

معرفی اسطوره جهاد تبیین «شهید بهشتی»



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای  
کاری از مؤسسه تخصصی خطابه  
امیربیربان اصفهان  
برای دریافت کتاب اسکن کنید



یکی از شاخص‌ترین و بارزترین قربانیان شهدای ترور در زمان معاصر شهید کم‌نظیر، عالم، مجتهد، مبارز و شخصیت خودساخته آیت‌الله شهید دکتر سید محمدحسین بهشتی است. شخصیتی که از حیث علمی و عملی حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و تعابیری که دوست و دشمن در مورد ایشان به کار برده‌اند انصافاً کم‌نظیر است.

البته تلخ‌تر و سخت‌تر از ترور فیزیکی افراد و اشخاص، ترور شخصیت‌ها و واژگونی حقایق است که با توجه به جمله ماندگاری که امام خمینی (ره) در رثای این شهید عزیز فرمودند: «بهشتی مظلوم زبست، مظلوم فرد و خار چشم دشمنان بود» جهت امتثال همه‌جانبه امر امام خامنه‌ای در عرصه جهاد تبیین و جنگ روایت‌ها بر آن شدیم تا گامی هرچند ناچیز در مسیر روایت صحیح برداشته و به از بین بردن مظلومیت این شهید بپردازیم.

این اثر بر محور بیان حرکت شهید بهشتی در عرصه: «بهشتی که بود؟» «بهشتی چه کرد؟» «بهشتی چه شد؟» و در ادامه «در مورد شهید بهشتی و ادامه راه او چه باید بکنیم؟» سازمان‌یافته است.





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب  
کاری از گروه تولید محتوای شهید  
حاج قاسم سلیمانی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● قدرت پنهان «ویژه مخاطب عام»

بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی

ما قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم. ما یک جامعه زنان داریم که به برکت ائمه معصومین علیهم السلام این‌ها دور هم جمع می‌شوند؛ اما چون این ظرفیت و قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم از این ظرفیت بزرگ استفاده خاصی نمی‌شود. این‌ها می‌توانند با هم‌دیگر فضای خانواده و جامعه و شهر را تغییر بدهند.

کتاب «قدرت پنهان» به بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی و تبیین جایگاه زنان ایران اسلامی در سه عرصه: فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است. این محتوای تبلیغی قابل استفاده برای عموم مبلغین است.

## ● عناوین جلسات

مجلس اول: زن میدان

جلسه دوم: اقتدار علوی و عطوفت فاطمی

جلسه سوم: کدام آزادی؟

جلسه چهارم: مادر عاطفه‌ها!

جلسه پنجم: الگویی برای همیشه

## ● قدرت پنهان «ویژه مخاطب خاص»

بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی

ما قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم. ما یک جامعه زنان داریم که به برکت ائمه معصومین علیهم السلام این‌ها دور هم جمع می‌شوند؛ اما چون این ظرفیت و قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم از این ظرفیت بزرگ استفاده خاصی نمی‌شود. این‌ها می‌توانند با هم‌دیگر فضای خانواده و جامعه و شهر را تغییر بدهند.

کتاب «قدرت پنهان» به بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی و تبیین جایگاه زنان ایران اسلامی در سه عرصه: فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است. این محتوای تبلیغی برای مخاطب خاص بوده و برای فضای علمی و نخبگانی قابل استفاده است.

## ● عناوین جلسات

مجلس اول: از «سیده نساء العالمین» تا «رهبری جامعه زنان»

مجلس دوم: رهبری جامعه زنان؛ از «مدیریت عواطف اجتماعی»

در اسلام تا «مردوارگی زن» در غرب

مجلس سوم: از «پرده‌نشینی» تا «مدیریت عواطف اجتماعی»

مجلس چهارم: انقلاب اسلامی و رستاخیز «مدیریت عواطف اجتماعی»

مجلس پنجم: مدیریت عواطف اجتماعی؛ از «مصادق‌یابی» تا

«نهادسازی»



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای شهید  
حاج قاسم سلیمانی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● آغوش جاودانه

تکرار فاطمه علیها السلام در مادری‌ها



زنان سرور تاریخ که به‌کنار، سرور زنان تاریخ هم به «مادری» خود می‌بالید. فاطمه داستان ما عمری داشت و نگاهی داشت به‌بلندای تاریخ؛ پس به کیفیت و عمق زندگی‌اش پرداخت. وقتی نداشت برای هدر دادن! برای همین، در همین فرصت کوتاه، خواست که مشغول «بهترین» کار باشد و مشغول «مادری» شد.

کتابچه «آغوش مادری» با پاسخ به شبهات زنان در حوزه فرزندآوری به این مسأله می‌پردازد که مادری‌کردن جایگاه پُرافتخاری است برای زنان، و عمیق‌ترین لذت‌ها و عبادت‌ها و خاطره‌ها را مادران می‌چشند؛ اما این دارد کم‌رنگ می‌شود.

## ● برشی از کتاب

دغدغه‌های مادرانه در فرزندآوری

می‌خواهم رشد فردی‌کم بچه نمی‌گذارد

وقت کم دارم، بچه وقت می‌خواهد

آرامش لازم دارم، بچه شلوغ است

تربیت سخت است، من بلد نیستم

من کلفت نیستم، بچه داری یعنی بشور و بساب

یکی دو تا بچه شیک است ولی بچه زیاد بی‌کلاسی است

من پول ندارم بچه خرج دارد

زنگ خطر و آمارهای درنگ‌آور

روضه‌های مادرانه

مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: متن ترویجی

کاری از: محمد مهدی باقری و  
حسین یوسفیان



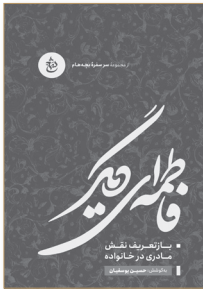
برای دریافت کتاب اسکن کنید

## ● فاطمه‌ای دیگر

باز تعریف نقش مادری در خانواده

با این الگوگیری از فاطمه زهرا علیها السلام می‌توان کاری کرد که زنانمان «فاطمه‌ای دیگر» باشند و فرزندان‌ علوی بیاورند و سربازانی مهدوی تربیت کنند.

کتاب «فاطمه‌ای دیگر» کوشیده است با الگوپردازی از زندگی فاطمه زهرا علیها السلام و بررسی ویژگی «مادری» آن حضرت، ارزش این مفهوم عمیق و عزیز یعنی «مادری» را توصیف کند. به این امید که با «بازتعریف نقش مادری در خانواده» بتوانیم تکرار فاطمه زهرا (س) را در خانواده‌های خود ببینیم و از آن بهره‌ها بگیریم.



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۰  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از: اداره راهبری محتوای تبلیغی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● عناوین جلسات

مجلس اول: مادرانه‌های فاطمی

مجلس دوم: مادری که مادری می‌کرد!

مجلس سوم: رنج شیرین مادری

مجلس چهارم: مانند فاطمه علیها السلام

مجلس پنجم: عبادت‌های خانوادگی





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از اندیشکده سعدا  
برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● تبیین با نور قرآن

تبیین در پرتوی ۳۰ آیه از ۳۰ جزء قرآن کریم

تبیین همیشه در تاریخ پراهمیت بوده اما در عصر حاضر اهمیت بیشتری پیدا کرده است تا جایی که رهبر حکیم انقلاب، فرمان «جهاد تبیین» را صادر کرده و آن را فریضه‌ای قطعی و فوری نامیده‌اند. کتاب «تبیین با تبیان» با الهام از کتاب تبیین به بررسی ۳۰ موضوع تبیینی در حوزه جهاد تبیین که فریضه‌ای قطعی و فوری است می‌پردازد.

## ● فهرست کتاب

جلد اول: تعریف و لوازم تبیین

۱. تعریف (تبیین و جهاد تبیین)

۲. لوازم تبیین

ایثار و شهادت، وحدت، بصیرت، خوش اخلاقی، شجاعت، مردم‌داری، تقوا، غیرت دینی، استقامت، دشمن‌شناسی

جلد دوم: موضوعات نیازمند تبیین؛ اصول و امهات تبیین

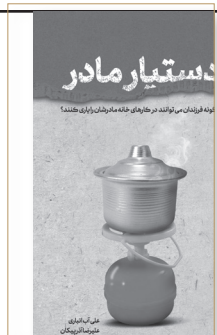
ظلم‌ستیزی، امریبه‌معروف، فرزندآوری، استقلال، عدم اعتماد به دشمن، زنان، جهاد اقتصادی، ولایت‌پذیری، انتظار، جهاد کبیر، توحید

جلد سوم: موضوعات نیازمند تبیین؛ واقعیت‌های میدان و نقاط امیدبخش

ظرفیت‌ها، چالش‌ها، دستاوردهای نظام، افول دشمن، عبور از بحران‌ها، امید به وعده‌ها، نگاه جهانی به انقلاب

## ● طرح درس دستیار مادر

چگونه فرزندان می‌توانند در کارهای خانه مادرشان را یاری کنند؟



مخاطب: کودک و نوجوان  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: طرح درس

کاری از گروه تولید محتوای  
عبورمردان ایران زمین



برای دریافت کتاب اسکن کنید

کتاب «دستیار مادر» وظایف کودکان و نوجوانان در همیاری مادرشان را بیان می‌کند و آموزش‌هایی درباره مسائل اقتصادی در قالب داستان و بازی و معما بیان می‌کند.

## ● عناوین جلسات

ماه میهمانی

قوانین زندگی

مسئولیت‌پذیری

رعایت حقوق همسایه

تمیز باش

مسیر موفقیت

استاد شو

سالم باش

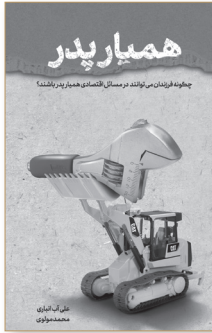
خلاقیت

مادر همیار



## ● طرح درس همیار پدر

چگونه فرزندان می‌توانند در مسائل اقتصادی همیار پدر باشند؟



مخاطب: کودک و نوجوان  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: طرح درس  
کاری از گروه تولید محتوای  
غیورمردان ایران زمین



برای دریافت کتاب اسکن کنید

این طرح درس تلاشی است در جهت تولید محتوای متناسب برای مبلغانی که در ایام تبلیغی برای کودکان و نوجوانان کلاس برگزار می‌کنند. در این کتاب با بیان وظایف کودکان و نوجوانان در همیاری پدرانشان در مسائل اقتصادی آموزش‌هایی در قالب داستان و بازی و معما بیان شده است.

## ● عناوین جلسات

محافظان منزل

راز سلامتی

دل‌های بزرگ

اشتباهی بزرگ

همیار پدر

رمز موفقیت ۱

رمز موفقیت ۲

شیرین زبونی

قشنگترین شب دنیا

بهترین الگوها

## ● طرح درس کمک‌یار خانواده

چگونه فرزندان می‌توانند در خانواده و جامعه انسان‌هایی موفق شوند؟



مخاطب: کودک و نوجوان  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: طرح درس  
کاری از گروه تولید محتوای  
غیورمردان ایران زمین



برای دریافت کتاب اسکن کنید

کودکان علاقه زیادی به ایجاد نقش در جامعه دارند و خانواده به عنوان یک جامعه کوچک و واحد تشکیل‌دهنده جامعه مکانی است برای ایفای نقش فرزندان. کتاب کمک‌یار خانواده با بیان وظایف کودکان و نوجوانان در همیاری خانواده‌شان در مسائل اقتصادی آموزش‌هایی در قالب داستان و بازی و معما بیان شده است.

## ● عناوین جلسات

محراب خونین شهادت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام)

بهترین واژه‌ها (پدر و مادر)

دعای مقبول

نشان ادب (سلام)

بهترین هم‌نشین (دوست)

مثل آینه

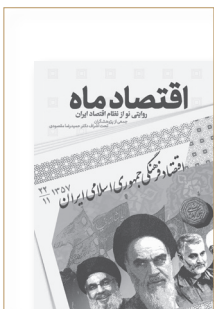
سنگ‌های صبور (روز قدس)

سرمایه گرانبها (ارزش عمر)

آداب خواب و بیداری

فروغ جاودانی (روز معلم، شهادت شهید مطهری)





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۲  
نوع محتوا: پشتیبان

کاری از مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی  
برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● اقتصاد ماه

پاسخ به ۱۰ سؤال مهم در مورد آقای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

فضای اقتصاد ایران آلوده است و تصور ما از اقتصاد ایران چیزی غیر از واقعیت است، چیزی است که دشمن برای ما تصویر کرده نه واقعیت آن. کتاب «اقتصاد ماه» با ارائه روایتی نو از نظام اقتصادی ایران مبتنی بر نظام جامع مسائل اقتصادی است که هدف آن، ارائه پاسخ‌هایی کوتاه به مهم‌ترین مباحث و گره‌های ذهنی مردم همچون شکاف طبقاتی، تورم، گرانی و اوضاع اقتصادی ایران است و مبلغ را برای پاسخ به سؤالاتی که حتماً در فضای تبلیغی امسال، با آن مواجه هست، فراهم می‌کند.

## ● عناوین جلسات

جمهوری اسلامی، شاخص فلاکت  
از اقتصاد دنیا چه خبر؟  
این بود عدالت؟!  
داستان شکاف طبقاتی  
رابطه دولت‌ها و اقتصاد  
دولت انقلابی و تورم؟!  
ماجرای خوددرو!  
ماجرای مسکن!  
این همه مشکل چرا؟  
بن بست شکن‌های اقتصاد

## ● راز رزق

بررسی قواعدی که رزق و روزی را به زندگی‌مان سرازیر می‌کند.



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۲  
نوع محتوا: پشتیبان

کاری از گروه تولید محتوای گام  
دومی‌ها

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● عناوین جلسات

جلسه اول: رمضان پُررزق  
جلسه دوم: زیباترین رابطه  
جلسه سوم: از روزی لذت تا لذت روزی  
جلسه چهارم: رنج شیرین روزی‌ها  
جلسه پنجم: استقلال روحی، رزق و روزی درونی  
جلسه ششم: رزق روحی آرامش  
جلسه هفتم: رزق تربیتی  
جلسه هشتم: رزق زمان  
جلسه نهم: رزق اجتماعی  
جلسه دهم: نقش ولایت در رزق و روزی





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۲  
نوع محتوا: متن ترویجی

کاری از گروه تولید محتوای گام  
دو می‌پویشی در ریافت کتاب اسکن کنید



## ● رزقِ نو

راه‌حل‌های رهایی از مشکلات اقتصادی

در رزقِ نو ده جلسه منبر مکتوب با قلمی تبلیغی و مفاهیم بلند قرآنی است که هدف آن پرداختن به مفاهیم اقتصادی اصیل اسلامی بوده و افقی جدید را به روی مخاطب می‌گشاید

## ● عناوین جلسات

رازق کیست؟

نقش من در رزق و روزی چیست؟

نقش شکر در رزق و روزی من

رزق اجتماعی، رزقِ نو

نقش خانواده در رزق اجتماعی

نقش نزدیکان و همسایگان در رزق اجتماعی

نقش نظام اخوت اسلامی در رزق اجتماعی

مؤلفه‌های قدرت اقتصادی؛ قدرت فرهنگی

تعاون مهمترین عامل قدرت اقتصادی

نقش حکومت در رزق و روزی من

## ● قصه دست‌ها

خط سیر پیروزی‌های حق بر باطل

چرا تقابل حق و باطل را یادمان می‌رود؟ و چرا شیرینی وعده پیروزی حق را در تلخ‌آب ناامیدی محو می‌کنیم؟ کمی اوج بگیریم تا بدانیم ماجرا از چه قرار است. اگر قرار به آسیب‌شناسی باشد، وضعیت چطور است؟ اگر قرار به ارزیابی باشد، حقیقت چه است؟ اگر قرار به راه‌حل‌یابی باشد، عقل چه می‌گوید؟ و اگر قرار به الگوگیری باشد، قرآن چه می‌فرماید؟

کتابچه «قصه دست‌ها» سوالات بالا و بیشتر را با بیانی ساده و شیوا برای مخاطب تشریح می‌کند و در او حس امیدواری به پیروزی جبهه حق را ایجاد می‌کند.

## ● عناوین جلسات

تاریخ را نمی‌توان خنثی دید؟ یعنی بدون جنگِ حق و باطل؟ پس آرامش و صلح چه می‌شود؟

آیا خط سیری در معجزه‌های پیامبران می‌توان یافت؟

اساساً پیروزی و شکست چیست؟

فقط امید به نصرت الهی کافی است؟ یا اینکه این پیروزی تاریخی شرط‌شروطی هم دارد؟

مهره‌های ابلیس، در سپاه باطل، چگونه می‌خواهند این جنگ را بزنند؟ و اینکه آیا همیشه عیان جنگیده‌اند یا از جایی در تاریخ، پنهان‌تر عمل کردند؟

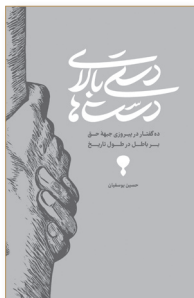
با توأصی به حق و صبر، چگونه امید و اعتماد گسترش می‌یابد؟



مخاطب: مبلغان  
سال تولید: ۱۴۰۰  
نوع محتوا: متن ترویجی

کاری از حسین یوسفیان و محمد مهدی باقری





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۰  
نوع محتوا: منبر مکتوب  
کاری از حجت الاسلام حسین یوسفیان

## ● دستی بالای دست‌ها

ده گفتار در پیروزی جبهه حق بر باطل در طول تاریخ

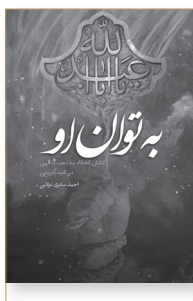
تاریخ را دست‌های پنجه‌درپنجه دو جبهه ساخته‌اند: جبهه حق، جبهه باطل. ما انسان‌ها نیز بازیگران میدانیم که با انتخاب خودمان پشت سر فرماندهان دو جبهه حرکت می‌کنیم. خبر خوشی هم در کار است؛ دست خدا با جبهه حق است و هم‌او وعده پیروزی داده است به دسته پیامبران و رسته پیروان آنان. کتاب «دستی بالای دست‌ها» با قلمی زیبا و امید آفرین پیروزی‌های جبهه حق بر باطل را در ادوار مختلف تاریخی بیان می‌کند.

## ● عناوین جلسات

گفتار اول: دست به کار شو  
گفتار دوم: معجزه دست‌های خدا  
گفتار سوم: دست‌های شیطانی  
گفتار چهارم: دستی که رو شد  
گفتار پنجم: تردستی ابلیس  
گفتار ششم: دنیا دست کیست؟  
گفتار هفتم: دست‌های شفا بخش  
گفتار هشتم: دست‌های رحمت  
گفتار نهم: دست‌های پشت پرده  
گفتار دهم: پیروزی دست‌ها

## ● «به توان او»

«نقش اعتقاد به نصرت الهی در امیدآفرینی»



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب  
کاری از گروه تولید محتوای به سوی ملکوت

بخشی از کتاب:

مهم‌ترین علت پیروزی امام حسین در کربلای سال ۶۱ ثبات قدمی بود که ایشان و یارانشان در کربلا داشتند. مهم‌ترین عامل ایجاد ناامیدی وجود مشکلات حل‌نشده در زندگی است.

## ● عناوین جلسات:

جلسه اول: نهضت حسینی، تدابیر مدافعین، اقدامات مهاجمین  
جلسه دوم: ویژگیهای تربیت‌شده مکتب حسینی  
جلسه سوم: عوامل ایجاد مشکلات  
جلسه چهارم: موضعگیریها در برابر مشکلات  
جلسه پنجم: ابزار نصرت الهی  
جلسه ششم: ابعاد و عرصه‌های نصرت الهی  
جلسه هفتم: شرایط نزول نصرت الهی  
جلسه هشتم: شرایط نزول نصرت الهی  
جلسه نهم: شرایط نزول نصرت الهی  
جلسه دهم: شرایط نزول نصرت الهی



برای دریافت کتاب اسکن کنید





**با بچه‌هایم سر یک سفره!**

کتابی در مورد تربیت  
و آموزش فرزندان برای  
فرزندان مسلمان  
مؤلف: سید علی حسینی  
مطبع: انتشارات آستان قدس  
تهران ۱۴۰۱

مخاطب: عمومی

سال تولید: ۱۴۰۱

نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای شهید  
حاج قاسم سلیمانی



برای دریافت کتاب اسکن کنید

● **«با بچه‌هایم سر یک سفره»**

«نگاهی نو و امیدآفرین به موضوع فرزندآوری در خانواده‌های حسینی»

● **معرفی**

۱۰ جلسه منبرک و ۱۰ جلسه منبر کامل به همراه روضه برای پاسخ به دغدغه‌ها و سؤالات مهم مردم در حوزه جمعیت و فرزندآوری که هر طلبه در تبلیغ با آن مواجه است تولید شده است. این محتوا تحت اشراف فعالین حوزه جمعیت و اساتیدی همچون استاد عباسی ولدی نوشته شده است.

● **عناوین جلسات:**

- جلسه اول: سر سفره بچه‌های حسین!
- جلسه دوم: چشمانی که به دست اوست!
- جلسه سوم: به سختی‌اش می‌ارزد!
- جلسه چهارم: سفره تنهایی
- جلسه پنجم: سر کدام سفره نشسته‌ای؟
- جلسه ششم: معامله شیرین!
- جلسه هفتم: سفره را او پهن می‌کند!
- جلسه هشتم: تربیتش با ما!
- جلسه نهم: جای پای عباس
- جلسه دهم: سفره همیشه‌باز!

● **«با کاروان عشق در کربلا»**

«تبیین انواع کربلا در زندگی امروز ما، برای دستیابی به قله‌های امیدآفرین در آزمایش‌های زندگی»



**با کاروان  
عشق  
در کربلا**

کتابی در مورد  
تربیت فرزندان برای  
فرزندان مسلمان  
مؤلف: سید علی حسینی  
مطبع: انتشارات آستان قدس  
تهران ۱۴۰۱

مخاطب: عمومی

سال تولید: ۱۴۰۱

نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای تبلیغی  
امیران بیان (امیریان شعبه قم)



برای دریافت کتاب اسکن کنید

● **عناوین جلسات:**

- جلسه اول: تبیین موضوع بحث
- جلسه دوم: کربلای اقتصادی
- جلسه سوم: کربلای علمی
- جلسه چهارم: کربلای جهاد تبیین
- جلسه پنجم: کربلای رسانه‌ای
- جلسه ششم: کربلای رسانه‌ای
- جلسه هفتم: کربلای خانوادگی
- جلسه هشتم: کربلای خانوادگی
- جلسه نهم: کربلای سیاسی
- جلسه دهم: کربلای فرهنگی

